

ISFAHAN
CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES & AGRICULTURE



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

اهمیت رایزنی اقتصادی و جایگاه آن در حاکمیت

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع،

معادن و کشاورزی اصفهان

خرداد ۱۴۰۴



۴	فصل اول: مقدمه
۵	بیان مساله پژوهش
۵	ضرورت انجام پژوهش
۸	اهداف پژوهش
۹	فصل دوم: مفهوم شناسی و مبانی نظری
۱۰	رایزنی اقتصادی
۱۰	تعریف عبارات کلیدی
۱۱	انواع روابط بخش خصوصی و دولت در رایزنی اقتصادی
۱۲	سازوکارهای نفوذ بخش خصوصی طی فرآیند رایزنی اقتصادی
۱۳	واکنش‌های دولت به رایزنی‌های اقتصادی
۱۳	تحلیل تطبیقی رایزنی اقتصادی در بسترهای مختلف
۱۵	فصل سوم: بررسی تاریخی و تطبیقی رایزنی اقتصادی
۱۶	آمریکا
۱۶	اکوسیستم رایزنی اقتصادی در آمریکا
۱۷	فرآیند رایزنی اقتصادی در آمریکا
۱۸	ابزارها و استراتژی‌های رایزنی اقتصادی شرکت‌های بزرگ
۲۲	تأثیر رایزنی اقتصادی بر قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری
۲۳	پیامدهای رایزنی اقتصادی بر دموکراسی و اقتصاد
۲۴	اکوسیستم رایزنی اقتصادی بریتانیا
۲۴	مقدمه
۲۴	تاریخچه رایزنی اقتصادی در بریتانیا



۲۵	مقررات.....
۲۶	جریان های بزرگ رایزنی اقتصادی در بریتانیا.....
۲۹	تحلیل داده های رایزنی های اقتصادی در بریتانیا.....
۳۳	اکوسیستم رایزنی اقتصادی در آلمان: ساختار، شفافیت و چالش ها.....
۳۳	مقدمه.....
۳۳	تعریف رایزنی اقتصادی و جایگاه قانونی در آلمان.....
۳۳	سازوکارها و نهادهای اصلی رایزنی اقتصادی.....
۳۴	آمار و داده های هزینه و پروژه های مذاکرات اقتصادی.....
۴۰	چالش های شفافیت و انتقادات.....
۴۰	شفافیت و دسترسی به داده ها.....
۴۱	مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی.....
۴۱	نتیجه گیری.....
۴۱	اکوسیستم رایزنی اقتصادی در کانادا.....
۴۲	فضای قانونی.....
۴۳	داده های رایزنی های اقتصادی در کانادا.....
۴۴	فصل چهارم: افزایش شفافیت و پاسخگویی در رایزنی اقتصادی، رویکرد حکمرانی خوب.....
۴۵	مقدمه:.....
۴۶	رویکرد حکمرانی خوب.....
۴۷	اهداف و ساختار.....
۴۸	تدوین یک چارچوب مناسب.....
۶۰	فصل پنجم: پیشنهادات.....
۶۲	منابع.....



فصل اول: مقدمه



بیان مساله پژوهش

رایزنی اقتصادی، هرگونه تلاش افراد یا گروه های ذینفع خصوصی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت؛ در معنای اصلی خود به تلاش برای تأثیرگذاری بر آرای قانونگذاران، عموماً در لابی های خارج از مجلس قانونگذاری اشاره دارد. رایزنی اقتصادی و لابی های اقتصادی به نوعی در هر نظام سیاسی اجتناب ناپذیر است. پیشرفت سریع فناوری و همچنین عدم اطمینان سیاسی و اقتصادی، منافع استراتژیک و استفاده از اطلاعات داخلی و خارجی برای تصمیم گیری را برای موفقیت کسب و کار مهم می کند. یک پایگاه اطلاعاتی مستحکم که شامل مسائل داخلی و محیط خارجی باشد به مدیران یک شرکت کمک می کند تا تصمیمات آگاهانه بگیرند، کارایی را بهبود می بخشد و به شرکت مزیت رقابتی (نسبت به رقبای کمتر آگاه) می دهد.

مبالغ قابل توجهی از پولی که برای رایزنی های اقتصادی توسط شرکت ها در اتحادیه اروپا و ایالات متحده خرج می شود، حاکی از اهمیت (درک شده) بالای فعالیت های رایزنی اقتصادی است. مجموع هزینه های این رایزنی ها در ایالات متحده از ۱,۸۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۳,۵۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ تقریباً دو برابر شد. در اروپا، مبلغ صرف شده صرفاً برای مذاکرات نهادهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ به حدود ۵۰۰ میلیون یورو رسید (چالمرز و مکدو، ۲۰۲۱). بررسی تأثیر بالقوه رایزنی اقتصادی بر هر شرکت به ما امکان می دهد مزایای هزینه های رایزنی های اقتصادی در جهان را درک کنیم.

سیاست دولت شرایط تعاملات اقتصادی را تعیین می کند زیرا قوانین بازرگانی، ساختارهای بازار و همچنین یارانه های دولتی، قراردادهای دولتی یا معافیت های مالیاتی را تعیین می کند. اگر شرکت ها بتوانند تصمیمات سیاسی آینده را به درستی پیش بینی کنند یا حتی بر آن ها برای دستیابی به مطلوب ترین نتیجه تأثیر بگذارند، سود قابل توجهی خواهند داشت. در بحث در مورد اینکه چه ابزارهایی را می توان برای دستیابی به این مزایا به کار برد، استراتژی اصلی مورد توجه در تحقیقات اخیر مفهوم مذاکرات شرکتی است (۲).

پژوهش ها نشان دهنده آن است که شرکت هایی که با حاکمیت رایزنی میکنند صورت های مالی بهتری نسبت به هم تایان غیر تعاملگر خود دارند و دسترسی آنها به اطلاعات مهم و استراتژیک به آنها اجازه می دهد تا تصمیمات تجاری به موقع تری بگیرند. مذاکره به عنوان ابزاری برای به دست آوردن اطلاعات در مورد اقدامات سیاسی و نظارتی در مراحل اولیه و سازگاری با آنها عمل می کند. به نظر محققین این ابزار برای شرکت هایی که در تصمیم گیری های سیاسی و نظارتی به کانال های اطلاعاتی دیگر دسترسی ندارند، مهم تر است.

شرکت ها برای به دست آوردن مزیت ها به رایزنی اقتصادی می پردازند که شواهد تجربی آن را تایید می کند. مطالعات ارتباط مثبت رایزنی اقتصادی را با ارزش شرکت، عملکرد مالی و بازده مالی نشان می دهد. تعداد انگشت شماری از مطالعات حتی بازده (مستقیم) هزینه های رایزنی را نیز مستند می کنند. به عنوان مثال، ریشتر و همکاران (۲۰۰۹) شواهدی را یافتند که نشان می دهد شرکت های تعامل گر نسبت به شرکت های غیرلابیگر، مشمول نرخ های مالیاتی مؤثر پایین تر هستند. به طور خاص، الکساندر و همکاران (۲۰۰۹) پس انداز مالیاتی ۲۲۰ دلار آمریکا به ازای هر دلار هزینه شده در رایزنی اقتصادی برای تعطیلات مالیاتی استرداد نقدی را به عنوان بخشی از قانون ایجاد مشاغل آمریکا در سال ۲۰۰۴ ثبت کرد.

ضرورت انجام پژوهش

تا زمانی که اختلافات قدرت وجود داشته باشد، انگیزه تأثیرگذاری بر قدرت ها فعالیت شهروندان و سایر ذینفعان مرتبط در همه انواع نظام های سیاسی وجود داشته است. بین حاکمان اطمینان از اینکه منافعیان توسط نمایندگان و طرف های دیگر شنیده می شود، از دیرباز حوزه روابط دولتی و رایزنی اقتصادی، یا شیوه های ذینفعانی بوده است که به دنبال تأثیرگذاری بر مواضع، سیاست ها و قوانین



وضع شده توسط حاکمان هستند. این امر در انواع نهادهای سیاسی-اجتماعی اتفاق می‌افتد، اگرچه تفاوت‌های موجود در نظام‌های سیاسی باعث شده است که ذینفعان در ابزارها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های کاربردی مختلف برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود به دنبال یا کسب شایستگی اضافی باشند.

رایزنی اقتصادی در بخش خصوصی یکی از ابزارهای مهم برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دولتی و قانونی است. اهمیت رایزنی اقتصادی برای بخش خصوصی را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد.



بخش خصوصی از طریق رایزنی اقتصادی می‌تواند به طور مستقیم بر فرآیند سیاست‌گذاری‌ها و قوانین تأثیر بگذارد. این تأثیرگذاری به کسب و کارها اجازه می‌دهد تا محیط کسب‌وکار خود را بهبود بخشند و شرایط مناسب‌تری برای رشد و توسعه ایجاد کنند. شرکت‌ها و نهادهای بخش خصوصی می‌توانند از طریق رایزنی اقتصادی از منافع اقتصادی خود دفاع کنند. این موضوع شامل کاهش مالیات‌ها، بهبود قوانین کار، حمایت از نوآوری‌ها، و جلوگیری از تصویب قوانینی است که ممکن است به کسب‌وکارها آسیب بزنند. یکی دیگر از اهداف مهم مذاکرات اقتصادی، کاهش ریسک‌های قانونی است. شرکت‌ها از طریق رایزنی اقتصادی می‌توانند اطمینان حاصل کنند که قوانین و مقررات به شکلی تدوین شوند که کمترین تأثیر منفی را بر فعالیتهای تجاری آنها داشته باشد. رایزنی اقتصادی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا شبکه‌های ارتباطی موثری با مقامات دولتی و دیگر نهادهای تأثیرگذار ایجاد کنند. این شبکه‌ها می‌توانند در مواقع بحرانی، هنگامی که شرکت‌ها نیاز به حمایت دولتی دارند، بسیار مفید باشند. از طریق مذاکرات، شرکت‌ها می‌توانند روند اخذ مجوزها و قراردادهای دولتی را تسریع کرده و از بروکراسی‌های پیچیده و زمان‌بر اجتناب کنند. بخش خصوصی می‌تواند از رایزنی اقتصادی برای پیشبرد نوآوری‌ها و دستیابی به حمایت‌های دولتی در حوزه‌های تحقیق و توسعه استفاده کند. این حمایت‌ها می‌توانند شامل اعتبارات مالیاتی، یارانه‌ها و تسهیلات مالی باشند. در فضای رقابتی جهانی، رایزنی اقتصادی می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا شرایطی را فراهم آورند که در مقایسه



با رقبای بین‌المللی، از مزیت رقابتی برخوردار شوند. این امر شامل دفاع از تجارت آزاد، تسهیل واردات و صادرات، و ایجاد روابط اقتصادی بین‌المللی است.

به طور خلاصه، رایزنی اقتصادی برای بخش خصوصی یک ابزار ضروری برای حفظ و افزایش منافع اقتصادی، کاهش ریسک‌ها و تسهیل در عملیات تجاری است. بدون مذاکره، بسیاری از شرکت‌ها ممکن است با چالش‌های قانونی و اقتصادی مواجه شوند که می‌تواند رشد و پایداری آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

از سمت دیگر میتوان مزیت‌های دیگری را در سطح کلان برای اقتصاد متصور بود. این مزیت‌ها به شرح زیر هستند:

۱. **کاهش رانت‌جویی:** وقتی لابی‌گری غیررسمی باشد، گروه‌های خاص از کانال‌های پشت‌پرده برای کسب امتیاز انحصاری استفاده می‌کنند. قانونی شدن لابی‌گری باعث می‌شود همه گروه‌ها مجبور باشند منافع خود را آشکارا مطرح کنند و فرآیند تصمیم‌گیری از حالت انحصاری خارج شود. برای مثال در کانادا، قانون Lobbying Act (۲۰۰۸) همه لابی‌گران را موظف می‌کند که ارتباطات خود با مقامات دولتی را در یک سامانه عمومی به ثبت برسانند. این ثبت شامل:

نام سازمان یا فرد لابی‌گر

موضوع مذاکرات

نام مقام دولتی مخاطب

تاریخ و نوع تماس (جلسه حضوری، ایمیل، تماس تلفنی و غیره)

به همین دلیل، اگر یک شرکت بخواهد از دولت امتیاز انحصاری بگیرد (مثلاً در حوزه معادن یا انرژی)، باید آن را علنی ثبت کند. این شفافیت باعث می‌شود سایر رقبا، رسانه‌ها و جامعه مدنی بتوانند بر فرایند نظارت کنند و در صورت مشاهده‌ی تلاش برای رانت‌جویی، واکنش نشان دهند.

۲. **کاهش فساد:** در سیستم غیرشفاف، لابی‌گری اغلب با پرداخت‌های غیرقانونی و فساد مالی همراه است. ثبت رسمی جلسات و ارتباطات لابی، همراه با گزارش‌های عمومی، فساد را به شدت کاهش می‌دهد.

۳. **تقارن بیشتر اطلاعات:** قانونی شدن لابی الزام می‌آورد که اطلاعات و گزارش‌ها مستند و در دسترس عموم قرار گیرند. این کار شکاف اطلاعاتی میان سیاست‌گذاران، جامعه و گروه‌های ذی‌نفع را کم می‌کند.

۴. **شفافیت نهادی:** در کشورهای دارای قوانین لابی، همه تعاملات با قانون‌گذاران ثبت و قابل ردیابی است. این امر اعتماد عمومی را بالا می‌برد و جلوی معاملات پنهانی را می‌گیرد.

۵. **مردمی‌سازی اقتصاد:** وقتی لابی‌گری قانونی باشد، گروه‌های کوچک‌تر، سازمان‌های مدنی و حتی تشکل‌های مردمی هم امکان حضور در فرآیند سیاست‌گذاری را پیدا می‌کنند، نه فقط گروه‌های ثروتمند و قدرتمند.

۶. **افزایش مقبولیت عمومی سیاست‌ها:** وقتی جامعه بداند قوانین و سیاست‌ها پس از شنیدن نظرات ذی‌نفعان مختلف تصویب شده‌اند، پذیرش عمومی آن‌ها بالاتر می‌رود و هزینه اجرای سیاست‌ها کمتر می‌شود.

۷. **افزایش سرمایه اجتماعی:** شفافیت و مشارکت سازمان‌یافته در سیاست‌گذاری باعث می‌شود اعتماد بین مردم و حکومت بیشتر شود. تجربه کانادا نشان می‌دهد قوانین شفاف لابی مستقیماً با افزایش اعتماد عمومی همبستگی دارد.

۸. **بهبود کیفیت سیاست‌گذاری:** لابی‌گران قانونی معمولاً داده‌ها، تحلیل‌ها و مطالعات تخصصی ارائه می‌دهند. این اطلاعات به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تصمیماتی دقیق‌تر و کارآمدتر اتخاذ کنند.



۹. تقویت پاسخگویی دولت: وقتی ارتباطات لابی مستند و عمومی باشد، دولت و نمایندگان پارلمان باید توضیح دهند چرا به پیشنهادهای برخی گروهها پاسخ داده‌اند. این الزام، پاسخگویی را بالا می‌برد.

اهداف پژوهش

هدف مطالعه بررسی اهمیت رایزنی اقتصادی و جایگاه آن در حاکمیت است. در این مسیر پرسش‌هایی مطرح میشود از جمله آنکه؛ منظور از «مردمی سازی نهادهای اقتصادی» چیست؟ و یا آنکه آیا مردمی سازی نهادهای تصمیم‌ساز اقتصادی امکان‌پذیر است؟ مردمی سازی نهادهای اقتصادی را میتوان ایجاد تکثر هر چه بیشتر در فرآیندهای تصمیم‌گیری اقتصادی-اجتماعی تعریف کرد. به بیان دیگر ایجاد تکثر در فرآیندهای تصمیم‌سازی اقتصادی به منظور توزیع هر چه عادلانه‌تر فرصت‌های اقتصادی را میتوان عنوان کرد. در بحث امکان‌سنجی اجرایی کردن آن میتوان راهکار استفاده از تجارب رایزنی اقتصادی سایر کشورها استفاده کرد.

طیفی از فرآیند تصمیم‌سازی بر اساس میزان مشارکت نهادهای مدنی، نهادهای غیر دولتی مردم‌نهاد (NGOs) و سایر نهادهای اقتصادی در خصوص مسائل اقتصادی و حاکمیتی مرتبط با اقتصاد ممکن است. در یک سر طیف، تصمیم‌سازی انحصاری توسط دولت و نهادهای حاکمیتی که در اتفاق موارد بدون در نظر گرفتن منافع عموم مردم انجام می‌شود که تبعاتی مانند دولت بزرگ، فرآیندهای اداری زمان‌بر و بوروکراتیک، کاهش بهره‌وری در اقتصاد و شکاف حاکمیت با مردم را در پی دارد. در سر دیگر این طیف، مشارکت حداکثر نهادهای مردمی در تصمیم‌سازی اقتصادی قرار می‌گیرد که فرآیند آن را میتوان در مساله رایزنی‌های نهادهای مردم‌نهاد و مدنی با حاکمیت تعریف کرد. مزیت‌ها و تبعات این مساله را میتوان کاهش شکاف حاکمیت و مردم، مردمی‌سازی اقتصاد، مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌سازی از طریق جامعه متخصصین و همین‌طور کاهش اعتراضات اجتماعی در نظر گرفت.

لذا اهداف پژوهش حاضر با توجه به نیاز بخش خصوصی کشور در جهت شناخت و فرهنگ‌سازی مقوله لابیگری و رایزنی بخش خصوصی با دولت به شرح زیر تعریف شد:

- تعریف درست مساله رایزنی اقتصادی بین بخش خصوصی و دولت‌ها
- بررسی کشورهای منتخب (توسعه یافته) در زمینه رایزنی اقتصادی
- بررسی گلوگاه‌های مالی مذاکرات اقتصادی در کشورهای منتخب
- مشخص کردن بازیگران اصلی در رایزنی‌های اقتصادی بین بخش خصوصی و دولت‌ها در کشورهای منتخب
- افزایش شفافیت و رقابت
- دسترسی به داده‌های رایزنی‌های اقتصادی کشورهای منتخب (توسعه یافته)
- افزایش میزان پذیرش نظرات بخش خصوصی از طرف حاکمیت
- کاربرد‌های نتایج مستخرج از این تحقیق را به این شرح عنوان کرد:
- کمک به مردمی‌سازی اقتصاد
- افزایش مشارکت مردم در اداره اقتصاد
- کاهش شکاف حاکمیت و مردم در فرآیندهای تصمیم‌سازی-اقتصاد اجتماعی



فصل دوم: مفهوم شناسی و مبانی نظری



رایزنی اقتصادی

رایزنی اقتصادی نوعی وکالت است که به طور قانونی تلاش می کند مستقیماً بر قانون گذاران یا مقامات دولتی مانند سازمان های نظارتی یا قوه قضاییه تأثیر بگذارد. مذاکرات اقتصادی اشکال مختلفی شامل تماس مستقیم و ملاقات رو در رو دارد و توسط نهادهای مختلف، از جمله شهروندان متمول، شرکت های بخش خصوصی، سازمان های غیر انتفاعی و سازمان های غیر دولتی از طریق گروه های حمایتی برای دستیابی به مأموریت های خود، در جهت تأثیر گذاری در امور قانون گذاری و تصمیمات حاکمیتی انجام می شود.

به نقل از اینوستوپدیا^۱ لابی گری اغلب به اشتباه تعبیر یا به عنوان رشوه خواری مورد انتقاد قرار می گیرد، که اینطور نیست. لابی گری عملی است که توسط افراد یا سازمان ها انجام می شود که به موجب آن در کمپین های عمومی (که به طور قانونی در دولت ثبت شده اند) برای تحت فشار قرار دادن دولت ها برای اعمال سیاست های عمومی خاص انجام می شود. قانونی بودن لابی گری در آمریکا از قانون اساسی ناشی می شود. رایزنی اقتصادی یک اهرم مهم برای یک دولت مولد است. بدون آن، دولت ها برای حل و فصل بسیاری از منافع رقابتی شهروندان خود با مشکل مواجه خواهند شد. خوشبختانه، لابی دسترسی به قانونگذاران دولتی را فراهم می کند، به عنوان یک ابزار آموزشی عمل می کند و به منافع فردی اجازه می دهد تا قدرت را به مقدار زیاد به دست آورند.

تعریف عبارات کلیدی

برای ایجاد یک چارچوب روشن برای این تحلیل، تعریف چند اصطلاح کلیدی بسیار مهم است:

رایزنی اقتصادی: اقدام عمدی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات اتخاذ شده توسط مقامات دولتی، در درجه اول قانونگذاران یا اعضای سازمان های نظارتی. این تأثیر می تواند از حمایت از قوانین خاص تا مخالفت با مقررات پیشنهادی متغیر باشد.

بخش خصوصی: بخشی از اقتصاد که مستقل از کنترل مستقیم دولت عمل می کند. این شامل مجموعه گسترده ای از نهادها، از کسب و کارهای کوچک گرفته تا شرکت های چند ملیتی، و همچنین شامل سازمان های غیرانتفاعی است که ممکن است در فعالیت های مذاکراتی برای پیشبرد مأموریت های خود شرکت کنند.

بخش عمومی: بخشی از اقتصاد که مستقیماً تحت کنترل یا تحت تأثیر نهادهای دولتی است. این شامل سازمان های دولتی، موسسات عمومی و شرکت های دولتی می شود.

گروه های ذینفع: گروه های سازمان یافته ای که برای ترویج علایق خاص تشکیل شده اند و اغلب در فعالیتهای رایزنی اقتصادی برای پیشبرد برنامه های خود شرکت می کنند. این گروه ها می توانند طیف وسیعی از منافع، از انجمن های صنعتی گرفته تا گروه های حامی محیط زیست را نمایندگی کنند [۱، ۲].

فعالیت سیاسی شرکتی (CPA): یک اصطلاح جامع شامل استراتژی های متنوعی است که توسط شرکت ها برای تأثیرگذاری بر سیاست های دولت به کار گرفته می شود. این شامل، اما نه محدود به، لابی، مشارکت در مبارزات انتخاباتی، و سایر اشکال تعامل سیاسی است که برای شکل دادن به محیط نظارتی به نفع آنها طراحی شده است [۳، ۴].

^۱. Investopedia

^۲. Corporate Political Activity



رایزنی اقتصادی یا لابیگر: مذاکره کنندگان حرفه‌ای افرادی هستند که تلاش می‌کند از طرف گروه یا فردی که آنها را استخدام می‌کند، بر قوانین، مقررات یا سایر تصمیمات، اقدامات یا سیاست‌های دولتی تأثیر بگذارد. سازمان‌های غیرانتفاعی، چه به‌عنوان رایزنی اقتصادی حرفه‌ای یا آماتور، می‌توانند به‌عنوان یک عمل داوطلبانه یا به‌عنوان بخش کوچکی از کار عادی خود لابی کنند. دولت‌ها اغلب «لابی‌گری» را برای اهداف قانونی تعریف می‌کنند و رایزنی اقتصادی گروهی سازمان‌یافته را که تأثیرگذار شده است، تنظیم می‌کنند.

انواع روابط بخش خصوصی و دولت در رایزنی اقتصادی

رابطه بین بخش خصوصی و دولت در رایزنی اقتصادی به هیچ وجه یکنواخت نیست. پیچیدگی آن ناشی از عوامل تعاملی متعددی، از جمله صنعت خاص درگیر، زمینه سیاسی گسترده‌تر و ماهیت موضوع سیاستی مورد بررسی است.

الف. همکاری مشترک

در موارد خاص، بخش خصوصی و دولت همکاری‌های مشترکی را ایجاد می‌کنند که با اهداف مشترک و منافع متقابل مشخص می‌شوند. دولت‌ها ممکن است به‌طور فعال به دنبال مشارکت با نهادهای بخش خصوصی برای دستیابی به اهداف مشترک، مانند تحریک رشد اقتصادی، رسیدگی به بحران‌های فوری در حوزه بهداشت عمومی یا تقویت نوآوری‌های فناوری باشند [۵، ۶]. این همکاری‌ها اغلب شامل تبادل اطلاعات، پروژه‌های مشترک و توسعه هماهنگ سیاست‌ها می‌شود. نمونه‌هایی از آن شامل مشارکت‌های دولت و صنعت برای توسعه واکنش‌های جدید یا برای مقابله با مقاومت ضد میکروبی است [۷، ۸]. موفقیت چنین مشارکت‌هایی به تعیین اهداف روشن، کانال‌های ارتباطی مؤثر و تعهد مشترک برای دستیابی به نتایج سودمند متقابل بستگی دارد. یک مشارکت موفق نیازمند مذاکره و توافق دقیق در مورد نقش‌ها، مسئولیت‌ها و توزیع مزایا و خطرات است. عدم رسیدگی به این مسائل می‌تواند منجر به درگیری و سرخوردگی شود.

ب. روابط خصمانه

برخلاف روابط مشارکتی، پویایی بین بخش خصوصی و دولت می‌تواند به شدت خصمانه شود، به ویژه هنگامی که منافع بخش خصوصی با مقررات یا سیاست‌های دولتی در تضاد باشد. این امر اغلب در موقعیت‌هایی مشاهده می‌شود که دولت به دنبال تنظیم صنایعی است که برای سلامت عمومی یا محیط زیست مضر تلقی می‌شوند [۹، ۱۰]. بخش خصوصی ممکن است به‌طور فعال علیه این مقررات لابی کند و از استراتژی‌های مختلفی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاست‌گذاران استفاده کند. این امر می‌تواند منجر به درگیری‌های طولانی و مبارزات قدرت شود که به‌طور بالقوه منجر به بن‌بست قانونی یا تضعیف مقررات مورد نظر می‌شود [۱۱]. شدت این روابط خصمانه اغلب به تأثیر اقتصادی درک شده از مقررات و قدرت سیاسی صنعت تحت تأثیر بستگی دارد.

ج. جذب و تصرف

در شرایط خاص، تلاش‌های رایزنی اقتصادی می‌تواند منجر به جذب یا تصاحب سازمان‌های دولتی یا مقامات توسط بخش خصوصی شود [۱۲، ۱۳]. این اتفاق زمانی می‌افتد که منافع بخش خصوصی تأثیر نامتناسبی بر تصمیم‌گیری‌های دولت اعمال می‌کند و به‌طور بالقوه منافع عمومی را تضعیف کند. تصرف نظارتی، شکل خاصی از جذب، به ویژه نگران‌کننده است. این امر زمانی رخ می‌دهد که یک سازمان نظارتی که وظیفه نظارت بر یک صنعت را بر عهده دارد، بیش از حد با منافع صنعت هم‌مدل می‌شود و مانع از تنظیم مقررات مؤثر می‌شود [۱۴]. این امر می‌تواند به طرق مختلفی آشکار شود، مانند عدم موفقیت سازمان‌ها در اجرای مؤثر مقررات یا عدم ترویج فعال

^۱ Lobbyist



سیاست‌های مطلوب برای صنعت، پیامدهای تصرف نظارتی می‌تواند بسیار گسترده باشد و منجر به تحریف بازار، آسیب‌های زیست‌محیطی و آسیب به سلامت عمومی شود [۱۰، ۱۵]. مکانیسم‌هایی که از طریق آنها تصاحب قدرت رخ می‌دهد، چندوجهی هستند و ممکن است شامل رایزنی اقتصادی مستقیم، کمک‌های مالی به کمپین‌ها یا پدیده درب گردان باشند، که در آن افراد بین مناصب دولتی و صنعتی جابجا می‌شوند.

سازوکارهای نفوذ بخش خصوصی طی فرآیند رایزنی اقتصادی

بخش خصوصی از طیف متنوعی از مکانیسم‌ها برای اعمال نفوذ بر سیاست‌های دولتی از طریق رایزنی اقتصادی استفاده می‌کند. این مکانیسم‌ها را می‌توان به طور کلی به عنوان استراتژی‌های مستقیم یا غیرمستقیم طبقه‌بندی کرد.

الف. رایزنی اقتصادی مستقیم

رایزنی اقتصادی مستقیم شامل ارتباط مستقیم بین نمایندگان بخش خصوصی و سیاست‌گذاران است. این قسمت می‌تواند شامل جلسات رسمی، گفتگوهای غیررسمی، ارائه‌های کتبی و شهادت در جلسات قانونگذاری باشد [۴، ۱۶]. اثربخشی رایزنی اقتصادی مستقیم به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله دسترسی رایزن به سیاست‌گذاران، اقناع‌پذیری استدلال‌های آنها و میزان پذیرش پیام آنها توسط سیاست‌گذاران. روابطی که در طول زمان ایجاد می‌شوند و با اعتماد و درک متقابل مشخص می‌شوند، می‌توانند اثربخشی رایزنی اقتصادی مستقیم را به طور قابل توجهی افزایش دهند [۱۷]. با این حال، موفقیت رایزنی اقتصادی مستقیم تضمین شده نیست و اثربخشی آن می‌تواند تحت تأثیر فضای سیاسی و قدرت منافع رقیب قرار گیرد.

ب. رایزنی اقتصادی غیرمستقیم

برخلاف رایزنی اقتصادی مستقیم، استراتژی‌های غیرمستقیم با شکل‌دهی افکار عمومی و بسیج حمایت برای سیاست‌های مطلوب، با هدف تأثیرگذاری غیرمستقیم بر سیاست‌گذاران انجام می‌شوند. این استراتژی‌ها اغلب شامل کمپین‌های روابط عمومی، تلاش‌های بسیج مردمی و استفاده استراتژیک از رسانه‌ها برای شکل‌دهی مطلوب به مسائل هستند [۱۱، ۱۸]. کمپین‌های روابط عمومی با هدف بهبود تصویر صنعت و محصولات آن انجام می‌شوند، در حالی که بسیج مردمی شامل مشارکت مستقیم مردم از طریق دادخواست‌ها، اعتراضات یا کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی است. استفاده استراتژیک از رسانه‌ها شامل انتشار اطلاعات برای شکل‌دهی به ادراک عمومی و تأثیرگذاری بر بحث‌های سیاسی است. این روش‌های غیرمستقیم اغلب همراه با رایزنی اقتصادی مستقیم برای به حداکثر رساندن تأثیر استفاده می‌شوند. اثربخشی رایزنی اقتصادی غیرمستقیم به عواملی مانند اقناع‌پذیری پیام، اعتبار پیام‌رسان و تمایل رسانه‌ها برای پوشش موضوع بستگی دارد. [۱۴، ۱۹].

ج. کمک‌های مالی به کمپین‌ها و کمک‌های مالی سیاسی

کمک‌های مالی به کمپین‌های سیاسی و احزاب سیاسی می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران عمل کند [۳]. این کمک‌ها می‌توانند دسترسی به سیاست‌گذاران را فراهم کنند، روابط ایجاد کنند و حمایت از نامزدها یا احزاب همسو با منافع بخش خصوصی را نشان دهند. با این حال، ارتباط بین کمک‌های مالی به کمپین‌ها و نتایج سیاست‌گذاری پیچیده و موضوع بحث‌های مداوم است. در حالی که برخی تحقیقات نشان دهنده همبستگی بین کمک‌های مالی به کمپین‌ها و تصمیمات سیاسی مطلوب است [۲۰]. برخی دیگر معتقدند که تأثیر کمک‌های مالی به کمپین‌ها اغلب اغراق‌آمیز است و عوامل دیگر نقش مهم‌تری در شکل‌دهی به نتایج سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند. شفافیت سیستم‌های مالی کمپین‌ها عامل مهمی در تعیین میزان تأثیر کمک‌های مالی به کمپین‌ها بر



تصمیمات سیاسی است. سیستم‌های غیرشفاف امکان نفوذ بی‌مورد را فراهم می‌کنند، در حالی که سیستم‌های شفاف پاسخگویی را افزایش می‌دهند.

واکنش‌های دولت به رایزنی‌های اقتصادی

واکنش‌های دولت به تلاش‌های رایزنی اقتصادی تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل، از موضوع خاص سیاست‌گذاری گرفته تا فضای سیاسی غالب و قدرت منافع رقیب، قرار دارد.

الف. اتخاذ و اصلاح سیاست

رایزنی اقتصادی می‌تواند به طور قابل توجهی بر تصمیمات سیاست‌گذاری دولت تأثیر بگذارد و منجر به اتخاذ یا اصلاح سیاست‌هایی شود که منعکس‌کننده منافع بخش خصوصی است [۲۱، ۲۲]. با این حال، میزان این تأثیر بسیار متغیر است. این امر به عوامل مختلفی مانند نظام سیاسی، حوزه سیاست‌گذاری خاص، قدرت منافع رقیب و سطح حمایت عمومی از سیاست پیشنهادی بستگی دارد [۲۳]. در برخی موارد، رایزنی اقتصادی ممکن است منجر به اتخاذ سیاست‌هایی شود که هم برای بخش خصوصی و هم برای منافع عمومی مفید هستند. در موارد دیگر، رایزنی اقتصادی ممکن است منجر به سیاست‌هایی شود که در درجه اول به نفع بخش خصوصی است، که به طور بالقوه به قیمت از دست رفتن منافع عمومی تمام می‌شود.

ب. تصرف نظارتی

همانطور که قبلاً بحث شد، تصرف نظارتی نشان‌دهنده یک خطر قابل توجه مرتبط با رایزنی اقتصادی است. این اتفاق زمانی می‌افتد که یک سازمان نظارتی که قرار است بر یک صنعت خاص نظارت کند، بیش از حد تحت تأثیر آن صنعت قرار می‌گیرد و عملاً استقلال و توانایی خود را برای تنظیم مؤثر از دست می‌دهد [۱۲، ۱۳]. این می‌تواند منجر به اجرای سهل‌انگارانه مقررات، اتخاذ سیاست‌هایی که به نفع صنعت است و فرسایش کلی اعتماد عمومی به فرآیند نظارتی شود. تصرف نظارتی می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی داشته باشد که به طور بالقوه منجر به ناکارآمدی بازار، آسیب زیست‌محیطی و آسیب به سلامت عمومی می‌شود [۱۴]. جلوگیری از تصرف نظارتی نیاز به چارچوب‌های نظارتی قوی، فرآیندهای تصمیم‌گیری شفاف و کنترل و توازن قوی دارد [۱۵].

ج. شفافیت و پاسخگویی

شفافیت و پاسخگویی در کاهش خطرات مرتبط با رایزنی اقتصادی ضروری هستند. شیوه‌های شفاف رایزنی اقتصادی به مردم این امکان را می‌دهد که بفهمند چه کسی در تلاش است تا بر تصمیمات سیاست‌گذاری تأثیر بگذارد و منافع آنها چیست [۱۰، ۲۴]. این شفافیت، نظارت عمومی و پاسخگویی را تقویت می‌کند و به اطمینان از اتخاذ تصمیمات سیاسی در جهت منافع عمومی کمک می‌کند. مقرراتی که مذاکره‌کنندگان را ملزم به ثبت، افشای اطلاعات مشتریان و گزارش فعالیت‌هایشان می‌کند، می‌تواند شفافیت را به میزان قابل توجهی بهبود بخشد. با این حال، اثربخشی این مقررات به اجرای آنها و میزان رعایت آنها توسط مذاکره‌کنندگان بستگی دارد. عدم شفافیت می‌تواند منجر به سوءظن به فساد و نفوذ ناروا شود و اعتماد عمومی به نهادهای دولتی را از بین ببرد [۱۹].

تحلیل تطبیقی رایزنی اقتصادی در بسترهای مختلف

رابطه بین بخش خصوصی و دولت در رایزنی اقتصادی به هیچ وجه یکنواخت نیست و در کشورهای مختلف و نظام‌های سیاسی مختلف، تفاوت‌های چشمگیری دارد.



الف. کشورهای توسعه یافته در مقابل کشورهای در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته اغلب سیستم‌های رایزنی اقتصادی رسمی‌تر و قانونمندتری دارند، با رویه‌ها و مقررات تثبیت شده‌ای که فعالیت‌های رایزنی اقتصادی را کنترل می‌کنند [۲۴، ۲۵]. هدف این مقررات افزایش شفافیت و پاسخگویی است، اما اثربخشی آنها متفاوت است. در مقابل، شیوه‌های رایزنی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه ممکن است کمتر قانونمند و غیررسمی‌تر باشند و پتانسیل بیشتری برای فساد و نفوذ بی‌مورد ایجاد کنند [۲۶، ۲۷]. سطح ظرفیت نهادی و قدرت نهادهای دموکراتیک نقش مهمی در شکل‌دهی به ماهیت و اثربخشی مقررات رایزنی اقتصادی ایفا می‌کنند. نهادهای ضعیف و عدم شفافیت می‌توانند محیطی ایجاد کنند که در آن منافع بخش خصوصی می‌تواند نفوذ بی‌موردی بر تصمیمات سیاسی اعمال کند. عدم وجود چارچوب‌های نظارتی قوی همچنین می‌تواند منجر به عدم پاسخگویی و افزایش خطر فساد شود.

ب. تغییرات بخشی

شدت و ماهیت رایزنی اقتصادی نیز در بخش‌های مختلف به طور قابل توجهی متفاوت است. صنایعی که سهم قابل توجهی در سیاست‌های دولتی دارند، مانند داروسازی، امور مالی و انرژی، در مقایسه با بخش‌هایی که تعامل مستقیم کمتری با مقررات دولتی دارند، تمایل دارند در تلاش‌های رایزنی اقتصادی گسترده‌ای شرکت کنند [۱۰]. دلیل این امر این است که این صنایع اغلب با بارهای نظارتی قابل توجهی روبرو هستند و منافع مالی قابل توجهی در تصمیمات سیاسی در معرض خطر دارند. منابع موجود برای این صنایع، از جمله منابع مالی، تخصص و ظرفیت سازمانی، نیز به توانایی آنها در مشارکت مؤثر در رایزنی اقتصادی کمک می‌کند. صنایعی با ساختارهای بازار بسیار متمرکز نیز ممکن است بیشتر در رایزنی اقتصادی مشارکت کنند، زیرا می‌توانند تلاش‌های خود را راحت‌تر هماهنگ کنند.

ج. سیستم‌های سیاسی

ساختار سیستم سیاسی یک کشور نقش مهمی در شکل‌دهی به استراتژی‌ها و نتایج رایزنی اقتصادی ایفا می‌کند. در سیستم‌هایی با انضباط حزبی قوی، تلاش‌های رایزنی اقتصادی ممکن است بر تأثیرگذاری بر رهبران حزب متمرکز باشد، در حالی که در سیستم‌هایی با انضباط حزبی ضعیف‌تر، مذاکره کنندگان ممکن است قانونگذاران منفرد را هدف قرار دهند [۲۸، ۲۹]. میزان تفکیک قوا در یک سیستم سیاسی نیز بر استراتژی‌های رایزنی اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در سیستم‌هایی با تفکیک واضح قوا، مذاکره کنندگان ممکن است چندین شاخه از حکومت را هدف قرار دهند، در حالی که در سیستم‌هایی با تفکیک کمتر قوا، تلاش‌های رایزنی اقتصادی ممکن است بر یک شاخه واحد متمرکز شود. وجود سازمان‌های نظارتی مستقل و قوی نیز می‌تواند بر استراتژی‌های رایزنی اقتصادی تأثیر بگذارد، زیرا مذاکره کنندگان ممکن است به دنبال تأثیرگذاری بر قوه مقننه و سازمان‌های نظارتی باشند. سطح مشارکت عمومی در فرآیند سیاست‌گذاری نیز می‌تواند بر استراتژی‌های رایزنی اقتصادی تأثیر بگذارد، زیرا مذاکره کنندگان ممکن است به دنبال بسیج حمایت عمومی برای مواضع خود باشند. در نهایت، میزان شفافیت و پاسخگویی در نظام سیاسی می‌تواند بر اثربخشی تلاش‌های رایزنی اقتصادی تأثیر بگذارد.



فصل سوم: بررسی تاریخی و تطبیقی رایزنی اقتصادی



آمریکا

رایزنی اقتصادی رایج ترین شکل مشارکت سیاسی شرکت ها است و سابقه طولانی در استفاده برای به دست آوردن نفوذ سیاسی دارد. در ایالات متحده، هزینه های رایزنی اقتصادی به صندوق های انتخاباتی سیاستمداران یا شخصاً به سیاستمداران یا کارکنان آن ها در مبادله مستقیم پول برای قوانین مطلوب یا قراردادهای دولتی کمک نمی شود در عوض، آنها به عنوان حق الزحمه به شرکت های رایزنی اقتصادی ثبت شده یا مذاکره کنندگان فردی یا به عنوان دستمزد به مذاکره کنندگان داخلی پرداخت می شوند تا به سیاستمدارانی که بر فرآیند نظارتی یا تصمیم گیری تأثیر دارند دسترسی پیدا کنند. در ادامه به بررسی اکوسیستم رایزنی اقتصادی در آمریکا خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است داده های ارائه شده داده های رایزنی اقتصادی که اساس وبسایت open secret را تشکیل می دهند با استفاده از گزارش های افشای رایزنی اقتصادی که نزد دبیر دفتر اسناد عمومی سنا (SOPR) ثبت شده و در وبسایت آن بازنشر می شود، گردآوری شده است. گزارش هایی که در این وبسایت تحلیل می شوند، فعالیت های رایزنی اقتصادی را که از سال ۱۹۹۸ تا سه ماهه اخیر انجام شده است، پوشش می دهد. گزارش های فصلی در بیستمین روز ژانویه، آوریل، جولای و اکتبر ارائه می شوند و پس از نمایش در وبسایت SOPR در OpenSecrets.org گنجانده می شوند. با ثبت اصلاحات جدید، داده های ارسال شده قبلی در معرض تغییر هستند. سازمانی که کمتر از ۱۲۵۰۰ دلار در هر سه ماهه برای مذاکرات اقتصادی خرج می کند مجبور نیست هزینه های خود را اعلام کند. مجموع هزینه های مربوط به فعالیت های رایزنی اقتصادی در هر سه ماهه گزارش می شود، اما بر اساس میزان هزینه شده برای یک موضوع یا لایحه خاص، تفکیک نمی شود. فعالیت رایزنی اقتصادی در یکی از ۸۰ حوزه موضوعی (مانند تجارت یا مالیات یا انرژی) گزارش شده است. در هر ناحیه پرونده، مذاکره کنندگان که روی آن موضوع کار می کردند، با چه آژانس ها یا اتاق های کنگره تماس گرفتند و شرحی از موضوعات خاصی که لابی شده اند، فهرست می کنند.

اکوسیستم رایزنی اقتصادی در آمریکا

رایزنی اقتصادی، به عنوان یکی از روش های مهم تعامل شرکت ها با سیاستمداران و دولت ها، به ابزار اصلی شرکت های بزرگ برای تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم گیری سیاسی در ایالات متحده تبدیل شده است. شرکت های بزرگ، از طریق رایزنی اقتصادی به دنبال شکل دهی به محیط قانونی و نظارتی به نفع خود هستند و با استفاده از این روش به اهداف اقتصادی و تجاری خود دست می یابند. رایزنی اقتصادی به دلیل رشد صنعت مشاوره سیاسی و افزایش پیچیدگی قوانین در دهه های اخیر، به طور مداوم گسترش یافته و هزینه های مرتبط با آن نیز به طور چشمگیری افزایش یافته است.

در این بخش به بررسی دقیق رایزنی اقتصادی شرکت های بزرگ در ایالات متحده خواهیم پرداخت. ابتدا به تاریخچه و تعاریف رایزنی اقتصادی در آمریکا پرداخته می شود، سپس ابزارها و استراتژی های مورد استفاده شرکت ها در این حوزه مورد بحث قرار می گیرد. همچنین تأثیرات رایزنی اقتصادی بر قانون گذاری و سیاست گذاری و پیامدهای آن بر دموکراسی و اقتصاد تحلیل خواهد شد.

رایزنی اقتصادی یکی از قدیمی ترین و مؤثرترین روش ها برای تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی در ایالات متحده است. ریشه این مفهوم به قرن نوزدهم بازمی گردد، زمانی که افراد و گروه های ذی نفع برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دولتی، به ساختمان های قانون گذاری مراجعه می کردند تا با سیاستمداران گفتگو کنند. واژه "لابی گری" از این تعاملات در راهروهای (لابی ها) ساختمان های دولتی گرفته شده است. از نظر تاریخی، رایزنی اقتصادی ابتدا توسط انجمن های حرفه ای و گروه های صنفی مورد استفاده قرار می گرفت. اما با گسترش شرکت های بزرگ و رشد صنعت سرمایه داری در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، شرکت ها نیز به این روش روی آوردند. با گذشت



زمان، رایزنی اقتصادی تبدیل به صنعتی تخصصی شد و شرکت‌ها شروع به استخدام مذاکره کنندگان حرفه‌ای کردند. در دهه‌های اخیر، هزینه‌های مرتبط با رایزنی اقتصادی در آمریکا به میلیاردها دلار رسیده است و این امر نشان‌دهنده اهمیت آن در فرآیندهای سیاسی است.

فرآیند رایزنی اقتصادی در آمریکا

برای شروع فعالیت رایزنی اقتصادی در ایالات متحده، مهم‌ترین گام ثبت‌نام رسمی در دفاتر ثبت رایزنی اقتصادی هر دو نهاد قانون‌گذاری اصلی یعنی مجلس نمایندگان و مجلس سنا است. این ثبت‌نام به واسطه قانون افشای رایزنی اقتصادی (Lobbying Disclosure Act) الزام‌آور شده و به منظور شفافیت و کنترل فعالیت‌های مذاکره کنندگان طراحی شده است. نخستین مرحله دریافت شناسه کاربری و کلمه عبور از پورتال‌های رسمی است که به مذاکره کنندگان اجازه می‌دهد وارد سامانه ثبت‌نام الکترونیکی شوند. پس از دریافت شناسه، مذاکره کنندگان باید فرم اولیه (LD-1) را پر کنند. این فرم شامل اطلاعات جامع درباره مشتری یا سازمان سفارش‌دهنده، حوزه‌های سیاسی یا قانون‌گذاری مورد هدف، اسامی افراد فعال در مذاکرات، و همچنین برآورد هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های رایزنی اقتصادی است. ثبت‌نام باید ظرف ۴۵ روز از زمان اولین تماس یا فعالیت رایزنی اقتصادی انجام شود؛ عدم انجام این ثبت‌نام به موقع می‌تواند منجر به جریمه‌های سنگین و حتی پیگرد قانونی شود. علاوه بر این، اگر یک رایزنی اقتصادی برای چندین مشتری کار می‌کند یا حوزه‌های مختلفی را پوشش می‌دهد، باید برای هر کدام فرم جداگانه‌ای تکمیل کند تا شفافیت و تفکیک اطلاعات حفظ شود.

پس از ثبت‌نام اولیه، فرآیند رایزنی اقتصادی با گزارش‌دهی دوره‌ای ادامه پیدا می‌کند. این گزارش‌ها که معمولاً هر سه ماه یکبار باید به دفاتر ثبت سنا و مجلس نمایندگان ارسال شوند، جزئیات کامل تماس‌ها و مذاکرات انجام شده، موضوعات مورد بحث، نتایج مورد انتظار و هزینه‌های انجام شده را در بر می‌گیرند. این گزارش‌ها در قالب فرم LD-2 ارائه می‌شوند و به قانون‌گذاران، نهادهای نظارتی و عموم مردم امکان می‌دهند تا از فعالیت‌های مذاکره کنندگان آگاه باشند و تأثیر احتمالی آنها بر سیاست‌ها را رصد کنند. علاوه بر این، اگر در دوره‌های شش ماهه کمک‌های مالی یا حمایت‌های مالی به مذاکره کنندگان تعلق گیرد، ارسال فرم LD-203 برای ثبت و افشای این منابع مالی الزامی است. این فرآیند گزارش‌دهی منظم به کاهش ابهامات و افزایش شفافیت کمک می‌کند و از نفوذ غیرقانونی یا پنهان جلوگیری می‌کند. در نهایت، این ساختار قانونی و نظارتی باعث می‌شود که فعالیت‌های رایزنی اقتصادی در چارچوب قوانین و مقررات فدرال انجام شوند و تضمین می‌کند که نقش مذاکره کنندگان در شکل‌دادن به سیاست‌ها به شکلی مسئولانه و قابل پیگیری باشد.



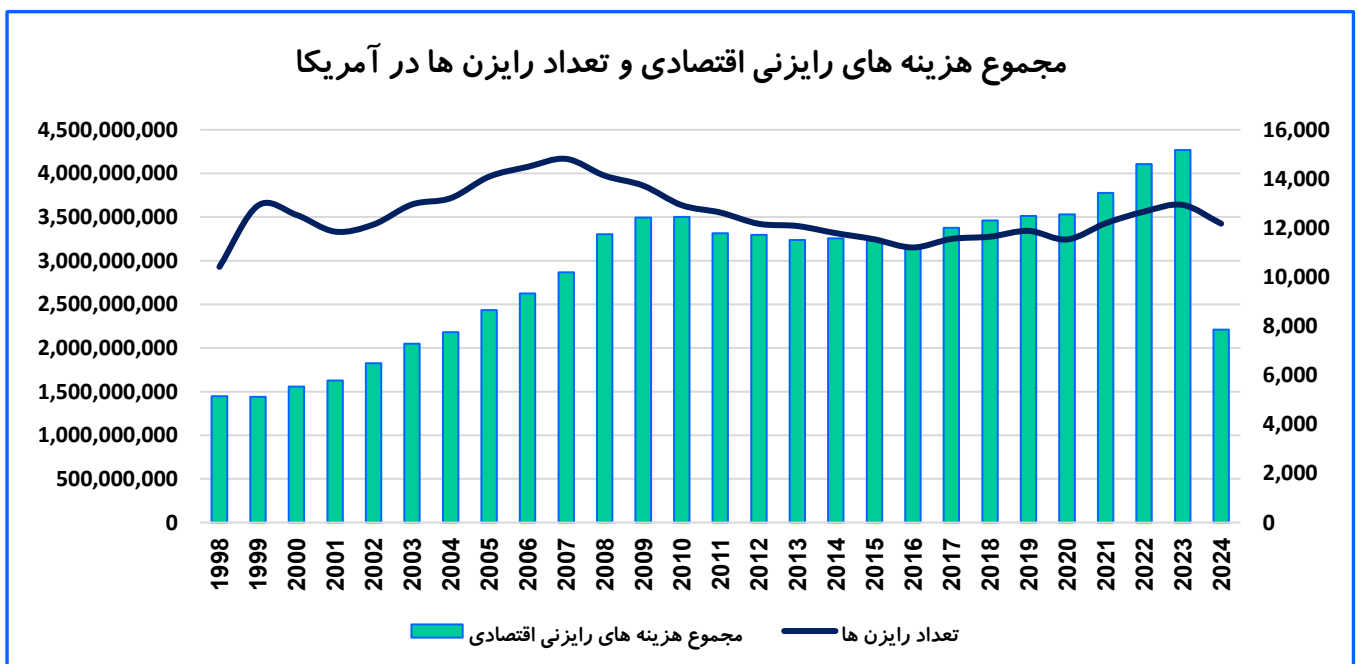


ابزارها و استراتژی‌های رایزنی اقتصادی شرکت‌های بزرگ

شرکت‌های بزرگ در ایالات متحده از طیف وسیعی از ابزارها و استراتژی‌های رایزنی اقتصادی برای تأثیرگذاری بر سیاستمداران استفاده می‌کنند. این ابزارها شامل موارد زیر است

۱. استخدام مذاکره کنندگان حرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین استراتژی‌های مذاکره، استخدام مذاکره کنندگان حرفه‌ای است. این افراد که معمولاً تجربه‌های گسترده‌ای در زمینه‌های قانونی و سیاسی دارند، به‌عنوان میانجی بین شرکت‌ها و سیاستمداران عمل می‌کنند. مذاکره کنندگان حرفه‌ای اغلب در شرکت‌های مشاوره‌ای بزرگ فعالیت می‌کنند که خدمات تخصصی در حوزه رایزنی اقتصادی ارائه می‌دهند. این شرکت‌ها معمولاً به خوبی در ساختارهای دولتی نفوذ کرده‌اند و روابط قوی با قانون‌گذاران دارند. در نمودار زیر میزان هزینه کرد شرکت‌ها در اقتصاد آمریکا برای مذاکرات اقتصادی به همراه تعداد مذاکره کنندگان نشان داده شده است. همانطور که در نمودار فوق مشخص است تعداد افراد مذاکره کننده در طی این سالها تغییرات انچنانی نداشته اما با افزایش هزینه های مذاکراتی این حقیقت که مذاکرات ثبت شده در حال افزایش است انکار ناپذیر بنظر می‌رسد.



نمودار ۲

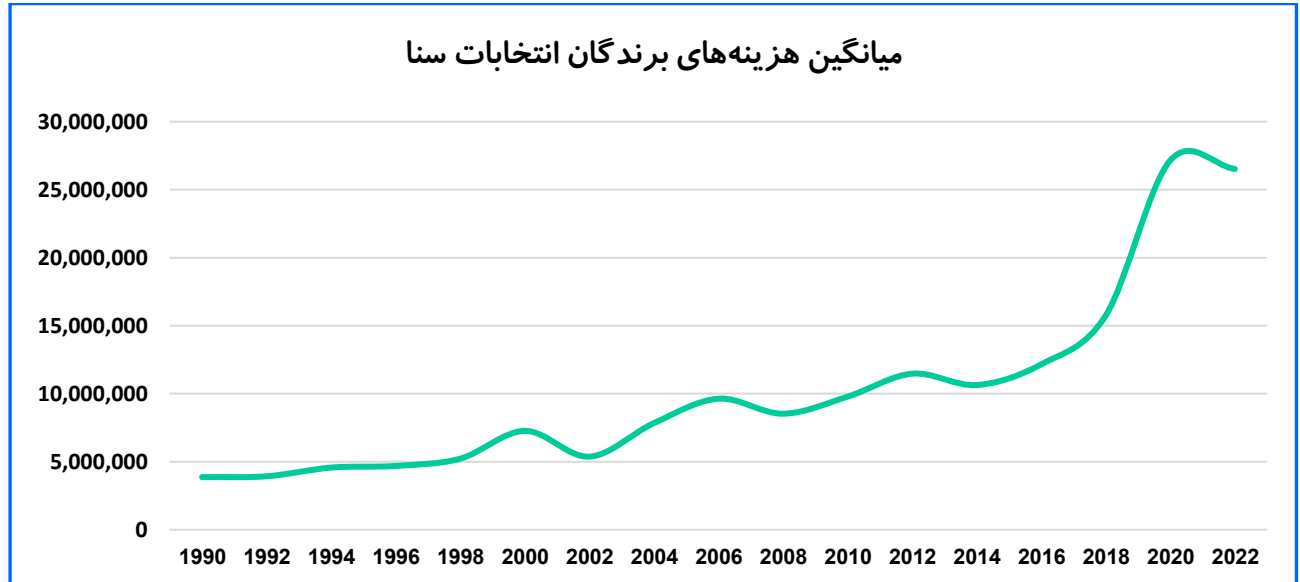
(منبع: پژوهش حاضر)

۲. ایجاد روابط سیاسی

شرکت‌های بزرگ از روابط خود با سیاستمداران برای افزایش تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها بهره می‌برند. یکی از روش‌های ایجاد این روابط، کمک به کمپین‌های انتخاباتی است. اگرچه قوانین ایالات متحده کمک‌های مالی مستقیم شرکت‌ها به سیاستمداران را محدود



کرده است، اما این کمک‌ها اغلب از طریق کمیته‌های اقدام سیاسی (PAC) انجام می‌شود PAC ها به عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که شرکت‌ها را قادر می‌سازند از طریق اهدای پول به نامزدهای مورد حمایت خود، در فرآیند انتخاباتی نقش ایفا کنند. در جدول زیر میزان دریافتی احزاب دموکرات و جمهوری خواه از بخش خصوصی برای سه انتخابات مجالس نمایندگان و سنا و همچنین ریاست جمهوری آمریکا نشان داده شده است.



نمودار ۳

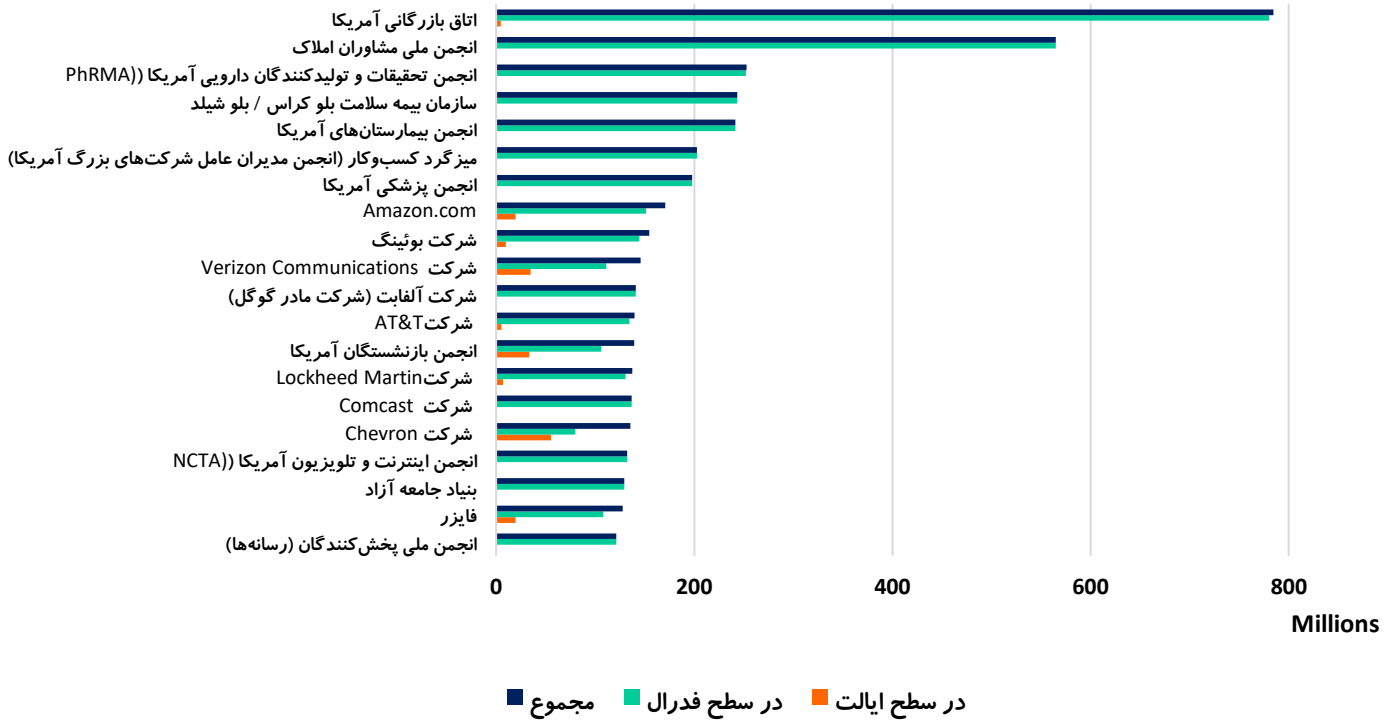
(منبع: پژوهش حاضر)

۳. ایجاد ائتلاف‌ها و انجمن‌های صنعتی

بسیاری از شرکت‌ها با ایجاد ائتلاف‌ها و انجمن‌های صنعتی به‌طور جمعی رایزنی اقتصادی می‌کنند. این انجمن‌ها از قدرت جمعی شرکت‌های مختلف برای تأثیرگذاری بیشتر بر قوانین و مقررات استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، انجمن‌های نفت و گاز، شرکت‌های فناوری، و تولیدکنندگان بزرگ خودرو، هر یک دارای نهادهای رایزنی اقتصادی قدرتمند هستند که به‌طور منظم با قانون‌گذاران ارتباط برقرار می‌کنند. شرکت‌ها، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های تجاری و سایر سازمان‌های بانفوذ سالانه میلیاردها دلار برای مذاکرات کنگره و آژانس‌های فدرال خرج می‌کنند. معاملات میلیون دلاری با یک مشتری برای پیشبرد دستور کار خود در تالارهای کنگره و نهادهای اجرایی. داده‌های زیر در این زمینه شایان توجه است.



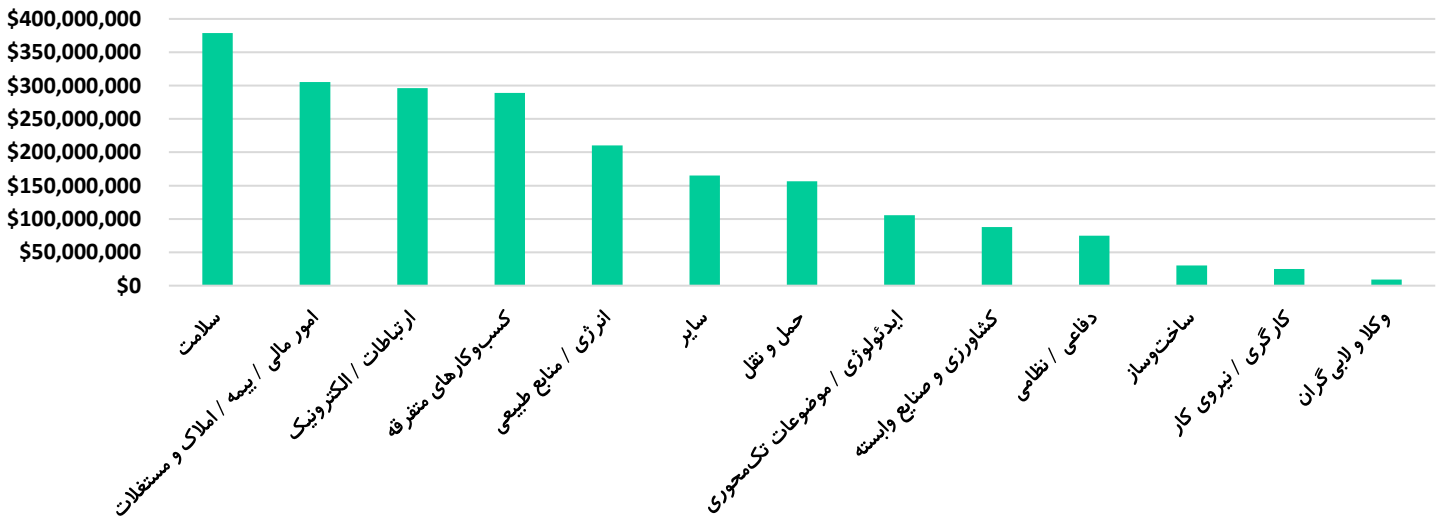
بیشترین هزینه کنندگان در لایه‌گری در آمریکا



نمودار ۴

(منبع: پژوهش حاضر)

میزان هزینه در لایه‌گری به تفکیک بخش‌های اقتصادی در آمریکا



نمودار ۵

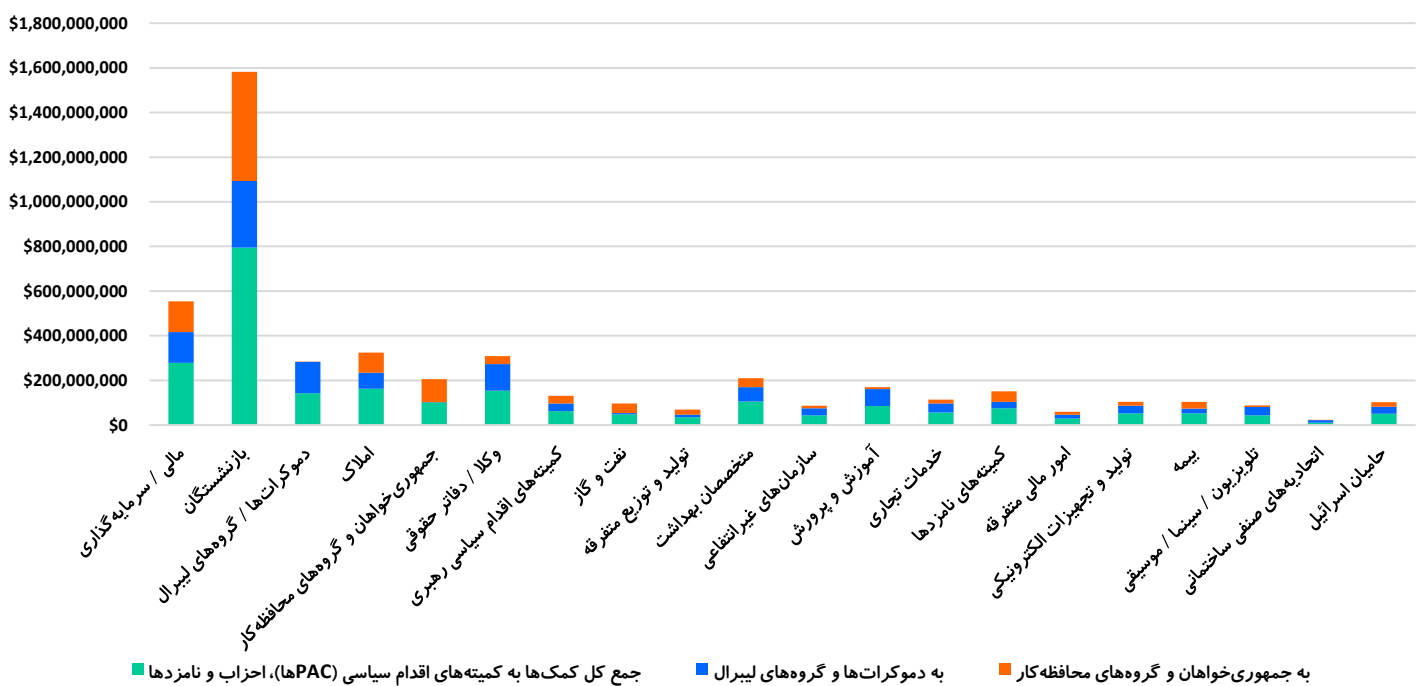
(منبع: پژوهش حاضر)



۴. ارائه اطلاعات و تحلیل‌های اقتصادی

یکی دیگر از ابزارهای مذاکره‌ای، ارائه اطلاعات تخصصی و تحلیل‌های اقتصادی به سیاستمداران است. بسیاری از قانون‌گذاران از پیچیدگی‌های اقتصادی و تأثیرات جانبی قوانین پیشنهادی آگاهی کامل ندارند و بنابراین به اطلاعاتی که مذاکره‌کنندگان به آن‌ها ارائه می‌دهند، وابسته می‌شوند. شرکت‌های بزرگ با ارائه داده‌های دقیق و مطالعات اقتصادی به سیاستمداران، سعی در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها به نفع خود دارند.

کدام صنایع بیشترین پول را به کمیته‌های اقدام سیاسی، احزاب و نامزدها می‌دهند؟



نمودار ۶

(منبع: پژوهش حاضر)

۵. استفاده از رسانه‌ها و افکار عمومی

علاوه بر تعاملات مستقیم با قانون‌گذاران، شرکت‌ها از رسانه‌ها و افکار عمومی نیز به‌عنوان ابزارهای رایزنی اقتصادی استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها از طریق کمپین‌های رسانه‌ای تلاش می‌کنند تا حمایت عمومی را برای قوانین یا مقررات خاص به دست آورند. استفاده از تبلیغات در رسانه‌ها، روابط عمومی و مدیریت افکار عمومی بخشی از این استراتژی‌ها است.



تأثیر رایزنی اقتصادی بر قانون گذاری و سیاست گذاری

رایزنی اقتصادی شرکت‌های بزرگ در ایالات متحده تأثیر قابل توجهی بر فرآیند قانون گذاری و سیاست گذاری دارد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تحت تأثیر رایزنی اقتصادی قرار دارد، سیاست‌های مالیاتی است. مطالعات نشان داده‌اند که شرکت‌های بزرگ لابی‌گر، معمولاً از تخفیف‌های مالیاتی بیشتری برخوردار هستند و نرخ مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های غیرلابی‌گر دارند. برای مثال، قانون «تعطیلات مالیاتی بازگشت سرمایه نقدی» در سال ۲۰۰۴ نشان داد که شرکت‌هایی که بیشتر در رایزنی اقتصادی فعالیت می‌کردند، به‌طور قابل توجهی از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند شدند. در جدول زیر میزان دریافتی احزاب دموکرات و جمهوری خواه از بخش خصوصی برای سه انتخابات مجالس نمایندگان و سنا و همچنین ریاست جمهوری آمریکا نشان داده شده است.

فعالیت‌های مالی تمامی نامزدهای ریاست جمهوری، ۲۰۲۳-۲۰۲۴						
حزب	تعداد نامزد	کل بودجه جمع آوری شده	کل هزینه کرد	کل موجودی نقد	دریافتی از کمیته های اقدام سیاسی	دریافتی از اشخاص حقیقی
مجموع	۱۵	\$۱,۲۳۸,۷۹۵,۹۰۶	\$۸۹۸,۲۱۵,۷۴۰	\$۳۹۵,۱۷۹,۸۳۷	\$۱,۰۲۸,۴۸۸	\$۱,۱۸۲,۰۲۱,۱۰۵
دموکرات	۳	\$۶۹۷,۴۲۷,۹۷۹	\$۴۹۴,۲۵۶,۹۶۷	\$۲۳۵,۶۲۲,۵۴۷	\$۹۱,۸۴۹	\$۶۸۹,۵۷۸,۳۳۷
جمهوری خواه	۹	\$۴۷۹,۹۵۲,۷۵۳	\$۳۴۴,۹۶۰,۹۱۹	\$۱۵۷,۱۳۹,۹۶۸	\$۹۱۹,۷۰۳	\$۴۳۱,۱۶۷,۵۵۲
فعالیت‌های مالی تمامی نامزدهای مجلس نمایندگان، ۲۰۲۳-۲۰۲۴						
حزب	تعداد نامزد	کل بودجه جمع آوری شده	کل هزینه کرد	کل موجودی نقد	دریافتی از کمیته های اقدام سیاسی	دریافتی از اشخاص حقیقی
مجموع	۲۷۶۳	\$۱,۴۲۲,۵۹۲,۶۴۳	\$۹۸۳,۵۸۸,۷۷۳	\$۸۰۷,۷۱۶,۷۴۶	\$۳۰۳,۸۵۲,۴۳۶	\$۸۷۱,۳۱۳,۷۰۵
دموکرات	۱۲۲۹	\$۷۰۸,۴۹۳,۲۳۴	\$۴۶۵,۷۷۸,۲۰۶	\$۴۳۶,۱۳۸,۰۰۸	\$۱۴۰,۴۷۴,۰۶۱	\$۵۰۵,۸۶۲,۹۴۵
جمهوری خواه	۱۴۳۱	\$۷۰۹,۷۹۴,۹۲۹	\$۵۱۵,۳۶۱,۸۱۶	\$۳۶۹,۶۳۲,۴۸۱	\$۱۶۳,۳۶۷,۳۱۹	\$۳۶۴,۲۵۹,۸۹۸
فعالیت‌های مالی تمامی نامزدهای سنا، ۲۰۲۳-۲۰۲۴						
حزب	تعداد نامزد	کل بودجه جمع آوری شده	کل هزینه کرد	کل موجودی نقد	دریافتی از کمیته های اقدام سیاسی	دریافتی از اشخاص حقیقی
مجموع	۵۱۲	\$۹۹۶,۱۸۵,۰۲۶	\$۸۱۸,۷۱۵,۰۵۷	\$۵۴۹,۰۲۳,۱۱۵	\$۶۳,۲۶۲,۸۳۱	\$۶۷۰,۸۸۲,۰۲۳
دموکرات	۱۸۷	\$۵۹۷,۰۷۸,۱۸۰	\$۴۸۹,۰۶۹,۰۰۲	\$۲۷۳,۲۲۸,۰۸۶	\$۲۹,۱۳۵,۱۴۸	\$۴۴۱,۱۷۹,۳۲۵
جمهوری خواه	۲۸۲	\$۳۸۰,۶۷۶,۶۲۲	\$۳۱۰,۶۰۱,۹۶۵	\$۲۵۱,۸۵۴,۲۰۲	\$۳۱,۴۶۰,۲۳۵	\$۲۱۳,۷۹۵,۹۹۲

علاوه بر سیاست‌های مالیاتی، رایزنی اقتصادی در حوزه‌های دیگری مانند قوانین محیط زیست، بهداشت عمومی، و تجارت بین‌المللی نیز تأثیرگذار است. شرکت‌های نفت و گاز، برای مثال، از رایزنی اقتصادی برای جلوگیری از تصویب قوانین سختگیرانه زیست‌محیطی استفاده می‌کنند. همچنین، شرکت‌های داروسازی تلاش می‌کنند با رایزنی اقتصادی قوانین مرتبط با کنترل قیمت دارو را تغییر دهند یا جلوی آن‌ها را بگیرند.



رایزنی اقتصادی همچنین می‌تواند بر سیاست‌های تجاری بین‌المللی تأثیر بگذارد. شرکت‌های چندملیتی با استفاده از رایزنی اقتصادی تلاش می‌کنند تا قوانین تجاری را به نفع خود تغییر دهند و دسترسی به بازارهای خارجی را آسان‌تر کنند.

پیامدهای رایزنی اقتصادی بر دموکراسی و اقتصاد

در حالی که رایزنی اقتصادی به شرکت‌های بزرگ این امکان را می‌دهد که منافع خود را در سیاست‌گذاری حفظ کنند، اما این فرآیند می‌تواند پیامدهای منفی هم داشته باشد.

۱. تمرکز قدرت و کاهش دموکراسی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای مذاکرات اقتصادی، تمرکز قدرت اقتصادی در دست چند شرکت بزرگ و کاهش دموکراسی است. رایزنی اقتصادی باعث می‌شود تا شرکت‌های بزرگ با استفاده از قدرت اقتصادی خود، بر فرآیندهای سیاسی تسلط پیدا کنند و منافع عمومی را نادیده بگیرند. این امر موجب می‌شود تا صدای گروه‌های کوچک‌تر و مردمی که منابع کافی برای رایزنی اقتصادی ندارند، در فرآیند قانون‌گذاری کمتر شنیده شود.

۲. افزایش خطر فساد و سوءاستفاده از قدرت

رایزنی اقتصادی بیش از حد می‌تواند منجر به فساد و سوءاستفاده از قدرت شود. هنگامی که شرکت‌ها به‌طور مداوم در فرآیندهای سیاسی نقش ایفا می‌کنند و سیاستمداران به منابع آن‌ها وابسته می‌شوند، ممکن است تصمیم‌گیری‌های دولتی بر اساس منافع شرکت‌ها و نه منافع عمومی صورت گیرد. این وضعیت می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و افزایش نارضایتی مردم از سیستم سیاسی منجر شود.

۳. چارچوب قانونی رایزنی اقتصادی در ایالات متحده

اگرچه رایزنی اقتصادی در ایالات متحده قانونی است، اما قوانین سختگیرانه‌ای برای کنترل آن وجود دارد. قانون "افشای فعالیت‌های لابی‌گری" در سال ۱۹۹۵ تصویب شد و مذاکره‌کنندگان را موظف کرد تا فعالیت‌ها و هزینه‌های خود را گزارش دهند. همچنین، شرکت‌ها موظف هستند تا اطلاعات مربوط به کمک‌های مالی به کمپین‌های انتخاباتی را فاش کنند. با این حال، بسیاری از منتقدان معتقدند که قوانین فعلی کافی نیست و شرکت‌های بزرگ از شکاف‌های قانونی برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، شرکت‌ها از کمیته‌های اقدام سیاسی (PAC) و سوپر PAC ها برای دور زدن محدودیت‌های قانونی در خصوص کمک‌های مالی به سیاستمداران استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری

رایزنی اقتصادی شرکت‌های بزرگ در ایالات متحده، به‌عنوان یک ابزار مهم برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و قانون‌گذاری، نقش مهمی در اقتصاد و سیاست این کشور ایفا می‌کند. این فرآیند به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا منافع خود را حفظ کرده و در برابر تغییرات قانونی و نظارتی که ممکن است به ضرر آن‌ها باشد، مقاومت کنند. برای کاهش تأثیرات منفی لابی‌گری، نیاز است تا قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای شفافیت و محدودیت در کمک‌های مالی به سیاستمداران تصویب شود و فرآیند رایزنی اقتصادی تحت نظارت دقیق‌تری قرار گیرد. تنها از این طریق می‌توان توازن بین منافع شرکت‌ها و منافع عمومی ایجاد کرد و اعتماد عمومی به سیستم سیاسی را افزایش داد.



اکوسیستم رایزنی اقتصادی بریتانیا

مقدمه

رایزنی‌های اقتصادی در بریتانیا نقش مهمی در شکل‌گیری قانون دارد و طیف گسترده‌ای از سازمان‌های تجاری و گروه‌های ذینفع برای سیاست‌ها و تصمیم‌های خاص پارلمان و سایر ارگان‌های سیاسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی «لابی» می‌کنند. عبارت «لابی‌گری» از تجمع نمایندگان مجلس و هم‌تایان در راهروها (یا لابی) مجلسین قبل و بعد از مناظره‌های پارلمانی آمده است. شورای روابط عمومی بریتانیا (UKPAC) که اکنون منحل شده است، لابی را اینگونه تعریف کرده است: لابی‌گری در مقام حرفه‌ای عبارت است از تلاش برای نفوذ یا ارائه مشاوره به افرادی که مایل به تأثیرگذاری بر دولت، پارلمان بریتانیا، قوه مقننه یا نهادهای واگذار شده، دولت‌های منطقه‌ای یا محلی، یا سایر نهادهای عمومی درباره هر موضوعی هستند که در حوزه صلاحیت آن‌ها قرار دارد. رویه‌های رسمی افراد را قادر می‌سازد تا با اعضای پارلمان لابی کنند، اما بیشتر فعالیت‌های رایزنی اقتصادی بر شرکت‌ها، خیریه‌ها و انجمن‌های تجاری متمرکز است، جایی که سازمان‌ها به دنبال اصلاح سیاست‌های دولت از طریق حمایت هستند. شرکت‌ها و افرادی که در این بخش فعالیت می‌کنند معمولاً از اصطلاحات «روابط عمومی»، «امور عمومی»، «مشاوره سیاسی» یا «امور شرکتی» برای توصیف فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند. آژانس‌های حرفه‌ای روابط عمومی، به نمایندگی از مشتریان متعدد، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های رایزنی اقتصادی را انجام می‌دهند.

از سال ۱۹۹۴ تاکنون شکایات مختلفی از سوی نمایندگان مجلس در مورد رایزنی اقتصادی غیرقابل قبول و تحقیقات متعدد پلیس مطرح شده است. وزرا در حال استفاده روزافزون از مشاوران ویژه هستند (کارکنانی که شخصاً توسط وزیر استخدام می‌شوند، اما هزینه‌های آنها از بودجه عمومی پرداخت می‌شود) که اغلب از صنایع مرتبط با بخش خصوصی انتخاب می‌شوند و گاه به دلیل مشارکت در تبلیغات در حالی که هنوز در لیست حقوق و دستمزد دولت هستند مورد انتقاد قرار می‌گیرند. معمولاً از آنها در جایگاه رایزنی اقتصادی و مشاور به طور همزمان استفاده می‌شود. در سال ۲۰۰۹، کمیته منتخب اداره عمومی مجلس عوام ایجاد یک پلتفرم ثبت مذاکرات شرکت‌ها و فعالیت‌های رایزنی را توصیه کرد (مشابه آنچه در ایالات متحده موجود بوده است)، اما دولت آن توصیه را رد کرد. در سال ۲۰۱۴، پارلمان قانون شفافیت لابی‌گری، کمپین غیرحزبی و اداره اتحادیه‌های کارگری را تصویب کرد که ثبت قانونی مذاکرات مذاکره‌کنندگان حرفه‌ای را الزامی کرد. دفتر ثبت رایزنی مشاور (ORCL) ایجاد و عهده دار این مسئولیت شد. در ژوئن ۲۰۱۵ مؤسسه منشور روابط عمومی (CIPR) ثبت لابی بریتانیا را راه اندازی کرد تا جایگزین ثبت داوطلبانه مشترکی شود که قبلاً با انجمن مشاوران روابط عمومی و انجمن مشاوران سیاسی حرفه ای اداره می‌شد. وبسایت‌های این دو مرکز با آدرس‌های lobbying-register.uk و registrarofconsultantlobbyists.org.uk در دسترس همگان قرار دارد. در ادامه به بررسی تاریخچه و همینطور اتفاقات برجسته این صنعت در بریتانیا خواهیم پرداخت.

تاریخچه رایزنی اقتصادی در بریتانیا

«در طول دهه ۱۸۰۰، طومارها روشی رایج برای طرح مسائل در پارلمان بودند. تنها در سال ۱۸۳۹، حدود ۱۳'۶۵۷ دادخواست عمومی در بیش از ۹۰ موضوع مختلف، با مجموع بیش از ۴,۵ میلیون امضا ارائه شد. در سال ۱۸۶۶، گروهی از سیاستمداران از مجلس درخواست کردند و مذاکره نمودند که زنان باید از حقوق سیاسی مشابه مردان برخوردار شوند. در اوایل قرن بیستم، جنبش حق رأی زنان شدت گرفت؛ به‌ویژه در سال ۱۹۰۳، رأی‌دهندگان با شعار «عمل، نه گفتار» وزرا را سرزنش می‌کردند، بنرهایی به نمایش می‌گذاشتند و هم از روش‌های خشونت‌آمیز و هم غیرخشونت‌آمیز برای پیگیری مطالبات خود بهره می‌بردند. سرانجام، حق رأی برابر برای زنان در سال ۱۹۲۸ با تصویب قانون نمایندگی مردم به دست آمد. در عرصه لابی‌گری اقتصادی، وینستون چرچیل در سال ۱۹۲۳ به عنوان یک مشاور



اقتصادی با دستمزدی بالا برای شرکت نفت برمه فعالیت کرد تا دولت بریتانیا را متقاعد سازد که این شرکت از حقوق انحصاری در منابع نفتی ایران (عراق کنونی) برخوردار شود؛ درخواستی که سرانجام با موفقیت پذیرفته شد. در سال ۱۹۹۴، روزنامه *گاردین* گزارشی داد که یان گریر، نماینده محافظه کار پارلمان، در قبال پرسیدن پرسش‌های پارلمانی و انجام سایر وظایف به نفع محمد الفاید، بازرگان مصری، رشوه دریافت کرده است. کمی پیش از انتخابات عمومی سال ۱۹۹۷ نیز برنی اکلستون، رئیس فرمول یک، مبلغ یک میلیون پوند به حزب کارگر کمک مالی کرد. پس از پیروزی حزب کارگر و دیدار اکلستون با تونی بلر، وزارت بهداشت تلاش کرد فرمول یک را از ممنوعیت پیشنهادی اتحادیه اروپا برای تبلیغات دخانیات معاف کند؛ رخدادی که بعدها یکی از دلایل تحقیقات سال ۲۰۰۸ عنوان شد. همچنین، جانانان آیتکن - وزیر دولت در امور تدارکات دفاعی در زمان جان میجر (۱۹۹۲) - در سال ۱۹۹۹ به دلیل رسوایی فروش تسلیحات به عراق زندانی شد. او پیش از وزارت، مدیر شرکت اسلحه‌سازی BMARC بود و پس از دست دادن کرسی خود در انتخابات ۱۹۹۷، به‌عنوان نماینده شرکت اسلحه‌سازی GEC-Marconi منصوب شد.»

در کتاب سوخت بر آتش، گرگ موتیت استدلال می‌کند که صورتجلسه‌های افشا شده از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ (منتهی به جنگ در عراق) نشان می‌دهد که بسیاری از شرکت‌های نفتی خواهان جنگ در عراق برای تصرف ذخایر نفت عراق هستند. به‌عنوان مثال، بریتیش پترولیوم در این صورتجلسه گفته است که آنها "از ورود ناامید هستند" و عراق را "چشم انداز بزرگ نفت" توصیف می‌کند. در دسامبر ۲۰۱۱، روزنامه ایندپندنت گزارشی داد که آژانس رایزنی اقتصادی بل پاتینگر ادعا می‌کند که مسئول فعالیت‌های مختلفی از طرف مشتریان بوده است که به نفع عمومی تلقی نمی‌شوند، از جمله دستکاری در جستجوهای گوگل و صفحات ویکی‌پدیا. یکی از اتهامات این بود که بل پاتینگر، به نمایندگی از دایسون، از نفوذ خود در نخست‌وزیر و وزارت خارجه استفاده کرد تا نخست‌وزیر را وادار کند تا نگرانی‌های خود را در مورد کالاهای تقلبی با نخست‌وزیر چین مطرح کند.

مقررات

در ژانویه ۲۰۰۹، کمیته منتخب اداره عمومی مجلس عوام گزارشی با عنوان لابی‌گری: دسترسی و نفوذ در وایت هال منتشر کرد که حاوی نتایج و شواهد زیر بود:

۱. اعمال لابی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی، بخشی مشروع و ضروری از روند دموکراتیک است.
۲. افراد و سازمان‌ها به طور منطقی می‌خواهند بر تصمیماتی که ممکن است بر آنها، اطرافیان و محیطشان تأثیر بگذارد تأثیر بگذارند.
۳. دولت نیز به نوبه خود نیازمند دسترسی به دانش و دیدگاه‌هایی است که مذاکرات می‌تواند به همراه داشته باشد. موسسه صلح سبز (Green peace) که یک سازمان حمایت از محیط زیست می‌باشد در گزارشی در سال ۲۰۰۹ افشا کرد که در آن بسیاری از اعضا پارلمان و وزرای سابق اکنون برای شرکت‌های رایزن به ویژه در بخش هسته‌ای کار می‌کنند. این گزارش توصیه کرد یک سیستم برای ثبت مذاکرات در بریتانیا ایجاد شود. تا قبل از قانون شفافیت رایزنی‌ها، کمپین‌های غیرحزبی و اداره اتحادیه‌های کارگری ۲۰۱۴ («قانون»)، بخش رایزنی اقتصادی بریتانیا عمدتاً توسط شورای روابط عمومی بریتانیا تنظیم می‌شد. این انجمن توسط انجمن مشاوران سیاسی حرفه‌ای، انجمن مشاوران روابط عمومی و موسسه منشور روابط عمومی تشکیل شد. این قانون برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ در مجلس عوام معرفی شد و در ۱ آوریل ۲۰۱۵ به طور کامل لازم الاجرا شد.



جریان های بزرگ رایزنی اقتصادی در بریتانیا

. در اقتصاد انگلیس، که یکی از پیشرفته ترین و پویاترین اقتصادهای جهان است، رایزنی اقتصادی نقش بسیار مهمی در تعیین جهت سیاست های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ایفا می کند. شرکت های بزرگ فعال در صنایع مختلف مانند نفت و گاز، داروسازی، بانکداری، فناوری و کشاورزی، با استفاده از منابع مالی و نفوذ گسترده خود، سیاست های دولتی را به گونه ای هدایت می کنند که منافع آنها تأمین شود.

۱. رایزنی اقتصادی در صنعت انرژی

شرکت های نفت و گاز

صنعت انرژی، به ویژه بخش نفت و گاز، یکی از بزرگ ترین حوزه هایی است که در آن شرکت های بزرگ از رایزنی اقتصادی برای حفظ و افزایش سودآوری خود استفاده می کنند. شرکت های بزرگی مانند BP و Shell با سابقه طولانی در فعالیتهای مذاکره ای، همواره به دنبال تأثیرگذاری بر سیاست های دولت بریتانیا بوده اند. یکی از مهم ترین موارد رایزنی اقتصادی این شرکت ها، تلاش برای جلوگیری از تصویب قوانینی است که باعث کاهش انتشار کربن و حمایت از انرژی های تجدیدپذیر می شود.

در سال ۲۰۱۹، BP به شدت درگیر فعالیتهای رایزنی اقتصادی بود تا از وضع قوانین سختگیرانه مرتبط با تغییرات اقلیمی جلوگیری کند. بر اساس گزارش های منتشر شده، این شرکت صدها هزار پوند برای رایزنی اقتصادی با دولت بریتانیا و مقامات اتحادیه اروپا هزینه کرده است. (Greenpeace, ۲۰۲۰) هدف اصلی این لابی گیری ها جلوگیری از اجرای سیاست های سخت گیرانه تر برای کاهش انتشار کربن و حفظ منافع اقتصادی مرتبط با استخراج نفت و گاز بود. این شرکت ها به طور مشخص تلاش کردند تا برنامه های توسعه زیرساخت های نفتی و گازی ادامه یابد، حتی در شرایطی که دولت بریتانیا متعهد به اهداف زیست محیطی بلندمدت بود.

صنعت انرژی های تجدیدپذیر

در مقابل، صنعت انرژی های تجدیدپذیر نیز به طور فعال به دنبال رایزنی اقتصادی برای ترویج قوانین و سیاست هایی است که از توسعه این نوع انرژی ها حمایت کند. سازمان هایی مانند RenewableUK و Solar Trade Association به شدت درگیر رایزنی اقتصادی با مقامات دولتی برای افزایش سرمایه گذاری در زیرساخت های انرژی های تجدیدپذیر هستند. به طور مثال، RenewableUK در سال ۲۰۲۰ گزارش داد که بیش از ۳۰۰ هزار پوند برای رایزنی اقتصادی با دولت و نمایندگان پارلمان صرف کرده است تا از سیاست هایی حمایت شود که باعث تسریع در توسعه نیروگاه های بادی و خورشیدی می شود. (The Guardian, ۲۰۱۹)

یکی از اهداف اصلی رایزنی اقتصادی در این صنعت، افزایش یارانه های دولتی برای پروژه های انرژی تجدیدپذیر و کاهش موانع قانونی برای ساخت و توسعه این پروژه ها است. این نوع رایزنی اقتصادی منجر به تصویب قوانینی شده است که استفاده از انرژی های تجدیدپذیر را تسهیل می کند و به نفع شرکت های فعال در این حوزه است.

۲. رایزنی اقتصادی در صنعت داروسازی

صنعت داروسازی یکی دیگر از بخش هایی است که به طور گسترده درگیر رایزنی اقتصادی است. شرکت های بزرگ داروسازی مانند AstraZeneca و GlaxoSmithKline (GSK) که از غول های این صنعت محسوب می شوند، با رایزنی های اقتصادی متعدد خود تلاش می کنند تا بر قوانین و سیاست های دولتی در زمینه های تحقیق و توسعه، قیمت گذاری داروها، و ثبت اختراعات تأثیر بگذارند.



الف) قیمت‌گذاری داروها

یکی از حساس‌ترین موضوعات در رایزنی اقتصادی صنعت داروسازی، مسئله قیمت‌گذاری داروها است. شرکت‌های داروسازی معمولاً تمایل دارند قیمت داروهای جدید را در بالاترین سطح ممکن نگه دارند تا بتوانند از سرمایه‌گذاری‌های کلان خود در تحقیق و توسعه بازدهی بیشتری دریافت کنند. در این زمینه، GlaxoSmithKline یکی از شرکت‌هایی است که با مذاکرات مداوم خود در دولت بریتانیا تلاش کرده است قوانین مربوط به قیمت‌گذاری داروها را به نفع خود تغییر دهد. در سال ۲۰۲۱، این شرکت بیش از ۵۰۰ هزار پوند برای رایزنی اقتصادی با مقامات دولتی هزینه کرد تا مانع از تصویب قوانینی شود که قیمت داروها را کنترل می‌کند و به نفع بیماران است. (LobbyFacts, ۲۰۲۱)

ب) تحقیقات پزشکی و ثبت اختراعات

موضوع دیگر در رایزنی اقتصادی شرکت‌های داروسازی، حمایت از قوانین سخت‌گیرانه‌تر در زمینه ثبت اختراعات است. شرکت‌های بزرگی مانند AstraZeneca به شدت از طولانی‌تر شدن دوره‌های حفاظت از اختراعات دارویی حمایت می‌کنند تا بتوانند تا مدت بیشتری از حق انحصاری تولید و فروش داروهای خود بهره‌مند شوند. این شرکت‌ها با رایزنی اقتصادی در پارلمان و نهادهای دولتی انگلیس، مانع از تصویب قوانینی می‌شوند که می‌تواند به شرکت‌های کوچک‌تر اجازه دهد داروهای مشابه را با قیمت‌های پایین‌تر به بازار عرضه کنند.

ج) رایزنی اقتصادی در دوران برگزیت

یکی از مهم‌ترین دوره‌های رایزنی اقتصادی در صنعت داروسازی مربوط به مذاکرات مرتبط با برگزیت بود. در این دوره، شرکت‌های داروسازی به شدت تلاش کردند تا اطمینان حاصل کنند که حتی پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، دسترسی آن‌ها به بازارهای اروپایی محدود نشود و زنجیره تأمین داروها همچنان بدون مانع بماند. این شرکت‌ها با استفاده از نفوذ خود توانستند در مذاکرات دولت بریتانیا با اتحادیه اروپا تأثیرگذار باشند و شرایطی را فراهم کنند که زنجیره‌های تأمین داروها به خوبی حفظ شود. (Financial Times, ۲۰۲۰).

۳. رایزنی اقتصادی در صنعت بانکداری

الف) رایزنی اقتصادی پس از بحران مالی ۲۰۰۸

صنعت بانکداری انگلیس به‌ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، به شدت درگیر رایزنی اقتصادی شده است. بحران مالی باعث شد دولت‌ها قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای نظارت بر فعالیت‌های بانکی وضع کنند. در این دوره، بانک‌های بزرگی مانند Barclays و HSBC تلاش کردند با استفاده از رایزنی‌های اقتصادی، این قوانین را به نفع خود تعدیل کنند. به‌طور مثال، در سال ۲۰۱۶، سازمان UK Finance که نماینده بانک‌های بزرگ انگلیس است، بیش از ۱۰ میلیون پوند برای رایزنی اقتصادی در دولت و پارلمان هزینه کرد تا از تصویب قوانینی که منجر به محدودیت بیشتر بر فعالیت‌های بانکی می‌شود، جلوگیری کند. (Reuters, ۲۰۱۶)

ب) تأثیرات رایزنی اقتصادی در دوران برگزیت

یکی از مهم‌ترین دوره‌های رایزنی اقتصادی در صنعت بانکداری، دوران مذاکرات مربوط به برگزیت بود. لندن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز مالی جهان، پس از برگزیت با چالش‌های زیادی روبرو شد. بانک‌های بزرگ انگلیسی مانند Barclays و HSBC به شدت تلاش کردند تا از تصویب قوانینی که ممکن است به موقعیت لندن به عنوان یک مرکز مالی جهانی آسیب برساند، جلوگیری کنند. این مذاکرات



شامل مذاکرات مستقیم با دولت انگلیس و نمایندگان اتحادیه اروپا بود تا تضمین کنند که پس از برگزیت، بانک‌های انگلیسی همچنان به بازارهای اروپایی دسترسی خواهند داشت. (The Guardian, ۲۰۲۰)

ج) رایزنی اقتصادی برای کاهش مالیات‌ها و قوانین پولشویی

علاوه بر این، بانک‌های انگلیسی از رایزنی اقتصادی برای جلوگیری از تصویب قوانین سختگیرانه مرتبط با مالیات و پولشویی استفاده کرده‌اند. به‌طور مثال، HSBC یکی از بانک‌هایی بود که در سال‌های اخیر تلاش کرد با رایزنی اقتصادی در پارلمان بریتانیا، از تصویب قوانین جدید مالیاتی که ممکن بود به ضرر این بانک باشد، جلوگیری کند. این بانک همچنین با مقامات دولتی مذاکره کرد تا از تصویب قوانینی که منجر به افزایش نظارت بر فعالیت‌های بانکی مرتبط با پولشویی می‌شود، جلوگیری کند. (Reuters, ۲۰۲۰)

۴. رایزنی اقتصادی در صنعت فناوری

الف) حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی

صنعت فناوری یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که در آن رایزنی‌های اقتصادی گسترده‌ای صورت می‌گیرد. شرکت‌های بزرگ فناوری مانند Google، Facebook و Amazon به شدت تلاش می‌کنند تا بر سیاست‌های دولت بریتانیا در زمینه حفاظت از داده‌ها، حریم خصوصی کاربران و مالیات‌های دیجیتال تأثیر بگذارند. به عنوان نمونه، Facebook در سال‌های اخیر به شدت درگیر رایزنی اقتصادی با دولت بریتانیا بود تا از تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌تر در زمینه حفاظت از داده‌ها جلوگیری کند. این مذاکرات به ویژه پس از رسوایی Cambridge Analytica به اوج خود رسید و هدف آن جلوگیری از تصویب قوانینی بود که ممکن بود به طور جدی فعالیت‌های این شرکت را محدود کند. (The Independent, ۲۰۲۱)

ب) مالیات بر خدمات دیجیتال

یکی از مهم‌ترین موضوعات رایزنی اقتصادی در صنعت فناوری، موضوع مالیات بر خدمات دیجیتال است. دولت بریتانیا در سال‌های اخیر تلاش کرده است مالیات‌های جدیدی را بر شرکت‌های بزرگ فناوری که درآمد زیادی از فعالیت‌های دیجیتال خود کسب می‌کنند، وضع کند. با این حال، شرکت‌هایی مانند Google و Amazon با رایزنی اقتصادی گسترده تلاش کردند تا از تصویب این مالیات‌ها جلوگیری کنند یا آن‌ها را به تعویق بیندازند. در سال ۲۰۲۱، Google بیش از ۱ میلیارد پوند برای رایزنی اقتصادی با دولت بریتانیا هزینه کرد تا از تصویب مالیات‌های جدید جلوگیری کند. (BBC News, ۲۰۲۱)

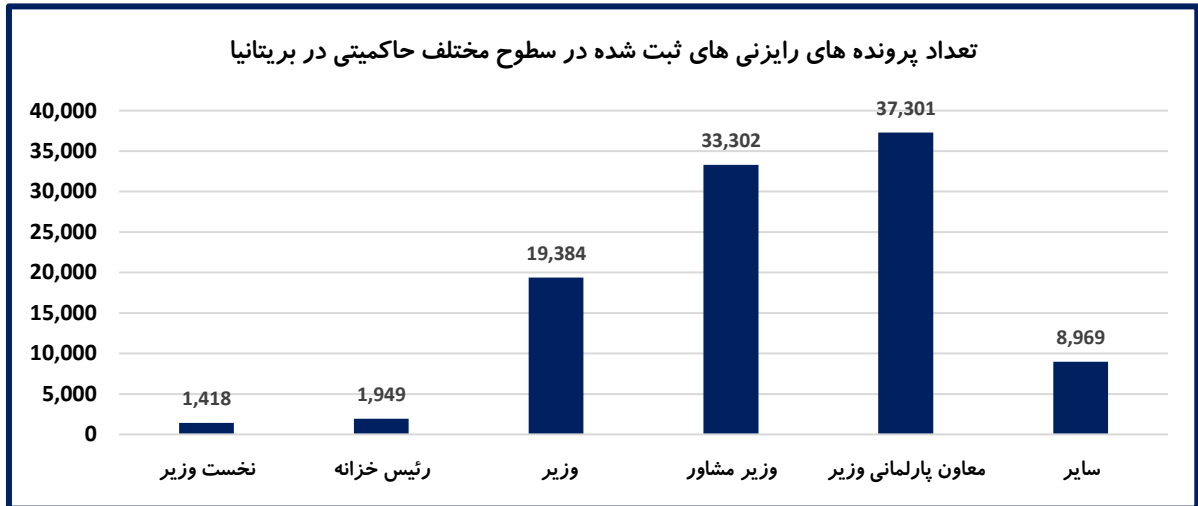
۵. تأثیرات رایزنی اقتصادی بر اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی

رایزنی اقتصادی شرکت‌های بزرگ بر اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی تأثیرات گسترده‌ای دارد. در بسیاری از موارد، این فعالیت‌ها منجر به تأخیر در تصویب قوانین مهم یا تضعیف قوانین موجود می‌شود. به عنوان مثال، رایزنی اقتصادی شرکت‌های نفتی مانع از اجرای سیاست‌های قوی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مقابله با تغییرات اقلیمی می‌شود. همچنین، رایزنی اقتصادی شرکت‌های فناوری باعث می‌شود تا قوانین مرتبط با حریم خصوصی کاربران به نفع این شرکت‌ها تنظیم شود و منافع عمومی نادیده گرفته شود. علاوه بر این، رایزنی اقتصادی در بخش‌های مالی و بانکی منجر به کاهش نظارت‌های دولتی بر فعالیت‌های بانکی و جلوگیری از تصویب قوانین پولشویی شده است که می‌تواند به ضرر اقتصاد کلان کشور و حتی امنیت ملی تمام شود.



تحلیل داده های رایزنی های اقتصادی در بریتانیا

از ابتدای سال ۲۰۱۲ که ثبت فعالیت های مذاکراتی در بریتانیا آغاز و انگلیس و اسکاتلند به آن پیوستند تاکنون بیش از صد هزار مورد رایزنی در سطوح مختلف حاکمیتی ثبت شده است که در نمودار زیر قابل رویت است.



نمودار ۷

(منبع: پژوهش حاضر)

در داده هایی که از لابیهای بریتانیا استخراج شده است نتایج به شرح زیر هستند. لازم به ذکر است در هر سطح از حاکمیت شرکت های بزرگ رایزن و تعداد پرونده های آنها با مقامات حاکمیتی و وزارت خانه های مطبوع ذکر شده است.

نخست وزیر				
ردیف	۱۰ وزارتخانه برتر		۱۰ لابیگر برتر	
۱	وزارت کسب و کار، انرژی و استراتژی صنعتی	۱۲۸۴۰	انجمن دولت های محلی	۳۰۱
۲	وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش	۷۸۸۵	بی ای ئی سیستم	۲۳۷
۳	وزارت آموزش	۷۳۹۸	ایرباس	۲۰۲
۴	خزانه سلطنتی	۷۲۳۵	کنفدراسیون صنایع بریتانیا	۱۹۳
۵	وزارت توسعه، مسکن و امور اجتماعی	۷۰۳۷	اتحادیه ملی کشاورزان	۱۶۷
۶	وزارت سلامت و مددکاری اجتماعی	۶۳۰۱	نتوورک ریل	۱۶۲
۷	وزارت ترابری	۵۶۸۲	گروه بی تی	۱۵۴
۸	وزارت کار و بازنشستگی	۵۱۵۳	اتحادیه کسب و کارهای کوچک	۱۵۰
۹	وزارت محیط زیست، غذا و امور روستایی	۴۶۷۳	کانون وکلا	۱۴۹
۱۰	دفتر کابینه	۴۵۱۸	رولز رویس	۱۴۴
۱۱	سایر	۳۲۱۸۳		

رئیس خزانه		
ردیف	۱۰ وزارتخانه برتر	۱۰ لابیگر برتر



۱	وزارت کسب و کار، انرژی و استراتژی صنعتی	۱۲۸۴۰	انجمن دولت‌های محلی	۳۰۲
۲	وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش	۷۸۸۵	بی‌ای‌ئی سیستم	۲۳۶
۳	وزارت آموزش	۷۳۹۸	ایرباس	۲۰۰
۴	وزارت توسعه، مسکن و امور اجتماعی	۷۰۳۷	اتحادیه ملی کشاورزان	۱۶۸
۵	وزارت سلامت و مددکاری اجتماعی	۶۳۰۱	کنفدراسیون صنایع بریتانیا	۱۶۳
۶	وزارت ترابری	۵۶۸۲	نتوورک ریل	۱۶۱
۷	خزانه سلطنتی	۵۲۸۶	گروه بی‌تی	۱۵۳
۸	وزارت کار و بازنشستگی	۵۱۵۳	کانون وکلا	۱۴۹
۹	وزارت محیط زیست، غذا و امور روستایی	۴۶۷۳	رولز رویس	۱۴۰
۱۰	دفتر کابینه	۴۵۱۸	اتحادیه کسب و کارهای کوچک	۱۳۷
۱۱	سایر	۳۳۶۰۱		

وزیر				
ردیف	۱۰ وزارتخانه برتر		۱۰ لابیگر برتر	
۱	وزارت کسب و کار، انرژی و استراتژی صنعتی	۱۰۱۳۰	انجمن دولت‌های محلی	۲۴۰
۲	خزانه سلطنتی	۷۲۰۹	بی‌ای‌ئی سیستم	۱۹۱
۳	وزارت آموزش	۶۱۷۳	کنفدراسیون صنایع بریتانیا	۱۴۰
۴	وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش	۶۰۷۱	کانون وکلا	۱۳۲
۵	وزارت توسعه، مسکن و امور اجتماعی	۵۷۸۱	ایرباس	۱۳۲
۶	وزارت سلامت و مددکاری اجتماعی	۴۸۸۶	اتحادیه کسب و کارهای کوچک	۱۲۳
۷	وزارت کار و بازنشستگی	۴۶۶۶	گروه بی‌تی	۱۲۰
۸	دفتر کابینه	۴۴۹۲	رولز رویس	۱۱۹
۹	وزارت ترابری	۴۳۲۸	اتحادیه ملی کشاورزان	۱۱۸
۱۰	وزارت تجارت بین‌الملل	۳۹۲۳	اتحادیه دانشگاه‌های بریتانیا	۱۰۹
۱۱	سایر	۲۵۲۸۰		

وزیر مشاور				
ردیف	۱۰ وزارتخانه برتر		۱۰ لابیگر برتر	
۱	وزارت کسب و کار، انرژی و استراتژی صنعتی	۸۳۲۸	انجمن دولت‌های محلی	۲۲۱
۲	خزانه سلطنتی	۶۷۵۴	بی‌ای‌ئی سیستم	۱۷۹
۳	وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش	۵۹۶۰	کانون وکلا	۱۴۵
۴	وزارت توسعه، مسکن و امور اجتماعی	۴۸۶۸	ایرباس	۱۳۸
۵	وزارت ترابری	۴۳۹۴	کنفدراسیون صنایع بریتانیا	۱۳۸
۶	وزارت سلامت و مددکاری اجتماعی	۴۳۳۸	نتوورک ریل	۱۲۹
۷	وزارت آموزش	۴۲۴۷	اتحادیه ملی کشاورزان	۱۱۶
۸	وزارت محیط زیست، غذا و امور روستایی	۳۳۶۲	اتحادیه کسب و کارهای کوچک	۱۰۴
۹	دفتر وزیر امور و لز	۲۸۲۹	گروه بی‌تی	۹۷
۱۰	دفتر وزیر امور اسکاتلند	۲۵۹۷	بی‌بی‌سی	۹۵



۱۱	سایر	۲۱۳۴۴	
----	------	-------	--

معاون پارلمانی وزیر امور خارجه

ردیف	۱۰ وزارتخانه برتر	۱۰ لایبگر برتر	
۱	خزانه سلطنتی	۷۲۲۶	کنفدراسیون صنایع بریتانیا
۲	وزارت کسب و کار، انرژی و استراتژی صنعتی	۷۲۲۲	ایرباس
۳	وزارت آموزش	۴۴۰۱	انجمن دولت‌های محلی
۴	دفتر کابینه	۴۲۱۲	بی ای ئی سیستم
۵	وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش	۳۸۱۰	کانون وکلا
۶	وزارت توسعه، مسکن و امور اجتماعی	۳۴۶۰	اتحادیه دانشگاه‌های بریتانیا
۷	وزارت سلامت و مددکاری اجتماعی	۳۴۱۰	نتوورک ریل
۸	وزارت کار و بازنشستگی	۳۱۰۳	اتحادیه ملی کشاورزان
۹	وزارت تجارت بین الملل	۳۰۴۴	اتاق‌های بازرگانی بریتانیا
۱۰	وزارت کشور	۲۹۰۶	نشنال گرید
۱۱	سایر	۲۲۲۲۸	

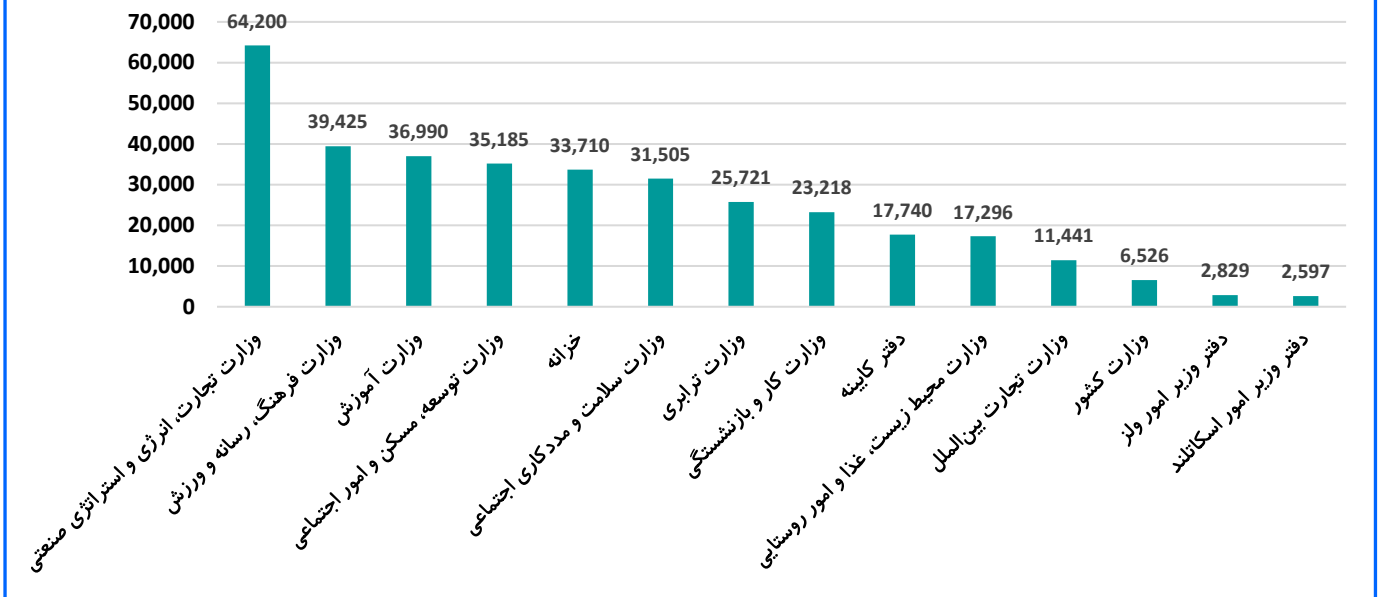
سایر رده های حاکمیتی

ردیف	۱۰ وزارتخانه برتر	۱۰ لایبگر برتر	
۱	وزارت کسب و کار، انرژی و استراتژی صنعتی	۱۲۸۴۰	انجمن دولت‌های محلی
۲	وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش	۷۸۱۴	بی ای ئی سیستم
۳	وزارت آموزش	۷۳۷۳	ایرباس
۴	وزارت توسعه، مسکن و امور اجتماعی	۷۰۰۲	کنفدراسیون صنایع بریتانیا
۵	وزارت سلامت و مددکاری اجتماعی	۶۲۶۹	اتحادیه ملی کشاورزان
۶	وزارت ترابری	۵۶۳۵	گروه بی تی
۷	وزارت کار و بازنشستگی	۵۱۴۳	نتوورک ریل
۸	وزارت محیط زیست، غذا و امور روستایی	۴۵۸۸	رولز رویس
۹	وزارت تجارت بین الملل	۴۴۷۴	اتحادیه کسب و کارهای کوچک
۱۰	وزارت کشور	۳۶۲۰	اتحادیه دانشگاه‌های بریتانیا
۱۱	سایر	۲۸۵۹۶	

جمع بندی داده های رایزنی های اقتصادی در بریتانیا:



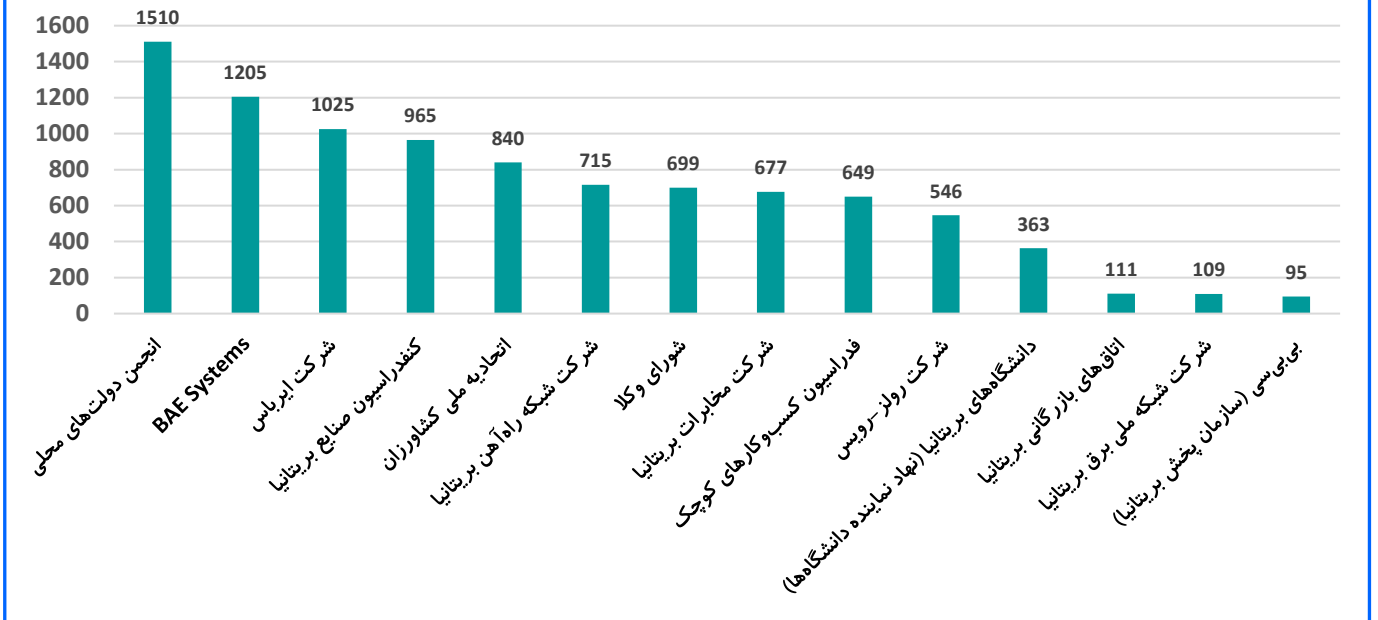
تعداد موارد مذاکرات مورد وصول در هر بخش از دولت بریتانیا



نمودار ۸

(منبع: پژوهش حاضر)

بزرگترین مذاکره کنندگان با لایه های مختلف دولت در بریتانیا



نمودار ۹

(منبع: پژوهش حاضر)



اکوسیستم رایزنی اقتصادی در آلمان: ساختار، شفافیت و چالش‌ها

مقدمه

در جوامع دموکراتیک معاصر، مذاکره یکی از ابزارهای مهم تعامل میان بخش‌های مختلف جامعه و دولت به شمار می‌آید. این ابزار به ذینفعان اجازه می‌دهد تا خواسته‌ها و دغدغه‌های خود را به سیاست‌گذاران منتقل کنند و نقش مهمی در توسعه قوانین و سیاست‌های عمومی ایفا می‌کند. رایزنی، از عرضه داده‌ها و تحلیل‌های تخصصی گرفته تا دیدارهای رسمی و غیررسمی با مقامات دولتی و نمایندگان پارلمان، در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی تأثیرگذار است. آلمان با برخورداری از اقتصاد پیشرفته، ساختار سیاسی پارلمانی و جامعه‌ای چندصدایی، بستری پویا برای فعالیتهای مذاکره‌ای فراهم ساخته است. با این حال، سابقه برخی رسوایی‌های مرتبط با نفوذ ناموجه گروه‌های فشار و انتقادات جامعه مدنی، ضرورت تدوین چارچوب‌ها و قوانین شفاف برای این فعالیتهای را بیشتر کرده است. امروزه، سیاست لابیگری در آلمان ترکیبی از نوآوری، تخصص‌گرایی و تلاش برای انطباق با معیارهای شفافیت جهانی را در خود جای داده است.

تعریف رایزنی اقتصادی و جایگاه قانونی در آلمان

در تعریف کلاسیک، رایزنی عبارت است از اعمال نفوذ سازمان‌یافته بر فرآیند سیاست‌گذاری، عموماً از طریق تعامل مستقیم و غیرمستقیم با مسئولان دولتی و پارلمانی. این تلاش‌ها بسته به ساختار سیاسی و حقوقی هر کشور، می‌تواند جایگاهی مشروع یا بحث‌برانگیز داشته باشد. در آلمان، لابیگری نه تنها به عنوان بخشی ضروری از جامعه مدنی شناخته می‌شود بلکه اشکالی از مشارکت اجتماعی و دموکراتیک در فرایندهای قانون‌گذاری نیز تلقی می‌گردد. مذاکره کنندگان موظفانند از اصول اخلاقی و قوانین مشخص پیروی کنند تا از بروز تضاد منافع و سوءاستفاده جلوگیری شود.

تا سال‌های اخیر، آلمان فاقد مقررات جامع و فراگیری در حوزه نظم‌دهی به فعالیتهای مذاکره‌ای بود و تنها چارچوب‌های صوری وجود داشتند. اما ظهور رسوایی‌هایی همچون پرونده موسوم به "ماسک گیت" در دوران همه‌گیری کرونا، پرده از خلأهای قانونی برداشت و به اصلاحات اساسی در این حوزه منجر شد. نهایتاً در سال ۲۰۲۱، مجلس فدرال آلمان اقدام به راه‌اندازی "ثبت لابی" (Lobbyregister) کرد. این سامانه، مالیات‌دهندگان، سازمان‌ها، شرکت‌ها و حتی افراد حقیقی که به شکل موثر بر قانون‌گذاری یا بر دولت اثر می‌گذارند را ملزم به ثبت فعالیتهای و تعاملات خود نمود تا سطح شفافیت افزایش یابد.

سازوکارها و نهادهای اصلی رایزنی اقتصادی

۱. Lobbyregister des Bundestages

ثبت رسمی فعالیتهای رایزنی نخستین گام اساسی آلمان برای نظم‌دهی به این اکوسیستم به شمار می‌آید. سامانه "Lobbyregister Bundestag" نقطه ثقل همه مقررات مربوط به مذاکره است. تمامی سازمان‌ها، شرکت‌ها، انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها و افرادی که خواهان تأثیرگذاری بر تصمیمات پارلمان آلمان و دولت فدرال هستند، مطابق قانون موظف به ثبت روشمند نام، مشخصات و حوزه فعالیت خود می‌باشند. هر نوع ارتباط برنامه‌ریزی شده با مقامات دولتی یا پارلمانی، اعم از نشست‌ها، مشاوره‌ها و کارگاه‌ها، باید ثبت شود تا برای عموم، پژوهشگران و رسانه‌ها قابل دسترسی باشد.



فرآیند ثبت شامل جزئیاتی نظیر تعداد کارکنان، میزان منابع صرف شده برای فعالیتهای لابیگری و حوزه موضوعی است. دولت فدرال همچنین امکان دوزدن قوانین ثبت را از طریق اعمال جرایم و نظارت‌های دقیق‌تر کاهش داده است. اهمیت این سامانه به آن جهت است که برای شهروندان و نهادهای نظارتی، راهی برای پیگیری و تحلیل ساختار روابط میان قانون‌گذاران و گروه‌های ذی‌نفع فراهم می‌کند. با این وجود برخی از داده‌های مالی، هنوز هم با دقت پایین یا در بازه‌های تقریبی ثبت می‌شوند که چالشی برای شفافیت کامل محسوب می‌شود.

۲. گروه‌های ذی‌نفع (Interest Groups)

در صحنه سیاسی و اقتصادی آلمان، گروه‌های ذی‌نفع نقشی کلیدی در تعریف دستور کارهای سیاستگذاری دارند. این گروه‌ها، طیفی از سازمان‌های بخش خصوصی، اتحادیه‌های کارگری، شرکت‌های بزرگ چندملیتی، نهادهای غیرانتفاعی، اتاق‌های بازرگانی، مشاوران و حتی گروه‌های مدنی و زیست‌محیطی را شامل می‌شوند. هر گروه با هدف دستیابی به منافع خاص خود، سعی می‌کند سیاست‌گذاران را متقاعد به پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌هایش نماید؛ از این رو تعاملات متنوعی با مراکز تصمیم‌گیری دارند.

شرکت‌های بزرگ خصوصی نظیر **Deutsche Bank** و **Volkswagen**، **Siemens**، **BASF**، معمولاً دفاتر لابیگری پر قدرت با تیم‌های تخصصی در پایتخت آلمان دارند. این شرکت‌ها گاهی با صرف مبالغ قابل توجه، پروژه‌های گسترده لابی راه‌اندازی می‌کنند تا بر سیاست‌گذاری‌هایی چون انرژی، محیط زیست، حمل‌ونقل، مالیات و نوآوری‌های دیجیتال مؤثر باشند. همچنین اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی با رویکردهای متفاوت، تلاش دارند دیدگاه‌های شغلی، رفاهی و یا اجتماعی اقشار خاص را وارد دستور کار سیاسی کشور کنند. این همزیستی و رقابت چندوجهی، به پویایی اکوسیستم رایزنی‌های اقتصادی آلمان کمک می‌کند.

۳. فعالیت‌ها و ابزارهای رایزنی اقتصادی

مذاکره‌کنندگان جهت رسیدن به اهداف خود، از ابزارها و رویکردهای متنوعی برای اثرگذاری بر روند تقنین و سیاستگذاری استفاده می‌نمایند. تعاملات مستقیم با نمایندگان مجلس و مقامات اجرایی، یکی از متداول‌ترین اشکال رایزنی است. این دیدارها غالباً در چارچوب جلسات رسمی و غیررسمی یا حتی ضیافت‌ها و رویدادهای اختصاصی برگزار می‌شوند. هدف از این نشست‌ها، انتقال دانش، اطلاعات و دغدغه‌های تخصصی گروه‌های ذی‌نفع به سیاست‌مداران است تا تصمیمات آنان بر پایه‌ی داده‌های به‌روز و واقعی اتخاذ شود.

علاوه بر این، تهیه و ارائه گزارش‌های کارشناسی، طرح پیشنهادی‌های قانونی، راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، قدرت چانه‌زنی گروه‌های ذی‌نفع را افزایش می‌دهد. برگزاری کنفرانس‌ها، میزگردها و کارگاه‌های آموزشی نیز به مذاکره‌کنندگان امکان می‌دهد ظرفیت نفوذ خود را در قالب تولید محتوا و تبادل اطلاعات افزایش دهند. به طور کلی، تخصص‌گرایی و تولید محتوا با سطح فنی بالا در کنار روش‌های نوین دیجیتال، وجه تمایز لابیگری مدرن در آلمان است.

آمار و داده‌های هزینه و پروژه‌های مذاکرات اقتصادی

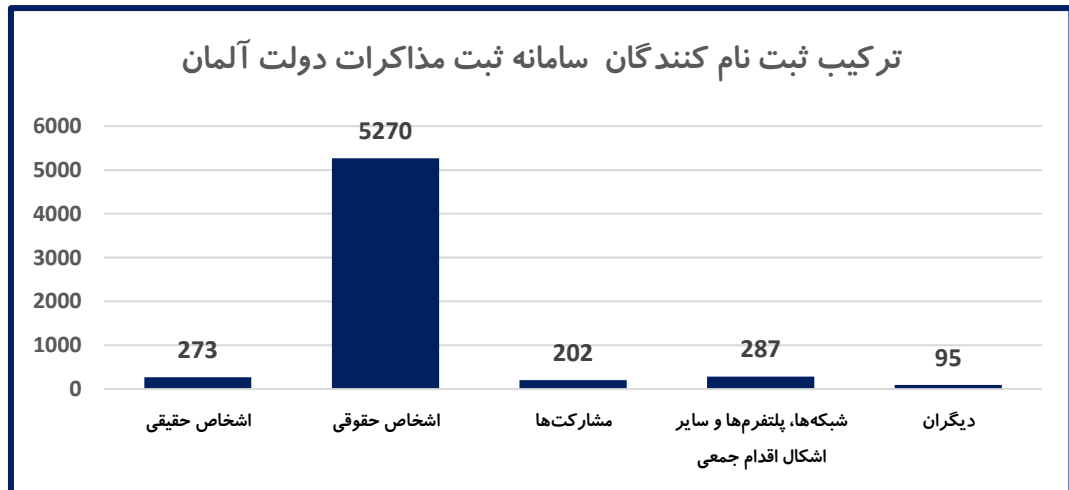
مطالعه بر روی داده‌های ارائه شده توسط سامانه **“Lobbyregister Bundestag”**، پایگاه‌های داده غیردولتی نظیر **“LobbyControl”** و همچنین **“Transparency Register”** اتحادیه اروپا، تصویری نسبتاً شفاف از ابعاد کمی و مالی رایزنی در آلمان ارائه می‌دهد. طبق تازه‌ترین آمار، بیش از ۶۰۰۰ سازمان، شرکت، یا انجمن در این سامانه ثبت شده‌اند و حدود ۷۰۰۰ فرد به عنوان



رایزنی اقتصادی فعال شناسایی شده‌اند. این نشان از گستردگی و تنوع فعالیت مذاکراتی در کشور دارد که طیفی از صنایع بزرگ، گروه‌های زیست‌محیطی، سازمان‌های غیردولتی، و حتی مشاوران مستقل را در بر می‌گیرد.

برآورد هزینه سالانه مذاکرات در آلمان، اگرچه بسته به منبع متفاوت است، اما اغلب بین ۱ تا ۲ میلیارد یورو تخمین زده می‌شود. این رقم بخش قابل توجهی از اقتصاد خدمات غیرتولیدی کشور را تشکیل می‌دهد. حوزه‌هایی که بیشترین سهم را از نظر تعداد و سرمایه پروژه‌های رایزنی به خود اختصاص داده‌اند، شامل انرژی، محیط زیست، بهداشت و درمان، حمل و نقل، فناوری اطلاعات و مالیات هستند. لازم به ذکر است که با وجود پیشرفت در شفافیت، جزئیات هزینه‌ها عمدتاً در بازه‌های کلی اعلام می‌شود و گزارش‌های مالی کاملاً دقیق هنوز نقاط ضعف ساختاری دارند. این وضعیت، تحلیل‌های آماری دقیق‌تر را با محدودیت مواجه ساخته است.

در ادامه به بررسی داده‌های رایزنی‌ها در آلمان که در سامانه Lobbyregister Bundestag ثبت شده است می‌پردازیم. طبقه اعلام این سامانه ترکیب افراد و شرکت‌های لابیگر به صورت زیر است.



نمودار ۱۰

(منبع: پژوهش حاضر)

در سامانه ثبت فعالیت‌های رایزنی اقتصادی دولت آلمان پرونده‌های لابیگری به جزئیات زیرمجموعه‌های موضوع و تعداد موارد ثبت شده موجود هستند. در ادامه به بعضی از مهمترین این حوزه‌ها می‌پردازیم.

حوزه ثبت شده	تعداد موارد ثبت شده
پایداری و حفظ منابع	۲۱۰۲
علم، تحقیق و فناوری	۲۰۸۳
حفاظت از آب و هوا	۱۹۷۳
قوانین اتحادیه اروپا	۱۷۵۱
انرژی‌های تجدیدپذیر	۱۴۶۷
سیاست کلی انرژی	۱۳۷۴
شرکت‌های کوچک و متوسط	۱۳۰۷



سیاست صنعتی	۱۲۶۳
دیجیتالی شدن	۱۲۶۱
موارد دیگر در حوزه "سلامت"	۱۱۸۷
مراقبت های بهداشتی	۱۱۵۷
مالیه عمومی، مالیات و عوارض	۱۱۰۸
بازار داخلی اتحادیه اروپا	۱۰۶۵
تجارت و خدمات	۱۰۴۱
موارد دیگر در حوزه "اقتصاد"	۱۰۰۴
حمایت از مصرف کننده	۹۸۶
قانون رقابت	۹۴۴
قانون کار/شرایط کار	۹۴۰
ارتقای سلامت	۹۳۹
موارد دیگر در حوزه "محیط زیست"	۹۳۲
کنترل انتقال	۹۲۸
آموزش حرفه ای	۹۱۰
تجارت خارجی	۸۹۶
زیرساخت های حمل و نقل	۸۸۰
سیاست حمل و نقل	۸۵۸
شبکه های انرژی	۸۵۷
حفاظت از داده ها و امنیت اطلاعات	۸۵۲
موارد دیگر در حوزه "انرژی"	۸۴۶
حفاظت از گونه ها/تنوع زیستی	۷۸۲
کشاورزی و جنگلداری	۷۲۴
موارد دیگر در زمینه "آموزش و پرورش"	۷۱۳
حقوق عمومی	۶۹۰
موارد دیگر در حوزه "حقوق"	۶۸۱
سایر موضوعات در حوزه "سیاست اروپا و اتحادیه اروپا"	۶۷۵
موارد دیگر در زمینه "کار و اشتغال"	۶۷۰
ترافیک جاده ای	۶۶۰
بازار آزمایشگاه	۶۵۴
سایر زمینه های مورد علاقه	۶۴۲



ارتباطات و فناوری اطلاعات	۶۲۵
روابط بین الملل	۶۱۱
موارد دیگر در زمینه "کشاورزی و غذا"	۶۰۳
رویه پارلمانی	۵۸۰
سیاست‌های توسعه‌ای	۵۷۷
آموزش عالی	۵۷۴
حمل و نقل بار	۵۴۸
ساخت و ساز و صنعت ساختمان	۵۴۷
سوخت‌های فسیلی	۵۴۰
داروها	۵۳۸
مراقبت	۵۳۷
قانون مدنی	۵۳۳
خط مشی اینترنت	۵۳۱
زندگی سیاسی، احزاب	۵۳۰
توسعه شهری	۵۲۹
بانکداری و مالی	۵۲۱
دیگر در منطقه "حمل و نقل"	۵۱۶
حمل و نقل مسافر	۵۱۲
سیاست حقوقی	۴۹۹
ایمنی مواد غذایی	۴۹۱
صنایع غذایی و آشامیدنی	۴۹۰
تجارت الکترونیک	۴۷۴
آموزش مدرسه	۴۷۱
موارد دیگر در حوزه "سیاست اجتماعی و گروه‌های اجتماعی"	۴۶۴
فرهنگ	۴۶۳
حمل و نقل ریلی	۴۶۰
امنیت سایبری	۴۵۴
صنعت خودروسازی	۴۴۸
رفاه حیوانات	۴۴۱
سیاست کودکان و جوانان	۴۴۰
حقوق بشر	۴۴۰



مسکن	۴۳۶
سیاست خارجی	۴۳۰
سایر موارد در حوزه "برنامه ریزی فضایی، ساخت و ساز و مسکن"	۴۲۹
بیمه سلامت	۴۲۶
مناطق روستایی	۴۲۱
دیگر در حوزه "رسانه، ارتباطات و فناوری اطلاعات"	۴۱۲
صنایع دستی	۴۱۱
سیاست تنوع	۴۰۴
یکپارچه سازی	۳۸۲
حمل و نقل	۳۷۷
امنیت بازنشستگی / سالمندی	۳۷۶
هوافضا	۳۶۷
سیاست خانواده	۳۴۷
خدمات عمومی و مدیریت دولتی	۳۴۳
موارد دیگر در حوزه «تامین اجتماعی»	۳۴۲
حقوق افراد دارای معلولیت	۳۴۱
حق چاپ	۳۴۱
موارد دیگر در حوزه "سیاست خارجی و روابط بین الملل"	۳۳۹
سیاست جنسیتی	۳۲۹
تبلیغات	۳۱۴
بیمه مراقبت طولانی مدت	۳۰۹
سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا	۲۹۰
مهاجرت	۲۸۸
بیمه	۲۸۷
موارد دیگر در حوزه "دولت و اداره"	۲۸۰
سایر موضوعات در زمینه "مهاجرت، سیاست پناهندگان و ادغام"	۲۷۷
موارد دیگر در حوزه "امنیت داخلی"	۲۷۵
آزادی بیان و آزادی مطبوعات	۲۶۹
تسلیمات	۲۶۰
گردشگری	۲۶۰
شفافیت اداری / دولت باز	۲۶۰



دیگر در منطقه "بوندستاگ".	۲۵۶
آموزش پیش دبستانی	۲۵۳
موارد دیگر در حوزه "ورزش، اوقات فراغت و گردشگری"	۲۳۴
حقوق جزا	۲۲۸
سیاست دفاعی	۲۲۷
پیشگیری از جرم	۲۲۶
قانون مهاجرت و اقامت	۲۲۵
رسانه های جمعی	۲۲۱
حفاظت مدنی و امداد رسانی در بلایای طبیعی	۲۱۷
پناهندگی و حفاظت از پناهندگان	۲۱۰
مسائل نهادی اتحادیه اروپا	۱۹۹
موارد دیگر در حوزه "دفاع"	۱۹۹
نیروی دفاعی آلمان	۱۹۶
امنیت اولیه	۱۹۵
سیاست ارشد	۱۹۱
بیمه حوادث	۱۸۵
ورزش های تفریحی	۱۷۷
سازمان دولتی	۱۶۷
سیاست خارجی فرهنگی و آموزشی	۱۶۶
مبارزه با تروریسم	۱۶۳
انرژی هسته ای	۱۵۰
بیمه بیکاری	۱۴۹
همکاری پلیس و قضایی در اتحادیه اروپا	۱۴۴
شیلات / آبی پروری	۱۴۳
مبارزه با افراط گرایی	۱۳۸
دین / جهان بینی	۱۳۳
ورزش های حرفه ای	۱۳۱
حفاظت از قربانی	۱۰۷
حق رای دادن	۵۷
تضمین شرایط زندگی برابر	۴۳
وضعیت حقوقی نمایندگان مجلس	۲۸



موارد دیگر در حوزه "وحدت آلمان"	۱۹
برخورد با بی عدالتی SED	۷
مجموع پرونده های ثبت شده	۷۱۷۹۵

چالش های شفافیت و انتقادات

موضوع شفافیت رایزنی ها در آلمان همواره محل جدل میان جامعه مدنی، رسانه ها و سیاستمداران بوده است. در حالی که ایجاد «لای رجیستر» قدمی رو به جلو بود، اما هنوز ابهامات و نارسایی هایی در اجرای کامل شفافیت وجود دارد. برخی گروه های ذی نفع به دلایل قانونی یا حتی ضعف اجرا، هنوز از ثبت دقیق داده ها یا اعلام جزئیات مالی شانه خالی می کنند. برای مثال، هزینه های مذاکراتی غالباً در بازه هایی مانند «۵۰ تا ۱۰۰ هزار یورو» یا «بالای ۵۰۰ هزار یورو» اعلام می شود؛ این دامنه بندی تجمیعی امکان تحلیل جزء به جزء را دشوار می سازد. همچنین تفاوت مقررات در سطح فدرال و ایالتی باعث بروز ناهمگونی هایی در کیفیت افشای اطلاعات می شود؛ بسیاری از مجالس ایالتی هنوز سامانه ثبت مشابه یا مکانیسم های شفافیت قوی ندارند.

دومین چالش مهم، پدیده «درهای گردان» (Revolving Doors) است: کارمندان دولتی و سیاستمداران عمده پس از ترک سمت، اغلب به مشاغل مرتبط با رایزنی های اقتصادی منصوب می شوند و بالعکس. این امر در افکار عمومی، شائبه تضاد منافع و احتمال سوءاستفاده از اطلاعات داخلی ایجاد می کند. نمونه هایی از این انتقال ها بارها مورد انتقاد رسانه ها و سازمان های ناظر قرار گرفته و بحث هایی پیرامون تعبیه دوره های منع فعالیت موقت (Cooling Off Period) جهت کنترل این روند به راه افتاده است. همچنین، برخی مذاکره کنندگان تلاش می کنند با بهره گیری از خلأ های قانونی یا ضعف نظارت، از زیر بار افشای کامل تماس ها و تأثیر گذاری ها بگریزند که این موضوع نیز ضرورت اصلاح بیشتر قوانین و تقویت سازوکارهای اجرایی را برجسته می کند.

شفافیت و دسترسی به داده ها

پیش نیاز اساسی برای شکل گیری اکوسیستم رایزنی اقتصادی کارآمد و سالم، وجود سازوکارهای شفاف برای ثبت، افشا و پایش تعاملات مذاکره کنندگان با سیاستمداران است. در آلمان پس از تصویب قوانین جدید، سامانه Lobbyregister مجلس فدرال نقش محوری در این فرآیند دارد. این سامانه به عموم مردم، پژوهشگران و حتی رسانه ها اجازه می دهد تا نه تنها نام بازیگران رایزنی ها، بلکه موضوعات اثرگذار، تعداد کارکنان و بازه هزینه های مرتبط با هر پروژه را شناسایی و پیگیری کنند. موتور جست و جوی این سامانه امکان جست و جوی پیشرفته بر حسب حوزه موضوعی، نهاد یا نام اشخاص را فراهم آورده که آن را به ابزاری کلیدی برای مطالعات تطبیقی یا گزارش های پژوهشی بدل می کند.

افزون بر بسترهای رسمی دولتی، سازمان های غیردولتی و دیده بان هایی همچون Abgeordneten watch و LobbyControl نقش اساسی در پردازش، تحلیل و افشای داده های مربوط به مذاکرات دارند. این نهادها با ترکیب داده های خام با گزارش های تحلیلی و موارد نقض شفافیت، به واکاوی نقاط ضعف و قوت چارچوب قانونی موجود می پردازند و با راه اندازی کمپین های اجتماعی، مطالبات عمومی برای اصلاح قانون را مطرح می کنند. برای ترکیب یا تکمیل داده ها، Transparency Register اتحادیه اروپا نیز می تواند مرجع ارزشمندی برای رایزنی بین المللی و شرکت های چندملیتی فعال در آلمان باشد. هرچند توسعه ابزارهای هوشمند جستجو، ظرفیت دسترسی به اطلاعات را بالا برده، اما برای پژوهش های عمیق تر هنوز به اصلاح رویه های اعلام دقیق هزینه و دامنه پروژه ها نیاز است.



مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی

در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، نظام شفافیت و ثبت مذاکرات در آلمان پیشرفت چشمگیری داشته اما همچنان در مواردی احتیاج به بهبود دارد. برای مثال، اتحادیه اروپا در قالب «Transparency Register» خود، شرکت‌ها و سازمان‌ها را ملزم می‌کند که جدا از ثبت کلیات، جزئیات درآمدها و هزینه‌ها را با دقت بیشتری افشا کنند. در فرانسه و بریتانیا نیز مقررات مقابله با تضاد منافع و ضرورت افشای هدایای دریافتی یا هدایت پروژه‌های مالی قوی‌تر اجرا می‌شود.

آلمان به رغم داشتن اقتصادی بزرگ و ساختاری پیچیده، تا قبل از سال ۲۰۲۱ فاقد نظام یکپارچه شفافیت برای کل کشور بود. در نتیجه برخی گروه‌های فشار توانسته بودند با سهولت بیشتر بر سیاست‌گذاری سایه بیافکنند. قوانین جدید گام بزرگی به جلو برداشت، اما نوع ارائه اطلاعات (مثلاً اعلام بازه هزینه‌ها به جای ارقام دقیق) و برخی معافیت‌های قانونی موجب شده اصلاحات هنوز کامل نباشد. آینده نظام رایزنی‌های اقتصادی آلمان وابسته است به فشارهای اجتماعی برای شفاف‌تر شدن، توسعه پایگاه‌های داده به‌روز و پذیرش استانداردهای جهانی شفافیت مانند آنچه در اتحادیه اروپا و برخی کشورهای اسکاندیناوی مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

اکوسیستم رایزنی‌های اقتصادی در آلمان از یک سو موتور محرک تعاملات جامعه و دولت است و از سوی دیگر، همواره در معرض چالش‌های شفافیت، مسئولیت‌پذیری و تأمین منافع عمومی قرار دارد. اصلاحات ساختاری در نظام ثبت و نظارت بر رایزنی اقتصادی، بارقه امید برای سامان‌دهی به این فرایند حیاتی ایجاد کرده است. با این حال، اختلافات بین مقررات فدرال و ایالتی، اعلام بازه‌های هزینه‌ها و وجود مسیرهای «درهای گردان»، همچنان فضای تأثیرگذاری مذاکره‌کنندگان را با ریسک‌هایی روبرو ساخته است.

تداوم فشار جامعه مدنی، گسترش بسترهای دیجیتال شفافیت و هماهنگی بیشتر با رویه‌های موفق اتحادیه اروپا، شروط لازم برای سالم‌سازی کامل این اکوسیستم در آلمان خواهد بود. در صورت اجرای کامل این اقدامات، می‌توان انتظار داشت که نظام رایزنی در آلمان ضمن حفظ تأثیرگذاری کارشناسانه، معیارهای پاسخگویی و اعتماد عمومی را نیز تقویت نماید و در نقش‌الگویی برای دیگر کشورها ظاهر شود.

اکوسیستم رایزنی اقتصادی در کانادا

رایزنی اقتصادی در کانادا شامل نهادهای خارجی است که به دنبال تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولت در سطوح مختلف هستند. با گذشت زمان، رایزنی اقتصادی از عملی مرتبط با نخبگان به ابزاری که توسط سازمان‌های مختلف جامعه مدنی استفاده می‌شود، تبدیل شده است. تا سال ۲۰۲۴، حدود ۹۰۰۰ رایزنی اقتصادی ثبت شده در سطح فدرال در تقریباً ۳۵۰۰ سازمان فعالیت می‌کنند. [۱] مداخله دولت در اواخر قرن بیستم با هدف افزایش شفافیت و ایجاد استانداردهای اخلاقی برای مذاکره‌کنندگان و مقامات انجام شد.

در طول تاریخ کانادا، رایزنی اقتصادی تحت تأثیر دوره‌ها و عوامل مختلف تکامل یافته است. پس از جنگ جهانی دوم، شیوه‌های رایزنی اقتصادی تغییر کرد، به طوری که ایالات متحده در سال ۱۹۴۶ مقررات رایزنی اقتصادی را اجرا کرد و کانادا نیز در سال ۱۹۸۹ از آن پیروی کرد. قرن بیست و یکم شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در رایزنی اقتصادی کانادا، از جمله اصلاحات پس از رسوایی حمایت مالی و رسوایی‌های رایزنی اقتصادی سطح بالا، بوده است. چارچوب‌های قانونی در سطوح فدرال و استانی، پارامترهای رایزنی اقتصادی، الزامات



ثبت نام و ضوابط رفتاری را تعریف می‌کنند. چشم‌انداز فعلی رایزنی اقتصادی در کانادا شامل طیف متنوعی از گروه‌های ذی‌نفع، انجمن‌ها و شیوه‌ها است، به طوری که مذاکره‌کنندگان داخلی نماینده شرکت‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی هستند.

حرفه‌ای شدن رایزنی اقتصادی منجر به ظهور انجمن‌هایی مانند انجمن مشاوران سیاسی کانادا^۱ و انجمن امور عمومی کانادا^۲ شده است. این انجمن‌ها در شبکه‌سازی و حمایت از حرفه رایزنی اقتصادی نقش دارند و منعکس‌کننده تعامل پیچیده منافع و پویایی‌های سیاسی هستند.

فضای قانونی

قانون رایزنی اقتصادی با عنوان قانون ثبت رایزنی‌های اقتصادی آغاز شد که در سال ۱۹۸۹ پس از تقریباً ۲۰ سال ابراز علاقه از طریق لوایح خصوصی اعضا، به اجرا درآمد. انگیزه این قانون، ارائه سابقه‌ای از مذاکره‌کنندگان در سطح فدرال و جلساتی بود که برگزار می‌کردند. قانون ثبت همچنین نقش ثبت مذاکره‌کنندگان را ایجاد کرد که نقش آن در درجه اول جمع‌آوری و انتشار اطلاعات طبق قانون بود و قدرت اجرایی قابل توجهی نداشت. این قانون در سال ۲۰۰۳ پس از دو سال مطالعه اصلاح شد که در آن توصیه‌های اتخاذ شده شامل اعطای قدرت تحقیق، ایجاد یک بررسی اجباری ۵ ساله و تعیین این بود که نام سیاستمدارانی که رایزنی اقتصادی شده‌اند نیز منتشر شود. این اصلاحات و سایر موارد در لایحه‌ای در سال ۲۰۰۳ تصویب شدند، اما تا سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا نشدند.

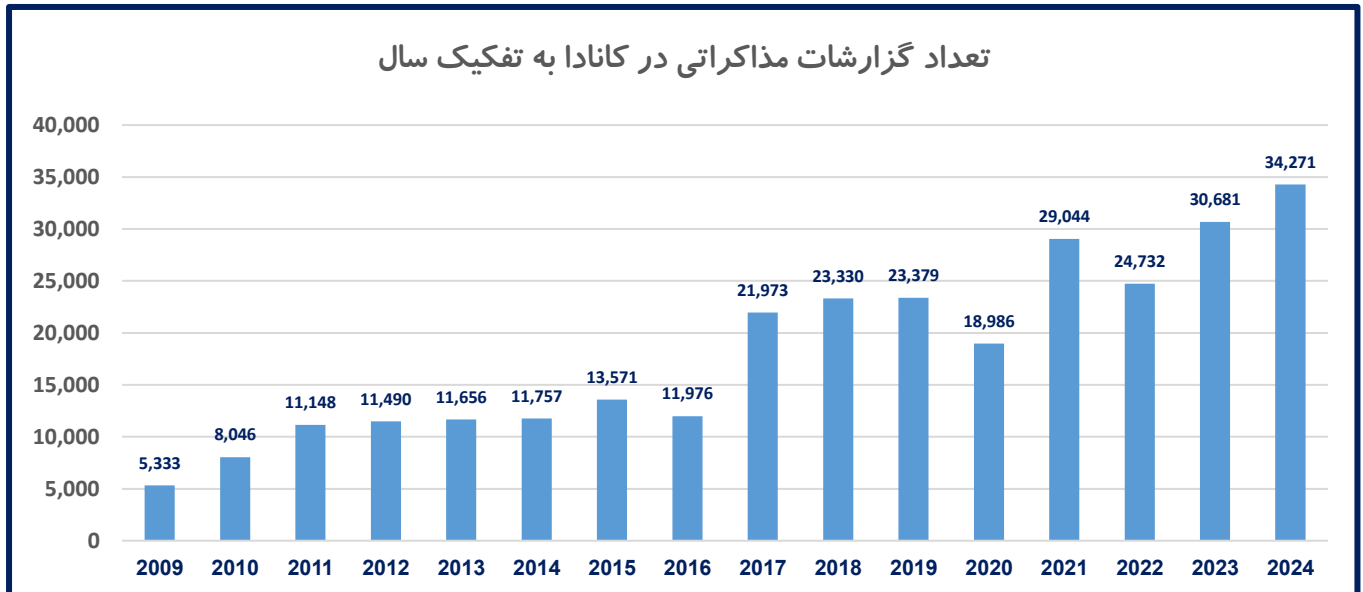
در سال ۲۰۰۶، استیون هارپر با یک پلتفرم پاسخگویی محور، از جمله اصلاحات اساسی در قانون لابی‌گری، وارد عرصه رقابت شد.^[۲۹] پس از انتخابات در پارلمان اقلیت، نخست وزیر پل مارتین استعفا داد و فرماندار کل، میکائیل ژان، از هارپر برای تشکیل دولت دعوت کرد، جایی که او قانون جامع، قانون پاسخگویی فدرال، را معرفی کرد که تعدادی از قوانین، از جمله تغییر نام قانون ثبت مذاکره‌کنندگان به قانون رایزنی اقتصادی را اصلاح کرد. مفاد این اصلاحیه در سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد و شامل تعیین کمیسر رایزنی اقتصادی به عنوان یک مقام مستقل پارلمان بود، به این معنی که دولت (نخست وزیر و کابینه) هیچ اختیاری برای دستور دادن به کمیسر ندارند. این قانون همچنین ممنوعیتی را برای بسیاری از کارمندان دولت قبلی (معمولاً در سطح معاون وزیر یا بالاتر) از تبدیل شدن به یک رایزنی اقتصادی برای ۵ سال اول پس از ترک پست دولتی خود ایجاد کرد و مدت زمانی را که یک رایزنی اقتصادی می‌تواند پس از تخلف تحت پیگرد قانونی قرار گیرد (از ۲ تا ۱۰ سال) و برخی تغییرات دیگر ناشی از توصیه‌های کمیسیون گومری وضع کرد.

^۱. Canadian Association of Political Consultants

^۲. Public Affairs Association of Canada



داده های رایزنی های اقتصادی در کانادا



نمودار 11

(منبع: پژوهش حاضر)



فصل چهارم: افزایش شفافیت و پاسخگویی در رایزنی اقتصادی، رویکرد حکمرانی
خوب



مقدمه:

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) یک انجمن منحصر به فرد است که در آن دولت‌های ۳۰ کشور دموکراتیک برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جهانی شدن با یکدیگر همکاری می‌کنند. این سازمان همچنین در خط مقدم تلاش‌ها برای درک و کمک به دولت‌ها در پاسخ به تحولات نوین و دغدغه‌های جدید، مانند حاکمیت شرکتی، اقتصاد اطلاعاتی و مسائل ناشی از سالمندی جمعیت قرار دارد. OECD بستری فراهم می‌کند تا دولت‌ها بتوانند تجربیات سیاستی خود را مقایسه کنند، برای مشکلات مشترک به دنبال راه‌حل بگردند، بهترین تجربیات را شناسایی و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی خود را هماهنگ کنند.

کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) عبارت‌اند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا. همچنین کمیسیون اروپا نیز در فعالیت‌های OECD مشارکت دارد.

این سازمان در گزارشی با عنوان "رایزن‌ها، دولت‌ها و اعتماد عمومی" به بررسی موضوع فوق پرداخته است و تجربیات ارزنده کشورهای مختلفی را بررسی کرده است. در ادامه به بخشی از این گزارش که با عنوان "ساختاردهی به یک چارچوب برای تقویت شفافیت و پاسخگویی در رایزنی‌ها" جهت ارائه تجربه‌های ارزشمند کشورهای مختلفی برای پایه‌گذاری یک نظام رایزنی مناسب تدوین شده است می‌پردازیم.

تلاش منافع خصوصی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دولتی، قانون‌گذاری یا اعطای قراردادها بخشی از فرآیند سیاست‌گذاری در دموکراسی‌های مدرن است. رایزنی اقتصادی می‌تواند با ارائه بینش‌ها و داده‌های ارزشمند، به بهبود تصمیمات دولت کمک کند، اما اگر این فرآیند شفاف نباشد و استانداردها سست باشند، منجر به ایجاد مزایای ناعادلانه برای منافع خاص و پرصدا خواهد شد. منافع جامعه زمانی به خطر می‌افتد که مذاکرات پشت درهای بسته انجام می‌گیرد. وجود چارچوبی صحیح برای رایزنی اقتصادی به‌ویژه در شرایط بحران‌های مالی و اقتصادی، که تصمیمات مهم سیاسی در بازه‌های زمانی کوتاه اتخاذ می‌شود، مبالغ کلانی از منابع عمومی هزینه می‌شود و قوانین و مقررات کل صنایع بازنویسی می‌شود، بسیار ضرورت دارد. اصول نوظهور OECD برای شفافیت و سلامت در مذاکرات، یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری برای ساختن اقتصادهایی قوی‌تر، پاک‌تر و عادلانه‌تر خواهد بود. رایزنی اقتصادی منابع قابل توجهی را به کار می‌گیرد: به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸ میلادی در سطح فدرال ایالات متحده آمریکا، مبلغی رکوردشکن معادل ۳,۲۸ میلیارد دلار صرف رایزنی اقتصادی شد و تقریباً ۱۵ هزار رایزنی اقتصادی ثبت شده در این عرصه فعالیت داشتند. در کانادا، تعداد آن‌ها در سطح فدرال از ۵ هزار نفر فراتر رفت. در اروپا نیز، ثبت‌نام داوطلبانه کمیسیون اروپا که در سال ۲۰۰۸ راه‌اندازی شد، در طی ۱۴ ماه نخست، بیش از ۲۰۰۰ ثبت‌نام رایزن را دریافت کرد.

با توجه به ریسک‌های منفی رایزنی اقتصادی و بسیج چشمگیر منابع خصوصی، فشار افکار عمومی برای گنجاندن مقررات رایزنی اقتصادی در دستور کار سیاست به‌طور جهانی در حال افزایش است. تاکنون تجربیات عملی اندک بوده است. یافته‌های نظرسنجی OECD نشان می‌دهد که تنها شش کشور عضو از میان ۳۰ کشوری که به پرسشنامه پاسخ دادند، با الزاماتی مانند گزارش‌دهی درباره قراردادهای رایزنی، قوانین مشخصی در این زمینه وضع کرده‌اند. با این حال، بسیاری از کشورها - از برزیل گرفته تا فرانسه و کره جنوبی - در حال تدوین یا به‌روزرسانی مقرراتی هستند تا رایزنی اقتصادی را شفاف‌تر کنند. با این وجود، تعیین استانداردها و مقرراتی برای رایزنی اقتصادی که منصفانه، قابل اجرا و به‌طور کافی پاسخگوی چالش‌های اصلی باشد، دشوار است.



این گزارش، سهمی در بحث سیاستی کشورهایی است که در راستای حکمرانی خوب، شفافیت و پاسخگویی در فکر ایجاد چارچوب قانونی یا تنظیم‌گری دولت برای رایزنی اقتصادی هستند. این گزارش راهنمایی کلی برای تلاش‌ها در سطح ملی ارائه می‌دهد، هرچند می‌تواند در سطح منطقه‌ای نیز قابل استفاده باشد. یک چارچوب صحیح ملزم به در نظر گرفتن این ارکان اساسی است:

● استانداردها و مقرراتی که به طور کافی نگرانی‌های عمومی را پوشش دهد و با زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی تطابق داشته باشد.

● قانونی یا مقرره‌ای که بازیگران و فعالیت‌های مشمول را به روشنی تعریف کند.

● استانداردها و رویه‌هایی برای افشای اطلاعات که جنبه‌های کلیدی رایزنی اقتصادی همچون هدف، ذی‌نفعان و مخاطبان را پوشش دهد.

● استانداردهای قابل اجرای رفتار حرفه‌ای برای ترویج فرهنگ سلامت اداری، از جمله جلوگیری از تعارض منافع و ارائه اطلاعات صحیح.

● طیفی منسجم از راهبردها و رویه‌ها که رعایت استانداردها و مقررات را تضمین کند. از آنجا که «رایزنی اقتصادی یک فرآیند دوطرفه است»، کمیته حکمرانی عمومی (Public Governance Committee) به کار مکملی در زمینه خود-تنظیمی مذاکره‌کنندگان و استفاده از اقدامات جایگزین قانون‌گذاری دولتی نیز پرداخته است. این اقدامات با هدف ارائه مجموعه کاملی از راه‌حل‌های موجود به تصمیم‌گیرندگان و تدوین ابزاری راهنما انجام گرفته است. این کمیته همچنین موضوع مرتبطی را مورد بررسی قرار می‌دهد که پدیده «در گردان» نامیده می‌شود؛ زیرا رایزنی اقتصادی توسط مقامات سابق عمومی از نگرانی‌های روبه‌رشد محسوب می‌شود.

رویکرد حکمرانی خوب

در حالی که رایزنی اقتصادی به طور گسترده به عنوان یک فعالیت مشروع در کشورهای عضو OECD و فراتر از آن در نظر گرفته می‌شود، اما همچنان در بسیاری از جوامع دارای بار معنایی منفی است. به منظور مبارزه با سوءاستفاده‌های آشکار، کشورها علیه نفوذ غیرقانونی در تصمیم‌گیری‌های عمومی، مانند تجارت نفوذ، رشوه‌خواری و سایر اشکال فساد، مقررات کیفری وضع کرده‌اند. با این حال، صرفاً مجازات نفوذ غیرقانونی مقامات دولتی ممکن است برای حفظ اعتماد به تصمیم‌گیری‌های عمومی کافی نباشد.

استانداردها و رویه‌های مؤثری که شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری را تضمین می‌کنند، برای تقویت اعتماد عمومی ضروری هستند. این شناخت رو به رشد وجود دارد که مقررات، سیاست‌ها و رویه‌هایی که مستلزم افشای اطلاعات در مورد جنبه‌های کلیدی ارتباط بین مقامات دولتی و مذاکره‌کنندگان هستند، به جنبه‌های حیاتی شفافیت در دموکراسی‌های قرن بیست و یکم تبدیل شده‌اند تا شهروندان را در اعمال حق خود برای نظارت عمومی توانمند سازند. اقداماتی که فرهنگ صداقت را ترویج می‌دهند نیز بخش جدایی‌ناپذیری از رویکرد "حکومتداری خوب" هستند، به ویژه آن‌هایی که استانداردهای مورد انتظار رفتار در رایزنی اقتصادی را برای مقامات دولتی و مذاکره‌کنندگان روشن می‌کنند.

افزایش انتظارات عمومی از شفافیت، پاسخگویی و صداقت در زندگی عمومی، انگیزه جدیدی برای بازنگری در ترتیبات موجود حاکمیتی در سال‌های اخیر ایجاد کرده و رایزنی اقتصادی را به دستور کار سیاسی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا و همچنین در اتحادیه اروپا



سوق داده است. تعداد فزاینده‌ای از پیشنهادها برای وضع قوانینی برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی به قانونگذاران در بسیاری از کشورهای عضو OECD ارائه شده است تا به تقاضاها مبنی بر افزایش شفافیت عمومی در ارتباطات بین مقامات دولتی و نمایندگان گروه‌های ذینفع پاسخ داده شود. شیوه‌های خوب نوظهور در حاکمیت شرکتی، افشای داوطلبانه مشارکت در توسعه سیاست‌های عمومی و رایزنی اقتصادی شرکت‌ها را نیز تشویق می‌کند.

اهداف و ساختار

تصمیمات در مورد تدوین یا به‌روزرسانی مقررات برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی در چندین کشور از حمایت سیاسی برخوردار بوده است. با این حال، تعیین استانداردها و قوانین برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی در بسیاری از موارد بسیار دشوار بوده است، زیرا می‌تواند به یک مسئله سیاسی حساس نیز تبدیل شود. هنگامی که رایزنی اقتصادی به دستور کار سیاسی می‌رسد، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران به سرعت با چالش تعیین اینکه آیا و چگونه می‌توان سیاست‌ها یا چارچوب نظارتی قابل اجرا برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی تدوین کرد که متعادل، منصفانه برای همه طرفین باشد و به طور کافی به نگرانی‌های موجود در زمینه اجتماعی-سیاسی و اداری خود بپردازد، مواجه می‌شوند. این چارچوب، نقطه مرجعی است که برای حمایت از تصمیم‌گیرندگان در زمانی که رایزنی اقتصادی به دستور کار سیاسی می‌رسد، طراحی شده است. هدف اصلی این چارچوب، ارائه گزینه‌های سیاستی به تصمیم‌گیرندگان برای پاسخگویی به عموم مردم است.

این چارچوب، نقطه مرجعی است که به منظور حمایت از تصمیم‌گیرندگان (در زمانی که رایزنی اقتصادی به دستور کار سیاسی می‌رسد) طراحی شده است. هدف اصلی این چارچوب، ارائه گزینه‌های سیاستی به تصمیم‌گیرندگان برای برآورده کردن انتظارات عمومی در مورد شفافیت، پاسخگویی، صداقت و اثربخشی در هنگام بررسی، تدوین، بحث و اجرای سیاست‌ها و قوانین برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی است.

این چارچوب در درجه اول برای کمک به تصمیم‌گیرندگان در سطح دولت مرکزی طراحی شده است. این چارچوب همچنین می‌تواند راهنمایی‌های کلی برای دولت‌های سطح محلی ارائه دهد تا سیستم حکمرانی خود را برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در رایزنی اقتصادی بررسی و بهبود بخشند.

این چارچوب به عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیرندگان در نظر گرفته شده است، اگر آنها در حال بررسی تدوین استراتژی، سیاست یا مقررات به عنوان یک گزینه هستند. این چارچوب نباید به عنوان مدافع مقررات به عنوان تنها گزینه ممکن تفسیر شود. هدف این چارچوب ارائه مفاد دقیق و مشاوره فنی در مورد طراحی و اجرای استراتژی‌ها، سیاست‌ها و مقررات نیست. برعکس، یک نقطه مرجع عملی با دستورالعمل‌ها و گزینه‌های سیاستی ارائه می‌دهد که باید توسط تصمیم‌گیرندگان در نظر گرفته شود تا مشخص شود که آیا و چگونه، استراتژی، سیاست و شیوه‌ها یا یک چارچوب نظارتی را تدوین کنند.

این چارچوب به جای ارائه مفاد مفصل، به مجموعه‌ای از مسائل مرتبط می‌پردازد که می‌توانند به طور منطقی راهنمای توسعه یک چارچوب ملی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در رایزنی اقتصادی باشند، از جمله:

- تدوین استانداردها و قوانینی که به طور مناسب به نگرانی‌های عمومی رسیدگی کنند، با زمینه‌های اجتماعی-سیاسی و اداری مطابقت داشته باشند و همچنین با چارچوب نظارتی گسترده‌تر سازگار باشند.



● اطمینان از اینکه دامنه آن به طور مناسب بازیگران و فعالیتهای تحت پوشش را تعریف می کند تا استانداردها و قوانین قابل اجرا ایجاد شوند.

● ایجاد استانداردها و رویه هایی برای افشای اطلاعات در مورد جنبه های کلیدی رایزنی اقتصادی مانند نیت، ذینفعان و اهداف آن.

● تعیین استانداردهای رفتاری قابل اجرا برای پرورش فرهنگ صداقت در رایزنی ها.

● افزایش اثربخشی مقررات با ایجاد طیف منسجمی از استراتژی ها و شیوه ها برای حمایت از اجرا و تضمین انطباق.

این چارچوب بر اساس تجربیات بررسی شده در کشورهای عضو و غیر عضو OECD که قبلاً مقررات مربوط به رایزنی اقتصادی را طراحی و اجرا کرده اند، تدوین شده است. این مقررات، درس های آموخته شده در کشورهایی با زمینه های اجتماعی-سیاسی و اداری متنوع را منعکس می کنند. این چارچوب به موازات سند سبز ابتکار شفافیت اروپا و آیین نامه رفتار برای نمایندگان ذی نفع که توسط کمیسیون اروپا به عنوان بخشی از ابتکار شفافیت اروپایی آن برای سطح فراملی در اروپا تدوین شده است، تدوین شده است.

این چارچوب قرار است در کنار ابزارها و دستورالعمل های سیاستی موجود OECD، به ویژه در موارد زیر، مورد استفاده قرار گیرد:

● ارتقای صداقت در خدمات عمومی، مانند توصیه نامه OECD در مورد بهبود رفتار اخلاقی در خدمات عمومی در سال ۱۹۹۸ و توصیه نامه OECD در مورد دستورالعمل های مدیریت تضاد منافع در خدمات عمومی در سال ۲۰۰۳.

● افزایش کیفیت مقررات دولتی، مانند توصیه نامه OECD در مورد بهبود کیفیت مقررات دولتی در سال ۱۹۹۵ و اصول راهنمای OECD در مورد کیفیت و عملکرد نظارتی در سال ۲۰۰۵.

سیاست ها و قوانینی که برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی وضع شده اند، می توانند به طور مؤثر به نگرانی های عمومی - مربوط به درستکاری در تصمیم گیری های دولتی یا رفتار مذاکره کنندگان - پاسخ دهند، به شرطی که استانداردهای قابل مشاهده و دقیقی را ارائه دهند که انتظارات عمومی را برآورده کند. این استانداردها برای افزایش شفافیت، پاسخگویی و درستکاری در رایزنی ها، پایه و اساس رفتار مناسب را، هم برای مقامات دولتی و هم برای مذاکره کنندگان، ایجاد می کنند. با این حال، اگر مذاکره کنندگان و مقامات دولتی بخواهند از بدنام شدن پدیده رایزنی اقتصادی جلوگیری کنند، رعایت استانداردهای تعیین شده نیز ضروری است.

تدوین یک چارچوب مناسب

تدوین چارچوبی برای تقویت شفافیت و پاسخگویی در رایزنی ها به منظور حفظ اعتماد عمومی به دولت باید با شفاف سازی دغدغه های عمومی آغاز شود. تجزیه و تحلیل دقیق باید گزینه های موجود - از جمله اقدامات سیاستی، مقررات داوطلبانه و اجباری - را در نظر بگیرد تا پیشنهادی تهیه شود که به طور کافی به نگرانی های عمومی پاسخ دهد.

برای تدوین پاسخی سیاستی مناسب که با هدف تقویت اعتماد به فرآیند تصمیم گیری عمومی در عین حفظ مزایای جریان آزاد اطلاعات به تصمیم گیرندگان توسط مذاکره کنندگان انجام می شود، لازم است ماهیت چالش به درستی درک شود: چرا نگرانی عمومی باعث شده رایزنی به دستور کار سیاسی وارد شود. شفاف سازی دغدغه های عمومی - چه این دغدغه ها مربوط به دسترسی به تصمیم گیرندگان، سلامت فرآیند تصمیم گیری دولتی و/یا رفتار مشهود در رایزنی باشد - به تصمیم گیرندگان جهت ارائه پاسخ های متناسب برای حل آنها کمک می کند.



- زمانی که نگرانی‌ها مربوط به دسترسی به تصمیم‌گیرندگان باشد، اتخاذ تدابیری برای فراهم کردن شرایط برابر برای همه ذینفعانی که علاقه‌مند به مشارکت در تدوین سیاست‌های عمومی هستند، ضروری است - برای مثال، باید اطمینان حاصل شود که نه تنها «افراد دارای امتیاز»، بلکه «عموم مردم» نیز صدایی دارند.
- زمانی که نگرانی عمومی مربوط به سلامت فرآیند تصمیم‌گیری دولتی باشد، اتخاذ تدابیری برای تضمین شفافیت و پاسخگویی - مانند افزایش شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری، ثبت مذاکره‌کنندگان و افشای منظم فعالیت‌های مذاکراتی - امری ضروری است تا به مردم این امکان را بدهد، مطابق با قوانین آزادی اطلاعات، حق دانستن اینکه چه کسانی در تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیمات عمومی هستند را اعمال کنند.
- اگر رفتار در گذشته در رایزنی‌ها موجب نگرانی عمومی شود، باید استانداردهای روشنی از رفتار مورد انتظار تعیین گردد - برای مثال با تعیین استانداردهای رفتاری برای مقامات دولتی، به ویژه تصمیم‌گیرندگان، و از طریق کدهای داوطلبانه یا اجباری برای مذاکره‌کنندگان.

درک بهتر دغدغه‌های عمومی همچنین به سیاست‌گذاران نشانه‌هایی می‌دهد تا بتوانند مناسب‌ترین شکل اقدامات پیشنهادی را برای تحقق تبعیت تعیین کنند. برای مثال، آیا رعایت استانداردهای پیشنهادی می‌تواند به صورت داوطلبانه محقق شود یا اینکه نیاز به تصویب قانون یا مقرراتی وجود دارد که از طریق چارچوب حقوقی به اجرا قدرت ببخشد.

استانداردها و مقررات مرتبط با رایزنی‌ها باید با زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اداری هر حوزه قضایی مطابقت داشته و به آن احترام بگذارند. به ویژه، قوانین مربوط به رایزنی باید عرف‌های قانون اساسی و رویه‌های دموکراتیک تثبیت‌شده را مد نظر قرار دهند.

جهانی‌شدن شیوه‌های مشابهی از رایزنی را در کشورهای متعددی ایجاد کرده و باعث بروز مسائل و انتظارات مشترک میان جوامع مختلف شده است. با این حال، استانداردها، مقررات یا حتی قوانین را نمی‌توان به سادگی از یک حوزه قضایی به حوزه‌ای دیگر کپی کرد، چرا که هر نظام سیاسی بر اساس ارزش‌گذاری خاص خود نسبت به اهداف سیاست‌ها و مقررات، مفاد قانونی و رویه‌های قضایی متفاوتی را اتخاذ می‌کند.

هر حوزه قضایی که در نظر دارد سیاست‌ها یا مقرراتی را برای ارتقای شفافیت در رایزنی تدوین کند، باید نه تنها نیاز به استانداردها یا مقررات را بررسی کند، بلکه شکل دقیق آن را نیز با توجه به تجربیات بین‌المللی و سنت‌های قانون اساسی خود مد نظر قرار دهد. همچنین، فرهنگ و سنت‌های سیاسی غالب نیز باید مد نظر قرار گیرد، به ویژه در ارتباط با فرآیندهای مشاوره نهادینه‌شده مانند همکاری با نمایندگان کارفرمایان و کارکنان در قالب «شراکت‌های اجتماعی» و جلسات استماع عمومی.

استانداردها و قوانین مربوط به رایزنی اقتصادی باید با چارچوب نظارتی گسترده‌تری که حکومت‌داری خوب را تقویت می‌کند، سازگار باشد.

سیاست‌ها، استانداردها و مقررات اثربخش برای ارتقاء شفافیت در رایزنی نه می‌توانند به صورت منفرد ایجاد یا اصلاح شوند و نه در انزوا کارایی خواهند داشت. به عنوان بخشی از یک چارچوب نظارتی پیچیده، این سیاست‌ها باید بر سایر عناصر چارچوب نظارتی گسترده‌تر



که استانداردهای حکمرانی مطلوب را تعیین می‌کند تأثیرگذار بوده و از آن‌ها تأثیر بپذیرند. برای موفقیت، طراحی این سیاست‌ها باید آنچه را که در سایر حوزه‌های سیاستی و نظارتی وجود دارد یا کمبود آن احساس می‌شود، به ویژه موارد زیر، مورد توجه قرار دهد:

استانداردهای رفتار مورد انتظار که در آیین‌نامه‌های رفتاری برای مقامات دولتی تعیین شده‌اند.

- مقرراتی که تأثیرگذاری ناموجه بر تصمیم‌گیری‌های عمومی را جرم‌انگاری می‌کند، مانند دلالی نفوذ، رشوه و سایر جرایم مربوط به فساد.
 - حق قانون اساسی برای ارائه دادخواست به دولت، اعمال آزادی بیان و انجمن.
 - فرآیندهای مشاوره منظم با نمایندگان کارفرمایان و کارکنان، برای مثال در چارچوب «شراکت‌های اجتماعی».
 - سیاست‌ها و رویه‌هایی برای ارتقای مشارکت شهروندان از طریق مشاوره و مشارکت عمومی.
 - استانداردها و رویه‌هایی برای تضمین دسترسی به اطلاعات دولتی مرتبط با فرآیند تصمیم‌گیری، برای مثال از طریق قانون آزادی اطلاعات.
 - بازبینی قضایی و اداری تصمیمات.
 - مقررات مربوط به احزاب سیاسی و تأمین مالی کارزارهای انتخاباتی.
 - رویه‌هایی برای گزارش‌دهی فساد و سوءرفتار و نیز حمایت از افشاگران.
- طراحی و اصلاح استانداردها و مقررات برای ارتقای شفافیت در رایزنی باید با سایر عناصر چارچوب نظارتی گسترده‌تر که به تقویت فرهنگ سلامت اداری، شفافیت، پاسخگویی و دسترسی‌پذیری در دولت کمک می‌کند، هماهنگ باشد. این عناصر که به طور متقابل وابسته و تقویت‌کننده یکدیگرند، محیطی را ایجاد می‌کنند که به استقرار حکمرانی مطلوب منجر می‌شود.

تقویت فرهنگ سلامت اداری در سازمان‌های دولتی و فرآیند تصمیم‌گیری مستلزم تعیین استانداردهای رفتاری شفاف برای مقامات دولتی هنگام مواجهه با مذاکره‌کنندگان است.

مقامات عمومی اساساً مسئول تعیین استانداردهای رفتاری برای مقامات دولتی هستند که هدف رایزنی قرار می‌گیرند. اصول، قوانین و رویه‌ها باید دستورالعمل‌های روشنی را برای مقامات دولتی درباره چگونگی تعامل مجاز با مذاکره‌کنندگان ارائه دهند. تصمیم‌گیرندگان با رفتار شخصی خود در رابطه با مذاکره‌کنندگان الگو هستند. مقامات دولتی موظفاند اطمینان حاصل کنند که تماس‌هایشان با مذاکره‌کنندگان مطابق با اصول، قوانین و رویه‌های مرتبط که در چارچوب سیاستی و نظارتی گسترده‌تر و به ویژه در آیین‌نامه‌های مربوط به تصمیم‌گیرندگان و کارکنان دولت و خدمات عمومی تعیین شده است، انجام می‌گیرد.

مقامات دولتی باید ارتباط خود با مذاکره‌کنندگان را به گونه‌ای انجام دهند که تحت دقیق‌ترین بررسی عمومی قرار گیرد، به ویژه:

- تضمین بی‌طرفی – با پرهیز از رفتار ترجیحی، برای مثال از طریق ارائه فرصت‌های برابر به گروه‌های مختلف ذینفع برای بیان دیدگاه‌ها و اطمینان از اینکه اطلاعات ارائه‌شده به یک گروه، در دسترس سایر گروه‌های ذینفع نیز قرار دارد.
- ارائه اطلاعات مجاز – برای مثال با جلوگیری از افشای «اطلاعات محرمانه» که در دسترس عموم نیست، مانند اطلاعات طبقه‌بندی‌شده دولتی (مثلاً در خصوص اهداف سیاسی)، ابتکارات برنامه‌ریزی‌شده برای تأمین مالی عمومی یا اطلاعات حساس تجاری (مانند اسرار تجاری).



- ارتقای شفافیت – در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی از طریق افشای اطلاعات مربوط به ارتباط با مذاکره کنندگان و اطلاعات دریافت‌شده. این موضوع می‌تواند با ارائه یک فهرست نمایشی از گروه‌های دارای منافع که در تهیه تصمیمات عمومی مورد مشورت قرار گرفته‌اند و ارائه خلاصه‌ای از اطلاعات دریافت‌شده از مذاکره کنندگان در فرآیند قانون‌گذاری تحقق یابد.
- پرهیز از تعارض منافع – با افشای منافع خصوصی مرتبط، همچون روابط، منافع تجاری، سرمایه‌گذاری‌ها، مذاکرات شغلی بیرونی یا پیشنهادهای شغلی که ممکن است در فرآیند تصمیم‌گیری منجر به تعارض منافع واقعی، بالقوه یا ظاهری شوند. علاوه بر این، انتظار می‌رود مقامات دولتی برای رفع یا مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع اقدامات لازم را انجام دهند، مثلاً با کنار گذاشتن خود از فرآیند تصمیم‌گیری. پذیرش هدایا و خدمات میزبانی – به ویژه زمانی که ارزش آن‌ها بیش از حد نازل بوده یا به طور مکرر از یک منبع دریافت می‌شود – می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از تعهد یا حمایت تلقی شود.

حفظ اعتماد به دولت ممکن است مستلزم وضع محدودیت‌های خاصی برای مقامات دولتی در زمان ترک سمت باشد؛ به این صورت که دوره‌هایی تحت عنوان «دوره آرامش» تعیین گردد که در طول آن نباید برای سازمان‌های قبلی خود رایزنی اقتصادی کنند.

امروزه به طور فزاینده‌ای اذعان می‌شود که مقامات دولتی سابق، به دلیل داشتن دانش و دسترسی به سایر مقامات دولتی، در دنیای رایزنی اقتصادی یک دارایی ارزشمند محسوب می‌شوند. رایزنی اقتصادی برای دولت توسط مقامات دولتی سابق – که برجسته‌ترین بخش پدیده «درهای گردان»^۱ به شمار می‌آید – به یکی از نگرانی‌های رو به رشد در دموکراسی‌های مدرن بدل شده است. این نگرانی‌ها برخی قانون‌گذاران را بر آن داشته است که محدودیت‌های خاصی برقرار کنند، مانند تعیین دوره‌های «آرامش» کافی که طی آن مقامات سابق دولتی نباید در سازمان‌های قبلی خود رایزنی اقتصادی کنند. محدودیت‌های بیشتری نیز ممکن است اعمال شود، مانند ممنوعیت استفاده از «اطلاعات محرمانه» یا «تغییر موضع» به نفع طرف مقابل. ممنوعیت استفاده از «اطلاعات محرمانه» تا زمانی که این اطلاعات طبقه‌بندی شده باقی بماند و به صورت عمومی منتشر نشود، همچنان پابرجا خواهد بود.

دامنه سیاست یا مقررات مربوط به رایزنی اقتصادی باید به طور شفاف و دقیق تعریف شود.

برای ارائه یک چارچوب مؤثر برای پیاده‌سازی، دامنه سیاست یا مقرراتی که به منظور افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی ایجاد می‌شود باید به وضوح تعریف شود، به‌ویژه:

- چه نهادها و فعالیت‌هایی به عنوان لابی‌گر و رایزنی اقتصادی شناخته می‌شوند؛ و توصیف‌های مناسبی برای استثناها ارائه شود.

تعاریف واضحی از اینکه چه کسی رایزنی اقتصادی است و چه فعالیت‌هایی به عنوان رایزنی اقتصادی محسوب می‌شود، شرط لازم برای اجرای مؤثر سیاست‌ها یا مقرراتی که به منظور افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی ایجاد می‌شوند، محسوب می‌شود، تا بتوانند به مساله

^۱ . پدیده «درهای گردان» (revolving door) به حالتی گفته می‌شود که افراد بین مشاغل دولتی (به ویژه در سطوح مدیریتی یا تصمیم‌گیری مهم) و بخش خصوصی (مانند شرکت‌ها یا گروه‌های لابی‌گری) جابه‌جا می‌شوند. منظور این است که یک مقام دولتی پس از پایان کار خود در دولت، به سازمان‌ها، شرکت‌ها یا گروه‌هایی می‌پیوندد که ممکن است منافعی با حوزه قبلی فعالیت او مرتبط باشد یا بتواند از روابط و اطلاعات قبلی‌اش برای نفوذ و رایزنی اقتصادی استفاده کند. گاهی هم افراد از بخش خصوصی وارد دولت می‌شوند و پس از مدتی دوباره به بخش خصوصی بازمی‌گردند. این پدیده باعث نگرانی از بابت تعارض منافع، سوءاستفاده از اطلاعات یا نفوذ، و کاهش اعتماد عمومی به دولت می‌شود، چون ممکن است تصور شود این جابه‌جایی‌ها به نفع منافع خاص و نه منافع عمومی صورت می‌گیرد.



"چه کسی در تلاش است تا بر چه کسی، چگونه و چه زمانی تأثیر بگذارد" در تصمیم‌گیری‌های عمومی پاسخ دهند. در تعریف دامنه فعالیت‌های رایزنی، باید تعادلی برقرار شود که تنوع نهادها و افرادی را که ممکن است در فعالیت‌های رایزنی اقتصادی مشارکت کنند و نیاز به ایجاد یک فضای رقابتی برابر برای همه ذینفعان را به طور مؤثر مد نظر قرار دهد.

سیاست‌ها یا مقررات باید به‌طور عمده به افرادی که به خاطر انجام فعالیت‌های رایزنی اقتصادی حقوق دریافت می‌کنند، مانند مذاکره کنندگان مشاوره‌ای و مذاکره کنندگان داخلی، هدف گذاری شوند. هرگاه نگرانی‌های عمومی ایجاد کند، فعالیت‌های رایزنی اقتصادی باید به‌طور گسترده‌تری و به‌طور فراگیر تعریف شوند تا فضای رقابتی برابری برای تمام گروه‌های ذینفع که قصد تأثیرگذاری بر تصمیمات عمومی دارند، فراهم شود. با این حال، اقدامات لازم برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی باید به ویژگی‌های خاص این گروه‌های ذینفع توجه داشته باشد.

تعاریف را می‌توان با ذکر این موضوع دقیق‌تر کرد که برخی گروه‌ها از بازیگران یا فعالیت‌ها از شمول سیاست‌ها یا مقررات مستثنی هستند. به عنوان مثال، ارتباطاتی که قبلاً به طور رسمی ثبت شده‌اند، مانند ارائه‌های رسمی به کمیته‌های قانون گذاری، جلسات استماع عمومی و سازوکارهای مشاوره‌ای تثبیت شده. این استثنایا ممکن است بازتاب‌دهنده عرف‌های قانون اساسی، تاریخ اجتماعی-سیاسی حوزه قضایی و واقعیت‌های عملی انجام امور میان دولت‌ها باشند. برای مثال، نمایندگان دولت‌های دیگر مستثنی می‌شوند، چرا که در ظرفیت رسمی خود عمل می‌کنند.

تعاریف مذاکره کنندگان و فعالیت‌های رایزنی باید به اندازه کافی قوی و بدون ابهام باشند تا در برابر چالش‌های حقوقی مقاومت کنند.

تعاریف نباید جایی برای سوء برداشت، سوء تفاهم یا تفسیر نادرست باقی بگذارند و باید تا حد امکان قوی و بدون ابهام باشند. این تعاریف باید بتوانند در برابر چالش‌های حقوقی و دادگاهی مقاومت کنند. تعاریف مبهم و ناقص از اینکه چه کسانی مشمول سیاست‌ها یا مقررات هستند و چه فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرند، می‌توانند عملکرد صحیح سیاست‌ها یا مقررات در زمینه افزایش شفافیت رایزنی را به خطر بیندازند و منجر به عدم رعایت شوند. علاوه بر این، چنین ابهامی می‌تواند بدبینی عمومی نسبت به اثربخشی سیاست یا مقرر را افزایش دهد و تلاش‌ها برای حفظ اعتماد عمومی را به خطر اندازد.

استانداردها و رویه‌های روشنی برای جمع‌آوری و افشای اطلاعات مربوط به فعالیت‌های رایزنی تعیین کنید.

الزامات افشا می‌تواند اطلاعات زیادی تولید کند. با این حال، یک مقرر مؤثر درباره رایزنی باید اطمینان حاصل کند که:

- اطلاعات جمع‌آوری شده مرتبط با اهداف اصلی یعنی تضمین شفافیت، سلامت و کارآیی است؛ و
- درخواست‌ها برای اطلاعات از نظر عملی و حقوقی واقع‌بینانه هستند.

افشاگری در محوریت مقررات مؤثر برای افزایش شفافیت در رایزنی قرار دارد. یک نظام افشای مؤثر باید به مقامات و عموم مردم اطلاعات کافی ارائه دهد تا فعالیت‌های رایزنی به‌وضوح شناسایی شوند. زمانی که نگرانی عمومی درباره تصمیم‌گیری‌هایی است که به دور از چشم عموم انجام می‌شوند، اهداف اصلی عبارت‌اند از:

- تدوین سیاست یا مقرر به منظور افشای اطلاعات درباره اینکه چه کسانی تلاش می‌کنند بر تصمیمات عمومی تأثیر بگذارند؛



• توسعه اقدامات و سازوکارهای حمایتی برای شفافیت که به عموم مردم این امکان را بدهد تا حق دانستن خود را اعمال کنند. نمونه‌هایی از مورد دوم می‌تواند شامل ثبت‌نام رایزن ها و ارائه گزارش‌های دوره‌ای باشد. علاوه بر این، ملاحظات مربوط به مسئولیت اجتماعی ممکن است شرکت‌ها را ترغیب کند تا به صورت داوطلبانه درباره مشارکت خود در تدوین سیاست‌های عمومی و فعالیت‌های رایزنی اطلاع‌رسانی کنند. با این حال، حق دانستن عموم مردم باید با اجتناب از درخواست‌های بیش از حد متعادل شود؛ چرا که چنین درخواست‌هایی می‌تواند نظام افشایی سنگین و پرزحمتی ایجاد کند که ممکن است تحت فشار فرو بپاشد یا باعث عدم رعایت یا تأخیر در ارائه اطلاعات شود.

علاوه بر این، درخواست اطلاعات باید با توجه دقیق به موارد معافیت قانونی از شفافیت، مانند حفاظت از اطلاعات محرمانه از جمله اسرار تجاری و پیشگیری از تبانی، متعادل شود. در نتیجه، تصمیم‌گیرندگان باید درباره نحوه ایجاد تعادلی مناسب بیندیشند. این امر اطمینان می‌دهد که اطلاعات خواسته شده از طریق افشا، برای تحقق اهداف تعیین‌شده سیاست یا مقرر ضروری است.

افزایش شفافیت برای حفظ اعتماد به دولت و تصمیمات عمومی بسیار حیاتی است. بنابراین، افشای مؤثر باید اطلاعات مرتبط اما مختصری درباره جنبه‌های کلیدی فعالیت‌های رایزنی ارائه کند تا روشن سازد که تصمیمات عمومی چگونه تحت تأثیر ذینفعان یا منافع خاص قرار گرفته‌اند.

الزامات اصلی افشا باید اطلاعاتی را فراهم کند که:

- هدف و نیت فعالیت رایزنی را روشن کند؛
- ذینفعان آن را مشخص نماید؛ و
- دفاتر و نهادهایی که هدف رایزنی هستند را نشان دهد.

الزامات افشا باید دست‌کم مذاکره‌کنندگان را ملزم کند تا منافع نمایندگی‌شده را با نام بردن از موکلان و ذینفعان خود مشخص کنند و همچنین جزئیاتی درباره اهداف فعالیت‌های رایزنی ارائه دهند. این اطلاعات اساسی باید در قالب گزارش‌های منظم در یک سامانه ثبت عمومی افشا شود. شناسایی صحیح موکلان و ذینفعان واقعی فعالیت‌های مذاکره‌کنندگان ممکن است مستلزم افشای مالی باشد تا بازیگران اصلی ائتلاف‌های راهبردی یا پشت‌گروه‌های ظاهری شناسایی شوند.

علاوه بر این، مذاکره‌کنندگان باید در گزارش‌های منظم خود در یک سامانه ثبت عمومی اطلاعات مربوط به دفاتر و نهادهای دولتی هدف رایزنی را افشا کنند. هنگام تماس با مقامات دولتی، ممکن است از مذاکره‌کنندگان خواسته شود که هویت خود را—*for example*— با شماره ثبت، کارت، نشان یا مجوزهای مشابه—مشخص کنند.

الزامات تکمیلی افشا باید نیازهای اطلاعاتی مشروع بازیگران کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی را مد نظر قرار دهند و همچنین زمینه نظارت عمومی را فراهم کنند.

حتی زمانی که مقررات موفق به تأمین اطلاعات اصلی درباره رایزنی می‌شوند، این امر لزوماً نیازهای اطلاعاتی مشروع بازیگران کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری دولت را برآورده نمی‌کند. با توجه به این نیازها و وجود هرگونه سامانه اطلاعاتی دیگر مرتبط با فرآیندی که در آن «رایزنی» رخ می‌دهد، ممکن است ارائه افشای تکمیلی از سوی مذاکره‌کنندگان ضرورت یابد، به ویژه از طریق:

- تصمیم‌گیرندگان - قانون‌گذاران و وزرا ممکن است بخواهند بدانند فشار رایزنی از کجا نشأت می‌گیرد تا متوجه شوند که آیا این فشار بازتاب‌دهنده افکار عمومی وسیع داخلی است یا منافع خارجی. آن‌ها همچنین ممکن است اطلاعاتی درباره ائتلاف‌های



رایزنی، روش‌های مورد استفاده یا حق‌الزحمه‌های مربوط به فعالیت‌های رایزنی خواهند تا قدرت پول در این فعالیت‌ها را بهتر درک کنند.

- شهروندان – برای تسهیل نظارت عمومی، مثلاً از طریق سازمان‌های جامعه مدنی و رسانه‌ها، ممکن است افشای تکمیلی لازم باشد تا میزان توجه نسبی به گروه‌های رقیب منافع نمایان شود؛ همچنین ارائه جزئیات هزینه‌ها، به‌ویژه هزینه‌های کلان صرف‌شده برای برقراری ارتباط با افشار مختلف مردم، تکنیک‌های رایزنی، اعضای سازمانی، و در صورت مجاز بودن، توافق‌ها درباره حق‌الزحمه‌های مبتنی بر موفقیت یا «پرداخت‌های مشروط» نیز ضرورت می‌یابد. انتظارات متغیر عمومی نیز ممکن است خواستار اطلاعات تکمیلی باشد، مانند مشخص کردن اینکه آیا موکلان و ذینفعان معرفی شده قبلاً از بودجه عمومی یا قراردادهای دولتی بهره‌مند شده‌اند یا خیر.

- نهادهای ناظر – ادارات و دفاتر دولتی مسئول شناسایی، تحقیق و پیگیری تخلفات مقررات ممکن است به سوابقی نیاز داشته باشند که به آن‌ها در ردیابی اقدامات احتمالی غیرقانونی رایزنی کمک کند، برای مثال از طریق بررسی افشاگری‌های مالی. ممکن است لازم باشد تایید کنند که آیا مذاکره کنندگان پیش‌تر مقام دولتی بوده‌اند یا به دلایل امنیتی نیاز به تایید دارند (مانند بررسی سوابق کیفری). علاوه بر این، زمانی که پیگرد قانونی مدنظر است، مستندسازی و نگهداری سوابق گسترده ضروری خواهد بود؛ در این راستا، مقررات می‌تواند مؤثرتر باشد اگر مذاکره کنندگان موظف باشند اسناد مرتبط را برای مدتی معین نگهداری کنند یا آن‌ها را در فرایندی جداگانه ارائه دهند.

با این حال، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران باید توجه داشته باشند که درخواست اطلاعات بیش از حد نیز می‌تواند شفافیت درباره فعالیت‌های رایزنی را تحت‌الشعاع قرار دهد. برای جلوگیری از **overload** اطلاعاتی، هنگام بررسی افزودن الزامات افشای بیشتر به سامانه‌های ثبت، مفید است که ساختار دویخشی برای سامانه‌های ثبت ایجاد شود تا افشای اصلی با گزارش‌های گسترده‌تر، مثلاً در بخش‌های حساس، تکمیل شود. با این وجود، تصمیم‌گیرندگان باید به این نکته نیز توجه کنند که هر چه سامانه افشا پیچیده‌تر باشد، تأمین و مدیریت آن پرهزینه‌تر و دشوارتر خواهد شد.

سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران همچنین می‌توانند الزامات اطلاعاتی را بر اساس نوع مذاکره تعریف کنند. برای مثال، در افشای حامیان، دسته‌بندی مذاکره کنندگان تعیین می‌کند که چه نوع اطلاعاتی باید ارائه شود. به عنوان نمونه، افشای اطلاعات درباره موکلان و وابستگی‌های شرکتی که عملیات رایزنی را تأمین مالی می‌کنند، می‌تواند به‌عنوان افشای تکمیلی از مذاکره کنندگان‌های مشاور خواسته شود. در مقابل، برای سازمان‌های غیرانتفاعی، ارائه اطلاعات درباره منافع عمده‌ای که در فعالیت‌های رایزنی آن‌ها دخیل است، اهمیت بیشتری دارد.

برای خدمت‌رسانی مناسب به منافع عمومی، افشاگری‌ها درباره فعالیت‌های رایزنی باید در یک سامانه ثبت انجام شده و به‌موقع به‌روزرسانی شوند تا اطلاعات معتبر و روزآمدی را در اختیار عموم و مقامات دولتی قرار دهند.

مهلت‌های گزارش‌دهی به همان اندازه خود افشاگری اهمیت دارد تا اطلاعات به‌موقع درباره آنچه در دنیای رایزنی رخ می‌دهد، ارائه شود. یک سامانه اثربخش افشای رایزنی مستلزم ثبت به‌موقع و گزارش‌دهی دوره‌ای فعالیت‌های رایزنی است تا اطلاعات معتبر و به‌روزی را فراهم کند که پاسخگوی نیازهای مشروع برای تحلیل مؤثر باشد.

فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، به ویژه ثبت الکترونیک از طریق اینترنت، امکان جمع‌آوری، پردازش و انتشار حجم بالایی از اطلاعات را فراهم کرده است. افشاگری از طریق ثبت و گزارش‌دهی الکترونیکی مزایای بی‌شماری دارد، از جمله:



- سهولت – ثبت نام کنندگان می توانند به شکل کارآمدی از محل کار خود اقدام به ثبت کنند.
- انعطاف پذیری – فرم‌ها می توانند اطلاعات کمی برای تحلیل کسب کنند. همچنین فناوری‌های نوین امکان ارسال نسخه‌هایی از اسناد و گزارش‌های موجود را فراهم می کنند.
- دسترسی پذیری – دسترسی اینترنتی به گزارش‌ها نیاز به تمرکز فیزیکی اطلاعات را از بین می برد و اطلاعات را به صورت آماده در اختیار شهروندان و کارگزاران قرار می دهد و در نتیجه موجب شفافیت و نظارت عمومی می شود.
- مقایسه پذیری – اطلاعات ساختار یافته می تواند تحلیل را تسهیل کند و مانع از overload اطلاعاتی شود، مثلاً با استفاده از پیوندهای اینترنتی برای ارائه جزئیات بیشتر درباره جنبه‌های خاص رایزنی.
- صرفه جویی اقتصادی – اطلاعات به سادگی قابل ذخیره است و هزینه‌های آرشيو و نگهداری اسناد را به میزان قابل توجهی کاهش می دهد.

از آنجا که ممکن است عموم مردم در تحلیل حجم زیادی از اطلاعات منتشر شده دچار مشکل شوند، فرآیندهای ثبت باید در طراحی فرم‌هایی که اطلاعات واقعاً مفید و قابل اعتماد را استخراج می کنند، نوآورانه باشند. فرم‌های ثبت و گزارش‌دهی باید اطلاعات افشاشده را به درستی ساختار بندی کنند تا از overload اطلاعاتی جلوگیری شود— زیرا ارائه اطلاعات بیش از حد می تواند به همان اندازه پنهان کاری، فعالیت‌های رایزنی را مبهم کند— و همچنین به تسهیل پژوهش، کنترل و نظارت عمومی کمک کند.

استانداردهای رفتاری تعیین کنید تا فرهنگ درستکاری و سلامت در رایزنی اقتصادی تقویت شود.

مذاکره کنندگان نیز در قبال ایجاد فرهنگ درستکاری در رایزنی اقتصادی مسئولیت دارند و این کار را از طریق تعیین استانداردهایی برای حرفه‌ای‌گری، شفافیت و باز بودن اطلاعات با خود تنظیمی انجام می دهند.

اگرچه نهادهای دولتی وظیفه اصلی تعیین استانداردهای رفتاری روشن برای مقامات دولتی که هدف رایزنی اقتصادی قرار می گیرند را دارند، مذاکره کنندگان نیز در قبال پیشگیری از نفوذ نامناسب و تضمین سلامت رایزنی اقتصادی مسئولیت دارند، زیرا «رایزنی اقتصادی فعالیتی دوطرفه است». خودتنظیمی از طریق کدهای حرفه‌ای که توسط انجمن‌های مذاکره کنندگان یا نهادهای حرفه‌ای تدوین می شوند، باید به منظور تعیین استانداردهای مورد انتظار رفتار برای خود مذاکره کنندگان مورد تشویق قرار گیرد.

کدهای حرفه‌ای^۱ می توانند قواعد اساسی روابط مذاکره کنندگان را با مقامات دولتی، سایر مذاکره کنندگان، موکلان و عموم مردم تعیین کنند؛ برای مثال، جلوگیری از نمایندگی منافع متعارض یا رقیب. این کدها همچنین نحوه رفتار حرفه‌ای را مشخص می کنند و برای موارد نقض استانداردها، مجازات‌های احتمالی را تعیین می نمایند. با این حال، بدون تدابیر و منابع کافی برای اجرای مؤثر و اعمال این ضوابط، خودتنظیمی به اهداف مورد نظر خود دست نخواهد یافت. کدهای حرفه‌ای نقش کلیدی در ارتقای سلامت و درستکاری دارند،

^۱ منظور از کدهای حرفه‌ای (Professional Codes) مجموعه‌ای از اصول، استانداردها و قواعد رفتاری است که یک گروه شغلی یا حرفه‌ای (مانند لابیست‌ها) برای اعضای خود تعریف می کند تا رفتار آن‌ها را در مواجهه با شرایط مختلف، به ویژه در رابطه با مسئولان دولتی، موکلان، سایر لابیست‌ها و عموم مردم، هدایت کند. این کدها معمولاً شامل موارد زیر هستند: - **تعیین مرزهای اخلاقی و رفتاری**؛ مثل صداقت، شفافیت، جلوگیری از تضاد منافع، خودداری از ارایه اطلاعات غلط یا فریبنده، و حفظ محرمانگی. - **قوانین تعامل با دیگران**؛ مثلاً ممنوعیت نمایندگی همزمان منافع رقیب، نحوه ارتباط حرفه‌ای با مقامات و موکلان، و رعایت احترام متقابل. - **راهنمایی درباره موقعیت‌های چالشی**؛ مشخص کردن اینکه در صورت مواجهه با تعارض منافع یا نقض قوانین چه اقداماتی باید انجام دهند. - **پیش‌بینی ضمانت اجرا و تنبیه**؛ تعیین عواقب احتمالی در صورت نقض این استانداردها، مثلاً تعلیق، اخراج از انجمن یا جریمه. در واقع، هدف اصلی تدوین کدهای حرفه‌ای ایجاد **اعتماد عمومی**، **تضمین شفافیت**، **کنترل فساد** و **ارتقای سلامت نظام لابی‌گری** است، تا همه اعضای حرفه رفتار قابل قبولی داشته باشند و مرزهای اخلاقی را رعایت کنند. این کدها معمولاً توسط انجمن‌های صنفی یا نهادهای حرفه‌ای نوشته و بر اجرا و رعایت آن‌ها نظارت می شود.



زیرا هم استانداردهای مورد انتظار رفتار را شفاف می‌کنند و هم اعمال ضمانت اجرا برای عدم رعایت آن‌ها را مقرر می‌دارند. اما، بدون تمهیدات و منابع لازم برای اجرا و نظارت صحیح، خودتنظیمی نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد.

هر گاه نگرانی قابل توجهی از سوی افکار عمومی نسبت به رفتار مذاکره‌کنندگان مطرح شود، نهادهای دولتی باید تدوین الزامات رفتاری شفاف برای مذاکره‌کنندگان را مطابق با انتظارات عمومی مورد توجه قرار دهند.

زمانی که رفتار مذاکره‌کنندگان باعث نگرانی جدی افکار عمومی شود، حفظ اعتماد مردم به فرآیند تصمیم‌گیری دولت مستلزم آن است که دولت‌ها و قانون‌گذاران استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی مشخصی را برای رفتار مذاکره‌کنندگان تعیین کنند. استانداردهای رفتاری برای مذاکره‌کنندگان می‌تواند یا از طریق سیاست‌گذاری (مثلاً به عنوان شرط دسترسی به مقامات دولتی) یا به شکل مقررات قانونی برقرار شود. هدف این استانداردهای رفتاری، ترویج اصول حکمرانی خوب است که به‌ویژه شامل موارد زیر می‌شود:

- درستکاری و صداقت – الزام مذاکره‌کنندگان به برقراری روابط با مقامات دولتی بر پایه درستکاری و صداقت.
 - شفافیت – الزام مذاکره‌کنندگان به افشای اطلاعات مرتبط، مانند ذی‌نفعان و هدف فعالیت رایزنی اقتصادی خود، هنگام نمایندگی نزد مقامات دولتی. همچنین، مذاکره‌کنندگان ممکن است موظف به ثبت‌نام و گزارش فعالیت‌های رایزنی اقتصادی خود در بازه زمانی مشخص باشند.
 - صحت اطلاعات – اطمینان از قابل اعتماد بودن داده‌هایی که به مقامات دولتی ارائه می‌شود، از جمله شیوه به‌دست آوردن اطلاعات. مذاکره‌کنندگان باید با دقت لازم از نشر اطلاعات گمراه‌کننده خودداری کنند.
 - اجتناب از تعارض منافع – الزام مذاکره‌کنندگان به پرهیز از تعارض منافع در نمایندگی خود و همچنین قرار ندادن مقامات دولتی در موقعیت تعارض منافع.
- سازوکارهایی برای اجرای مؤثر و تضمین پایبندی به مقررات تعیین کنید.

برای تقویت پایبندی، مجموعه منسجمی از راهبردها و اقدامات باید بازیگران کلیدی را دربر گیرد و همچنین میان مشوق‌ها و ضمانت اجرا (مجازات‌ها) توازن مناسبی برقرار کند. برای ارتقای پایبندی، طیفی منسجم از راهبردها و اقدامات باید بازیگران اصلی را دربر بگیرد و همچنین به دقت میان مشوق‌ها و تحریم‌ها تعادل برقرار کند.

تحقق پایبندی، به‌ویژه زمانی که دولت‌ها وارد حوزه‌های جدید سیاست‌گذاری یا مقررات‌گذاری مانند رایزنی اقتصادی می‌شوند، چالش‌برانگیز است. تعیین مقررات شفاف و مشخص، به‌ویژه از طریق ارائه تعاریف روشن برای حوزه شمول آن، پیش‌شرط موفقیت در اجرای سیاست‌ها و مقررات در عمل روزمره است.

با این حال، اجرا کردن مقررات مستلزم مشارکت همه بازیگران اصلی، به‌ویژه مقامات دولتی و مذاکره‌کنندگان است تا درباره استانداردهای مورد انتظار در عمل روزمره به تفاهمی مشترک دست یابند. افزون بر این، تضمین پایبندی (چه داوطلبانه و چه الزامی) نیازمند طراحی و به‌کارگیری مشوق‌ها و ضمانت اجراهای متعادل در چارچوب مجموعه‌ای منسجم از راهبردها و اقدامات است، به ویژه از طریق:

- ارتباطات – برای افزایش آگاهی نسبت به استانداردهای مورد انتظار، برنامه ارتباطی فعال به اندازه اعمال مجازات‌های شدید، برای تضمین پایبندی اهمیت دارد. سیاست‌ها و مقررات رسمی تنها در صورتی مؤثر خواهند بود که بازیگران کلیدی، از جمله مذاکره‌کنندگان، مقامات دولتی، و شهروندان، بسیج شوند؛ به عنوان مثال برای شفاف‌سازی انتظارات عمومی نسبت به سیاست یا مقررات افزایش شفافیت در رایزنی.



- آموزش – برای ایجاد درک صحیح، تعهد و مهارت‌های لازم جهت اجرای قوانین و سیاست‌ها در عمل روزمره از طریق ارائه راهنمایی، مثلاً به صورت دوره‌های آموزشی، مشاوره و گفت‌وگوهای متمرکز. آموزش نباید منحصرأً برای مقامات دولتی باشد، بلکه باید مذاکره‌کنندگان و عموم مردم را نیز دربر بگیرد؛ برای نمونه به شهروندان امکان دهد تا از حق خود برای دسترسی به اطلاعات مرتبط با تصمیم‌گیری عمومی استفاده کنند و از پایبندی به اصول، قوانین و رویه‌هایی که بر اساس آن مقامات مجاز به تعامل با مذاکره‌کنندگان هستند حمایت نمایند.
- گزارش‌دهی رسمی – برای ارائه اطلاعات رسمی توسط نهاد اجرایی یا حسابرسی مستقل درباره اجرا و عملکرد سیاست یا مقررات. چنین گزارش‌هایی می‌توانند شامل داده‌هایی درباره سطح پایبندی (مانند ثبت‌نام‌ها و ارائه اسناد، تخلفات شناسایی شده و مجازات‌های اعمال شده) باشند و به تفسیر و تحلیل وضعیت کمک کنند.
- رهبری – برای ایجاد فرهنگی سازمانی که در عمل روزانه سلامت اداری و شفافیت را ترویج کند. به‌ویژه مدیران ارشد با رفتار روزمره خود الگوسازی می‌کنند؛ برای مثال، زمانی که همواره وضعیت مذاکره‌کنندگان را بررسی می‌کنند یا تماس با مذاکره‌کنندگانی ثبت‌نام‌نشده را رد می‌کنند.
- دستورات مدیریتی – مانند الزام مقامات دولتی به بررسی اعتبار مذاکره‌کنندگان، ثبت سوابق تماس با مذاکره‌کنندگان و گزارش تخلفات احتمالی؛ زیرا مسئولان تحت ریزنی بیشترین نقش را در واداشتن مذاکره‌کنندگان به رعایت کدهای رفتاری و گزارش تخطی‌ها دارند. رویه‌هایی نظیر الزام مذاکره‌کنندگان به همراه داشتن کارت تردد یا نشان ویژه در ادارات دولتی، یا الزام به اعلام اسامی موکلان و ذی‌نفعان هنگام ارتباط با مقامات، به‌روشنی عزم سازمان برای تضمین رعایت مقررات را نمایش می‌دهد. همچنین، ثبت سوابق محدودیت‌های مربوط به اشتغال بعد از ترک خدمت مقامات پیشین (مانند دوره «خنک شدن») باعث تسهیل پایبندی به الزامات قانونی می‌شود.
- رهبری – برای ایجاد فرهنگی سازمانی که سلامت اداری و شفافیت را در عمل روزمره ترویج دهد. به‌ویژه مدیران ارشد از طریق رفتار روزانه خود، مانند بررسی مستمر وضعیت مذاکره‌کنندگان یا امتناع از ارتباط با مذاکره‌کنندگانی ثبت‌نام‌نشده، نقش الگوسازی دارند.
- دستورات مدیریتی – مانند الزام مقامات دولتی به بررسی اعتبار مذاکره‌کنندگان، ثبت و نگهداری سوابق تماس با مذاکره‌کنندگان و گزارش تخلفات احتمالی، چرا که کارکنانی که مورد ریزنی قرار می‌گیرند بیشترین ظرفیت را برای واداشتن مذاکره‌کنندگان به رعایت کدهای رفتاری و گزارش تخطی دارند. رویه‌هایی نظیر الزام به همراه داشتن کارت یا نشان برای مذاکره‌کنندگان در ادارات دولتی، یا الزام به اعلام نام موکلان و ذی‌نفعان هنگام تماس با مقامات، سیگنالی آشکار درباره تعهد به تضمین پایبندی است. همچنین، ثبت سوابق محدودیت‌های پس از دوره خدمت مقامات دولتی (مانند دوره «خنک شدن») نیز رعایت مقررات را تسهیل می‌کند.
- مشوق‌ها – یک راهبرد جامع باید با دقت میان خطرات و مشوق‌ها هم برای مقامات دولتی (مثلاً پاداش دادن به رعایت مقررات توسط کارکنان دولت در ارزیابی عملکرد سالانه) و هم برای مذاکره‌کنندگان (مانند دسترسی به سامانه هشدار خودکار برای مشاوره و اسناد مرتبط، تسهیل ثبت‌نام و گزارش‌دهی الکترونیکی، یا قرار دادن ثبت‌نام به عنوان پیش‌شرط فعالیت ریزنی) توازن ایجاد کند تا فرهنگ پایبندی به الزامات ثبت‌نام، افشاگری و استانداردهای رفتاری برقرار شود.
- ضمانت اجراها (مجازات‌ها) – با تلفیق رویکردهای متعارف و نوآورانه به منظور ایجاد ضمانت اجراهای قابل مشاهده و متناسب. ضمانت اجراهای متعارف می‌تواند از جریمه‌های مالی (مانند پرداخت خسارت) گرفته تا مجازات‌های اداری (مانند حذف مذاکره‌کنندگان از فهرست یا محرومیت موقت از ثبت‌نام) و حتی پیگرد کیفری در صورت تاثیرگذاری غیرقانونی را دربر گیرد. افزون



بر این، رویکردهای نوآورانه تری (مانند انتشار عمومی تخلفات اثبات شده یا «نام بردن و شرمسار کردن» که توجه رسانه‌ها را جلب می‌کند) می‌تواند در جایی که اعتبار رایزنی اقتصادی اهمیت دارد، تأثیرگذار باشد.

- هماهنگی – برای تضمین انسجام اقدامات مختلف. هر جزء از نظام تضمین پایبندی باید مکمل سایر بخش‌ها باشد تا به‌طور جمعی اهداف کلی سیاست یا مقررات یعنی ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و سلامت فرایند رایزنی اقتصادی تحقق یابد.
 - مشوق‌ها – یک راهبرد جامع باید به‌دقت میان خطرات و مشوق‌ها هم برای مقامات دولتی (مانند پاداش‌دهی به رعایت مقررات در ارزیابی عملکرد سالانه کارکنان دولتی) و هم برای مذاکره‌کنندگان (مثلاً دسترسی به سامانه اطلاع‌رسانی خودکار برای مشاوره و اسناد، ثبت‌نام و گزارش‌دهی آسان از طریق سامانه الکترونیکی، و مشروط کردن فعالیت رایزنی اقتصادی به ثبت‌نام) توازن برقرار کند تا فرهنگ پایبندی به الزامات ثبت‌نام، افشا و استانداردهای رفتاری شکل گیرد.
 - ضمانت اجراها (مجازات‌ها) – ترکیبی از رویکردهای سنتی و نوآورانه برای ایجاد ضمانت اجراهای آشکار و متناسب. ضمانت اجراهای سنتی می‌تواند طیفی از جریمه‌های مالی (مانند پرداخت جریمه)، محرومیت‌های اداری (مانند حذف نام رایزنی اقتصادی از فهرست یا محروم کردن موقت) تا پیگرد کیفی به علت اعمال نفوذ غیرقانونی را دربر گیرد. علاوه بر این، رویکردهای نوآورانه مانند گزارش عمومی تخلفات اثبات شده («افشا و شرمسار کردن» که توجه رسانه‌ها را جلب می‌کند) نیز در جایی که اعتبار اجتماعی رایزنی اقتصادی مهم است، می‌تواند نقش بازدارنده موثری ایفا کند.
 - هماهنگی – به منظور ایجاد انسجام میان اقدامات مختلف. هر عنصر از نظام پایبندی باید سایر اجزا را تقویت کند تا در مجموع اهداف کلی سیاست یا مقررات یعنی ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و سلامت فرایند رایزنی اقتصادی محقق شود.
- اجرای مؤثر سیاست یا مقررات رایزنی، تنها مستلزم وجود مجازات‌های بازدارنده نیست، بلکه مستلزم اعمال به موقع این مجازات‌ها در صورت نقض استانداردهای تعیین شده نیز می‌باشد.**

اعمال مجازات‌ها در صورت عدم رعایت، جزء ضروری استراتژی‌ها و روش‌های اجرایی برای اجرای سیاست‌ها یا مقررات با هدف افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی به‌شمار می‌رود. مجازات‌های مشهود و متناسب باید هم برای مذاکره‌کنندگان و هم برای مقامات دولتی، به صورت به‌موقع اجرا شوند تا به اجرای مؤثر قوانین قدرت و اعتبار لازم را بدهند.

مدیران سیاست‌ها یا مقررات مربوط به افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی باید مستقل از فشارهای سیاسی بوده و منابع کافی برای انجام مؤثر وظایف خود در اختیار داشته باشند.

ترتیبات نهادی کافی نیز برای اجرای سیاست‌ها یا مقررات مرتبط با افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی ضروری هستند، به ویژه:

- وضعیت – اطمینان از استقلال اداری مقامات از فشارهای سیاسی. برای مثال، تعیین مدت زمان مشخص برای انتصاب مقامات اصلی مسئول اجرای سیاست یا نظارت بر مقررات و تعریف شفاف شرایط برکناری آن‌ها.
- ظرفیت – دفاتر اجرایی باید منابع لازم را برای اجرای مؤثر سیاست‌ها یا مقررات (مثلاً از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش) و همچنین برای نظارت بر رعایت قوانین (مانند شناسایی تخلفات) در اختیار داشته باشند.

تأمین اهداف سیاست‌ها یا مقررات رایزنی اقتصادی ممکن است مستلزم آن باشد که مقامات، از یک سو اختیار تفسیر و بررسی اسناد ارائه شده و درخواست توضیح از ثبت‌نام‌کنندگان را داشته باشند و از سوی دیگر، در صورت لزوم تحقیقات را ادامه دهند و حتی تا حد اطلاع‌رسانی درباره نیاز به تحقیقات کیفی پیش بروند.



اجرای مؤثر مستلزم آن است که مقامات مسئول اجرای سیاست یا مقررات، از شایستگی عملیاتی لازم برای تضمین رعایت قوانین برخوردار باشند. این شامل موارد زیر است:

● اختیار - ارائه تفسیر برای حمایت از اجرای روزانه، بررسی و تأیید به موقع بودن و صحت اطلاعات افشا شده به منظور شناسایی موارد عدم رعایت و اقدام به موقع، مانند درخواست اطلاعات بیشتر یا اصلاح افشا، رد یا لغو ثبت نام در صورت عدم رعایت الزامات. همچنین، انجام تحقیقات در خصوص تخلفات ادعایی ممکن است نیازمند اختیار ویژه باشد.

● بازه زمانی کافی - برای شناسایی تخلفات و انجام تحقیقات مربوط به شکایات درباره تخلفات احتمالی.

● اقدامات مشخص - اقداماتی که در صورت عدم رعایت باید انجام شوند و می‌توانند از هشدار غیررسمی، هشدار رسمی، صدور دستور برای اصلاح اقدامات، تا ارجاع برای تحقیقات و پیگرد کیفی متفاوت باشند.

● اتخاذ تدابیر به موقع و مناسب - برای ارسال پیامی روشن از تعهد آشکار به منظور تضمین اجرای مقررات.

برای پاسخگویی به انتظارات روبه‌رشد جامعه نسبت به حکمرانی خوب، دولت‌ها باید عملکرد سیاست‌ها یا مقررات مرتبط با رایزنی اقتصادی را به‌طور منظم مورد بازنگری قرار دهند و بر اساس تجربیات به‌دست‌آمده از اجرای آن‌ها، اصلاحات لازم را انجام دهند.

سیاست‌ها و مقرراتی که با هدف افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی تدوین می‌شوند، اغلب به‌صورت تدریجی و در چارچوب یک فرایند یادگیری سیاسی و اداری شکل می‌گیرند. اجرای این سیاست‌ها و مقررات و بازبینی منظم روند اجرا و تأثیرات آن‌ها به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا بهتر درک کنند چه عواملی بر رعایت استانداردها، قوانین و رویه‌های تعیین‌شده تأثیرگذار هستند.

اصلاح سیاست‌ها و مقررات مشخص برای افزایش شفافیت در رایزنی اقتصادی باید تنها بخشی از روند تقویت مجموعه یکپارچه و به‌هم‌پیوسته سیاست‌ها و مقررات دیده شود؛ روندی که با هدف پاسخگویی به انتظارات عمومی برای اجرای مؤثر اصول شفافیت، پاسخگویی و سلامت اداری در حوزه رایزنی اقتصادی دنبال می‌شود.



فصل پنجم: پیشنهادات

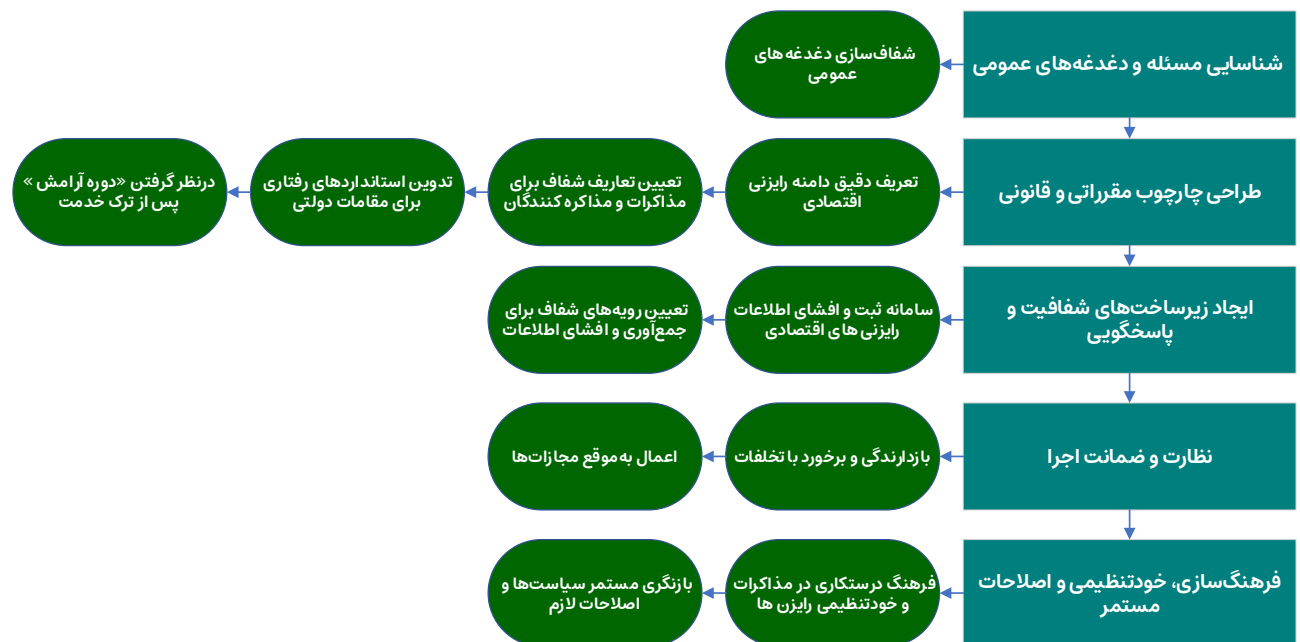


برای شکل‌گیری یک نظام رایزنی اقتصادی کارآمد، نخستین گام روشن کردن میدان بازی است. این کار با شناسایی دقیق دغدغه‌ها و مسائل عمومی آغاز می‌شود؛ زیرا بدون آن، رایزنی‌ها به موضوعاتی پراکنده و بی‌ارتباط با نیازهای واقعی جامعه تبدیل خواهند شد. شفاف‌سازی این دغدغه‌ها به دولت و ذی‌نفعان اجازه می‌دهد تا حدود و ثغور رایزنی اقتصادی را مشخص کنند و برای هر یک از بازیگران اصلی، تعاریف روشن و نقش‌های شفاف در فرآیند مذاکره تعریف شود. این مرحله، با طراحی یک چارچوب قانونی و مقرراتی همراه است تا همه طرف‌ها بدانند در چه چهارچوبی حرکت می‌کنند و چگونه باید پاسخگوی تصمیم‌ها و تعاملات خود باشند. همزمان، ایجاد زیرساخت‌های شفافیت و پاسخگویی - مانند سامانه‌های ثبت و انتشار اطلاعات اقتصادی و تعیین رویه‌های شفاف برای دسترسی عمومی به داده‌ها - موجب می‌شود رایزنی‌ها از سطح چانه‌زنی‌های پشت پرده فراتر رفته و به فرآیندی نهادمند و اعتمادساز بدل شوند.

با این حال، وجود قواعد و زیرساخت‌ها به تنهایی کافی نیست. آنچه به این نظام دوام می‌بخشد، سازوکارهای نظارت و ضمانت اجراست. رایزنی اقتصادی زمانی معنا پیدا می‌کند که تخلفات و انحراف‌ها به‌موقع شناسایی و با آنها برخورد شود، استانداردهای رفتاری برای مقامات دولتی به‌طور شفاف تدوین گردد، و حتی پس از ترک خدمت، دوره‌ای برای پرهیز از تعارض منافع در نظر گرفته شود. چنین تدابیری، به فرآیند رایزنی اعتبار و ثبات می‌بخشد. در نهایت، پایداری این نظام تنها از طریق فرهنگ‌سازی، خودتنظیمی و اصلاحات مستمر تضمین می‌شود. رایزنی اقتصادی باید قابلیت بازنگری مداوم داشته باشد تا در برابر تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی انعطاف‌پذیر باقی بماند. بنابراین، این مسیر یک حرکت خطی و مقطعی نیست؛ بلکه چرخه‌ای پویاست که از شناسایی مسائل عمومی آغاز می‌شود، با قانون‌گذاری و شفافیت نهادینه می‌گردد، از رهگذر نظارت و ضمانت اجرا مستحکم می‌شود و در نهایت با فرهنگ‌سازی و اصلاحات مستمر به بلوغ و کارآمدی پایدار می‌رسد.

پیشنهادات مطالعه پیش رو در ارتباط با استفاده کشورمان از تجربیات کشورهای عضو سازمان OECD را میتوان در قالب نمودار زیر خلاصه کرد.

تدوین یک چارچوب مناسب با توجه به رویکرد حکمرانی خوب





۱. Kluver, H., C. Braun, and J. Beyers, *Legislative lobbying in context: towards a conceptual framework of interest group lobbying in the European Union*. Journal of European Public Policy, ۲۰۱۵. ۲۲(۴): p. ۴۴۷-۴۶۱.
۲. Jacquot, S. and T. Vitale, *Law as weapon of the weak? A comparative analysis of legal mobilization by Roma and women's groups at the European level*. Journal of European Public Policy, ۲۰۱۴. ۲۱(۴): p. ۵۸۷-۶۰۴.
۳. DeMello, R.B., *Corporate political strategies*, in *Oxford Research Encyclopedia of Business and Management*. ۲۰۲۰.
۴. Alonso, J.M. and R. Andrews, *Insider lobbying and government contracts: The moderating role of firm size*. European management review, ۲۰۲۲. ۱۹(۳): p. ۴۶۲-۴۷۵.
۵. Woll, C. and A. Artigas, *When trade liberalization turns into regulatory reform: The impact on business-government relations in international trade politics*. Regulation & Governance, ۲۰۰۷. ۱(۲): p. ۱۲۱-۱۳۸.
۶. Gebreeyesus, M. and M. Iizuka, *Discovery of flower industry in Ethiopia: experimentation and coordination*. Journal of Globalization and Development, ۲۰۱۲. ۲.(۲)
۷. Lawton, T., et al., *The implications of COVID-19 for nonmarket strategy research*. Journal of Management Studies, ۲۰۲۰. ۵۷(۸): p. ۱۷۳۲-۱۷۳۶.
۸. Singh, S., et al., *A road-map for addressing antimicrobial resistance in low-and middle-income countries: lessons learnt from the public private participation and co-designed antimicrobial stewardship programme in the State of Kerala, India*. Antimicrobial Resistance & Infection Control, ۲۰۲۱. ۱۰(۱): p. ۳۲.
۹. Vandevijvere, S. and B. Swinburn, *Creating healthy food environments through global benchmarking of government nutrition policies and food industry practices*. Archives of Public Health, ۲۰۱۴. ۷۲(۱): p. ۷.
۱۰. McCambridge, J., B. Hawkins, and C. Holden, *The challenge corporate lobbying poses to reducing society's alcohol problems: insights from UK evidence on minimum unit pricing*. Addiction, ۲۰۱۴. ۱۰۹(۲): p. ۱۹۹-۲۰۵.
۱۱. Davidson, S. and I. Lock, *Argumentation strategies in lobbying: the discursive struggle over proposals to regulate Big Tech*. Journal of Communication Management, ۲۰۲۵. ۲۹(۲): p. ۱۸۶-۱۹۹.
۱۲. Yates, S. and É. Cardin-Trudeau, *Lobbying "from within": A new perspective on the revolving door and regulatory capture*. Canadian Public Administration, ۲۰۲۱. ۶۴(۲): p. ۳۰۱-۳۱۹.
۱۳. Innes, A., *Corporate state capture in open societies: The emergence of corporate brokerage party systems*. East European Politics and Societies, ۲۰۱۶. ۳۰(۳): p. ۵۹۴-۶۲۰.
۱۴. Miller, D. and C. Harkins, *Corporate strategy ,corporate capture: food and alcohol industry lobbying and public health*. Critical social policy, ۲۰۱۰. ۳۰(۴): p. ۵۶۴-۵۸۹.
۱۵. Campbell, N., et al., *Federal government food policy committees and the financial interests of the food sector*. Open Medicine : (۴)۷ .۲۰۱۳ ,p. e۱۰۷.



- .۱۶ Barron, A., *The impact of national business cultures on large firm lobbying in the European Union: evidence from a large-scale survey of government affairs managers*. *Journal of European Integration*, ۲۰۱۱. ۳۳(۴): p. ۴۸۷-۵۰۵.
- .۱۷ Govorun, A., *The choice of lobbying strategy: direct contacts with officials or mediation via business associations*. Higher School of Economics Research Paper No. WP BRP, ۲۰۱۳. ۲۴.
- .۱۸ Huang, D., M. Chen, and T. Heberer, *From "state control" to "business lobbying": The institutional origin of private entrepreneurs' policy influence in China*. ۲۰۱۷, Working Papers on East Asian Studies.
- .۱۹ Strong, C. and F. Tyler, *New Zealand media camouflage political lobbying*. *Pacific Journalism Review*, ۲۰۱۷. ۲۳(۲): p. ۱۴۴. ۱۵۸-
- .۲۰ Allen, L.N., S. Wigley, and H. Holmer, *Study protocol: assessing the association between corporate financial influence and implementation of policies to tackle commercial determinants of non-communicable diseases: a cross-sectional analysis of 1۷۲ countries*. *BMJ open*, ۲۰۲۲. ۱۲(۸): p. e۰۵۵۶۵۶.
- .۲۱ Wen, Y., *Informational lobbying, information asymmetry, and the adoption of the ride-hailing model policy in the US States*. *Business and Politics*, ۲۰۲۴. ۲۶(۳): p. ۳۳۰-۳۶۱.
- .۲۲ Baumgartner, F.R., V. Gray, and D. Lowery, *Federal policy activity and the mobilization of state lobbying organizations*. *Political Research Quarterly*, ۲۰۰۹. ۶۲(۳): p. ۵۵۲-۵۶۷.
- .۲۳ Ghate, C., *Lobbying, The Composition of Government Expenditures, and the Politics of Fiscal Policy*. *Australian Economic Papers*, ۲۰۰۱. ۴۰(۲): p. ۱۳۳-۱۴۵.
- .۲۴ Bunea, A., *Legitimacy through targeted transparency? Regulatory effectiveness and sustainability of lobbying regulation in the European Union*. *European Journal of Political Research*, ۲۰۱۸. ۵۷(۲): p. ۴۰۳-۳۷۸
- .۲۵ Hogan, J.W., G. Murphy, and R.S. Chari, "Next Door They Have Regulation, But Not Here...": *Assessing the Opinions of Actors in the Opaque World of Unregulated Lobbying*. *Canadian Political Science Review*, ۲۰۰۸. ۲(۳): p. ۱۲۵-۱۵۱.
- .۲۶ Huang, Z.A. *China's government and companies' strategic communications and grass-roots lobbying strategies in Africa in the digital age: a case study on China's Confucius Institutes*. in *The 11th EUPRERA Ph. D. Annual Workshop*. ۲۰۱۷.
- .۲۷ Hopewell, K., *The transformation of state-business relations in an emerging economy: The case of Brazilian agribusiness*. *Critical perspectives on international business*, ۲۰۱۴. ۱۰(۴): p. ۲۹۱-۳۰۹.
- .۲۸ Campos, N.F. and F. Giovannoni, *Political institutions, lobbying and corruption*. *Journal of Institutional Economics*, ۲۰۱۷. ۱۳(۴): p. ۹۱۷-۹۳۹.
- .۲۹ Hamada, Y., *The impact of the traditional business-government relationship on the Europeanization of Japanese firms*, in *EU Lobbying: Empirical and Theoretical Studies*. ۲۰۱۳, Routledge. p. ۷۲-۸۹.